

چاپ دوم

حضرت علی

در نغمه‌های عامیانه ایران

بهروز وجدانی



Imam Ali In Folk Sings, of Iran

حضرت علی(ع) در اعتقاد ایرانیان مسلمان نزدیک‌ترین شخصیت اسلامی به حضرت محمد(ص) و صالح‌ترین بنده خدا پس از اوست.

هنرمندان مسلمان و متعهد ایرانی تاکنون توانسته‌اند با آمیختن فرهنگ و هنر ایرانی با مضامین، تفکرات و ارزش‌های اسلامی امکان رشد و بروز را برای خود و هنرهای عامیانه فراهم کنند.

موسیقی عامیانه که ناظر بر وقایع مهم زندگی از جمله تولد تا مرگ است، در تمام اشکال خود سرشار از مضامین اسلامی و میراث معنوی ما در فرهنگ است.

در این مجموعه، یاد و نام علی(ع) در ترانه‌های کار، اعتقادات و باورها، نغمات و دعاها، رمضان، آیین‌های نوروزی، دویستی‌ها، مثل‌ها، قصه‌ها و ترانه‌های مذهبی و موسیقی مقامی به طور کامل گردآوری شده است.



سازمان چاپ و انتشارات

۳۰۰۰۰ ریال



۱۷۲۱
۲۵/۱۵

ب. ا. ج.



سالمان چاپ و انتشارات

وجدانی، بهروز، ۱۳۲۸ -
 حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران/ تألیف بهروز وجدانی - تهران: سازمان چاپ و انتشارات: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۸۰.
 ۲۰۸ص.

ISBN 978-964-422-272-6

Imām Ali In Folk Sings Of Irān

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

پشت جلد به انگلیسی:

چاپ اول: ۱۳۸۰. چاپ دوم ۱۳۸۸.

۱. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - شعر ۲. علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - فرهنگ عامه ۳. شعر عامه فارسی - مجموعه‌ها. الف. ایران. سازمان چاپ و انتشارات. ج. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. د. عنوان.

۸ فا ۱/۰۰۸۳۵۱

PIR ۴۰۷۲/ع۸۲ و ۳

۱۳۸۰

۲۳۸۸۰-۷۹م

کتابخانه ملی ایران

حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران

Imām Ali In Folk Sings Of Irān



تألیف: بهروز وجدانی

تهران ۱۳۸۸



سازمان چاپ و انتشارات

حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران

Imām Ali In Folk Sings Of Irān

تألیف: بهروز وجدانی

طرح جلد: لاله سلطان‌محمدی
ناظر چاپ: علی فرازنده خالدي

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات

چاپ دوم: تابستان ۱۳۸۸
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

© تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر در انحصار
سازمان چاپ و انتشارات است.

شابک ۶-۲۷۲-۴۲۲-۹۶۴-۹۷۸
ISBN 978-964-422-272-6

چاپخانه و انتشارات:

کیلومتر ۴ جاده مخصوص کرج - نبش سه راه شیشه مینا - تهران ۱۳۹۷۸۱۵۳۱۱
تلفن: (چهار خط) ۴۴۵۱۳۰۰۲ نمابر: ۴۴۵۱۴۴۲۵ انتشارات: ۴۴۵۲۹۶۰۱

پخش و فروشگاه:

میدان حسن‌آباد - خیابان امام خمینی - نبش خیابان شهید میردامادی (استخر) - تهران ۱۱۳۷۹۱۳۱۴۵
تلفن پخش: ۳-۶۶۷۲۸۳۱۲ و ۶۶۷۳۷۶۳۵ نمابر پخش: ۶۶۷۰۷۹۲۴ فروشگاه: ۶۶۷۰۲۶۰۶

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۳	ترانه‌های کار
۱۷	کشاورزی
۱۷	نشا کردن
۱۸	جشن خرمن
۱۸	جشن خرمن یا درو در شهرستان قروه
۲۰	جشن خرمن در شهرستان نقده
۲۰	جشن خرمن در شهرستان زنجان
۲۱	پیمانه کردن محصول گندم
۲۲	مراسم توزین گندم در روستای سمیه، مازندران
۲۳	پیمانه کردن گندم در شهرستان مهاباد
۲۴	پیمانه کردن گندم در شهرستان نهبندان
۲۵	دامداری
۲۵	ترانه‌های مشک‌زنی
۲۵	ترانه‌های مشک‌زنی در لردگان
۲۶	آوازهای دریا و صید
۲۸	ترانه‌های رفع خستگی از کار
۲۹	ترانه‌های بنایی

۶ / حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران

- ۳۱ موسیقی و اعتقادات و باورهای عامیانه
- ۳۳ ترانه‌های اسپند دود کردن
- ۳۴ دعا و نیایش
- ۳۵ دعا به هنگام خوابیدن
- ۳۵ موسیقی در مراسم زایمان و نام‌گذاری کودکان
- ۳۷ موسیقی در مراسم آفتاب‌خواهی
- ۳۸ فال چهل بیتو (چهل بیتی)
- ۴۱ موسیقی در مراسم شمع و چراغ
- ۴۵ اعتقادات و باورهای عامیانه در خصوص ابزار موسیقی
- ۴۷ بلوچستان
- ۴۷ کرمانشاهان
- ۴۹ ترکمن صحرا
- ۵۱ نغمات و دعا‌های رمضان
- ۵۳ بیدار شدن سحر
- ۵۴ مجلس زنانه ختم قرآن
- ۵۵ مراسم مربوط به شب‌های قدر
- ۵۵ روضه قنبر در شاهرود
- ۵۷ روضه قنبر در شهرستان یزد
- ۶۲ مراسم الله رمضونی
- ۶۴ دوست رفتن
- ۶۷ نواها در مراسم تعزیه حضرت علی (ع) در کازرون
- نواها در تعزیه و عزاداری در ایام شهادت حضرت
- ۸۵ علی (ع) در میبد
- نواها در مجلس محاربه و مقابله فتاح شاه حبشه با مولا

۸۸	علی (ع)
۹۰	نواها در رزم نامه غزوه خندق
۹۷	موسیقی در آیین های نوروزی
۱۰۰	نوروزخوانی
۱۰۱	نوروزخوانی - مازندران، بابل (قسمت اول)
۱۰۲	نوروزخوانی - مازندران، قائم شهر (قسمت اول)
۱۰۴	نوروزخوانی - مازندران
۱۰۵	نوروزخوانی در سنگسر
۱۰۶	تکم های آذری
۱۰۸	مراسم چهارشنبه سوری
۱۰۹	دوبیتی های عامیانه
۱۱۲	نمونه هایی از دوبیتی های عامیانه بیرجندی
۱۱۹	مَثَل ها یا قصه ترانه های عامیانه
۱۲۷	ترانه های بازی
۱۲۹	لالایی ها
۱۳۲	نمونه ای از لالایی های متداول در خراسان
	نمونه ای از لالایی های متداول در منطقه دشتستان،
۱۳۳	بصری، برازجان
	نمونه ای از لالایی های متداول در منطقه اهر و ارسباران با
۱۳۴	برگردان فارسی
۱۳۷	نمونه ای از لالایی های متداول در شهرستان قم
۱۳۸	دو لالایی لری با برگردان فارسی
۱۳۹	چند لالایی از خوزستان با برگردان فارسی
۱۴۱	نغمه های عروسی

۸ / حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران

۱۴۳	مراسم عروسی در خراسان (عقد و عروسی حضرت فاطمه)
۱۴۵	واسونک‌های شیرازی
۱۴۵	مراسم عروسی در شاهرود
۱۴۶	مراسم عروسی در لرستان
۱۴۷	نغمه‌های حماسی
۱۴۹	زورلما، کشتی سنتی آذربایجان
۱۵۰	جنگ‌نامه یا شاهنامه خوانی در بوشهر
۱۵۰	نغمات زورخانه‌ای
۱۵۹	ترانه‌های مذهبی
۱۶۱	تصنیف مولود نبی
۱۶۳	تصنیف علی گویم، علی جویم
۱۶۴	تصنیف عارفانه و عاشقانه براساس غزل مولوی
۱۶۵	ذکرهای اهل حق
۱۶۶	موسیقی مقامی قوچان
۱۶۶	بحر طویل
۱۶۷	موسیقی مقامی تربت جام
۱۶۷	قصه آوازی حضرت مولا
۱۷۲	جمشیدی
۱۷۶	موسیقی بلوچستان
۱۷۶	جنگ حضرت ادهم با کفار
۱۸۹	منابع و مآخذ
۱۹۳	نمایه

مقدمه

بی‌شک جشن و سرور ایرانیان در روز میلاد فرخنده حضرت علی (ع)، مردی که نام، یاد، راه و عظمتش در تمامی شکل‌های فرهنگ شفاهی کشورمان هویداست، در واقع گرامیداشت و احترام به میراث فرهنگی معنوی ایران نیز هست.

در کشورمان به هر مناسبتی معمولاً به گونه‌ای نام حضرت علی (ع) در قالب بیان، نغمات و نواهای شیوا و دلنشین خوانده و بیان می‌شود. میراث فرهنگی معنوی هر کشوری ساخته و پرداخته فرد یا گروه خاصی نیست بلکه زائیده اندیشه، هوش، دانش، خلاقیت، هنر، امیال و آرزوها، احساسات و عواطف، پیروزی‌ها و ناکامی‌ها و باورها و اعتقادات آن ملت است و ریشه در گذشته‌های بسیار دور دارد، از حوادث مشترک زندگی مردم مایه گرفته و خصلت جمعی دارد. میراث فرهنگی معنوی به صورت سینه به سینه و شفاهی از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کند و در این روند از شرایط حاکم بر زندگی جاری مردم نیز تأثیرپذیر است. هنرهای عامیانه که بخش عظیمی از این میراث فرهنگی معنوی به شمار می‌آیند پیوند مستقیم و قوی با زندگی مردم دارد و کم‌تر رنگ تفننی به خود می‌گیرد.

موسیقی عامیانه ناظر بر وقایع مهم زندگی از جمله تولد تا مرگ است. این هنر بنا به مقتضیات زمان و مکان و موضوع فرق پیدا می‌کند و در واقع بیان احساسات پاک و صادقانه عامه مردم است که در فرم و قالب مناسب با موضوع و فعالیت ارائه می‌شود. موسیقی عامیانه ایران در تمام اشکال خود سرشار از مضامین اسلامی است و این امر جزء ویژگی‌های این هنر ساده و بی‌پیرایه نیز محسوب می‌شود. هنرمندان مسلمان و متعهد ایرانی تاکنون توانسته‌اند با آمیختن فرهنگ و هنر ایرانی با مضامین، تفکرات و ارزش‌های اسلامی امکان رشد و بروز برای خود و هنرهای عامیانه ایرانی فراهم کنند.

حضرت علی (ع) در اعتقاد ایرانیان مسلمان نزدیک‌ترین شخصیت اسلامی به حضرت محمد (ص) و صالح‌ترین بنده خداست و او را «مظهرالعجایب» می‌نامند و مقام او را نزد خداوند بالاتر از تمام پیامبران قبل از اسلام به حساب می‌آورند، از این رو طبیعی است که در تمام هنرها از جمله موسیقی جای ویژه‌ای برای این شخصیت منحصر بفرد و بی‌همتا قایل شوند.

مادران به هنگام خواندن لالایی و قصه برای کودکان، خردسالان به هنگام بازی و سرگرمی، جوانان به هنگام ورزش در گود زورخانه و سایر میدان‌های ورزشی، اهل عرفان در مجالس ویژه‌ای که در محفل‌های خود بر پا می‌دارند، چاووشی‌خوانان به هنگام بدرقه و استقبال مؤمنین که قصد عزیمت یا بازگشت از اماکن متبرکه را دارند، روضه‌خوانان، مداحان و تعزیه‌خوانان برای تأثیربخشی بیش‌تر در شنونده و برانگیختن احساسات جمعی مردم، زنان زحمت‌کش روستایی و عشایری به هنگام مشک‌زنی، کشاورزان به هنگام نشای برنج، درو، خرمن‌کوبی و پیمانه کردن گندم

به دست آمده، کارگران ساختمانی به هنگام بنایی و بام اندود کردن پشت بام خانه‌ها، صیادان به هنگام صید و به آب انداختن قایق، آبیاریها به هنگام لایروبی جوی‌ها و بالأخره موسیقی درمان‌ها برای درمان بیماران روحی از نغمات و آواهایی زیبا، ساده و مؤثر استفاده می‌کنند که در مجموع وصف جمال حق تعالی، پیامبرگرامی اسلام و حضرت علی (ع) و اولاد آن حضرت است. هر نغمه و آوای این موسیقی یادآور خاطره‌ای تلخ یا شیرین از زندگی و سرگذشت این مردم است.

این نوع موسیقی، سختی کار را از یاد برده، عشق و ایمان به زندگی را در قلب شکوفا می‌سازد. موسیقی نظم و هماهنگی را که لازمه کارهای دسته‌جمعی و طاقت‌فرسا است را در حد بسیار زیادی تقویت می‌کند و به ذهن‌های آشفته سر و سامان می‌بخشد و شنونده را آماده برای ارتباط با خداوند و خدمت به خلق خدا می‌کند. از این رو بیش‌تر دانشمندان و عرفای نامدار ایرانی موسیقی را به شرط این‌که در خدمت معنویت و اتصال به خداوند باشد جایز شمرده‌اند و اعتقاد دارند که موسیقی عشق به خدا را در دل انسان مؤمن بیدار می‌کند و باب پی‌بردن به جمال حق را می‌گشاید. موسیقی سبب ارتقای کیفیت زندگی انسان‌ها شده آن‌ها را به صلح و صفا و برادری دعوت می‌کند.

ترانه‌های کار

بخش عظیمی از ترانه‌های کار، به حضرت علی (ع) اختصاص یافته است. مردم مسلمان ایران در هر کاری هنگامی ناتوانی و ضعف و سردرگمی پیدا می‌کنند به این شخصیت و آلامقام پناه می‌برند و از او نیرو و قدرت کسب می‌کنند.

به قول مولوی:

از علی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان مطهر از دغل
اکثر رانندگان وسیله نقلیه برای رفع خستگی از کار طاقت‌فرسای
شبانه‌روزی با زمزمه شعر زیر که معمولاً در بالای سرشان نوشته شده از
شیر خدا مولای متقیان سلامتی، تندرستی و اخلاص در عمل طلب
می‌کنند:

بالای سرم نام ترا نقش نمودم یا علی

یعنی که سر من بفدای قدم تو یا علی

موسیقی ریتم جامعه را برای کار و تولید تنظیم می‌کند. به مردم نشاط و امید می‌بخشد و آن‌ها را برای کارهای طاقت‌فرسای فردی و گروهی، فداکاری در راه دین و میهن، همبستگی، اتحاد، سازندگی، صلح و محبت و وفاق اجتماعی آماده می‌کند، از این‌رو در تمام فعالیت‌ها به ویژه در مناطق روستایی و عشایری حضور سازنده و فعال دارد. موسیقی ایرانی پیوسته با زندگی مردم کشورمان پیوند قوی داشته است.

الخان موسیقی در یک ترکیب و شکل زیبا و ساده، سریع‌تر از هر هنر در ذهن و عاطفه ما تأثیر می‌گذارد و عواطف و احساسات خاصی را در ما برمی‌انگیزد که منشأ تحرک و فعالیت و تداعی اندیشه‌ها می‌شود. ریتم یکی از عناصر اساسی و سازنده زندگی است. ریتم حرکت و جنبش است و حرکت و جنبش خون زندگی است. ریتم رفتارهای اجتماعی انسان را موزون و هماهنگ می‌کند و در نتیجه روحیه را برای شرکت فعال در کارهای جمعی آماده می‌سازد. موسیقی مناسب و مطلوب سختی کار را از یاد می‌برد، از این‌رو در جوامع روستایی و عشایری که هنرها با تمام شئون زندگی رابطه مستقیم و فعال دارد نقش ارزنده‌ای ایفا می‌کند. موسیقی همراه تمام فعالیت‌های طاقت‌فرسای کاشت و برداشت، نشاکاری، درو، خرمن‌کوبی، برنج پاک‌کنی، اندازه‌گیری محصولات زراعی، صید و شکار، شیردوشی، مشک‌زنی، جشن خرمن، کارهای سخت ساختمانی مانند بام اندود کردن پشت‌بام‌ها و سایر کارهای سخت که نیاز به روحیه تعاون و انرژی جسمانی دارد دیده می‌شود. این نوع موسیقی نیز همانند سایر هنرهای عامیانه زاده اندیشه تنی واحد نیست، از حوادث مشترک زندگی مردم ناشی می‌شود و سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر انتقال پیدا می‌کند، البته در جریان انتقال موافق مقتضیات هر نسل دگرگونی می‌پذیرد. یکی دیگر از ویژگی‌های این‌گونه هنرها سادگی بیان و محتوای آن است و همین امر باعث می‌شود که در حافظه جمعی مردم به راحتی بنشیند و به زبان جاری شود.

در این‌جا نمونه‌هایی از ترانه‌های کار در ارتباط با فعالیت‌های مختلف که در آن‌ها نامی از حضرت علی (ع) آمده نقل می‌شود:

کشاورزی

تمام مراحل کاشت، داشت، برداشت و اندازه‌گیری محصول به‌دست آمده دارای نغمات دلنشینی است که عمدتاً با ذکر پیغمبر (ص) و امامان معصوم به ویژه حضرت علی (ع) به صورت گروهی خوانده می‌شود. این موسیقی معمولاً آوازی است که در قالب کلامی ساده و روان اجرا می‌شود.

نشا کردن

«در شهرستان‌های لُردگان و آردل از استان چهارمحال و بختیاری به هنگام نشا کردن برنج (تولکی Tulaki) که توسط زنان انجام می‌پذیرد نغماتی خوانده می‌شود. این آواها موجب هماهنگی، نشاط و سرعت در انجام کار و جلوگیری از خستگی افرادی می‌شود که در این کار سخت شرکت دارند. نمونه‌ای از این نغمات به شرح زیر است:

سرگروه	گروه نشاکار
یاعلی، ای براژم (برادرم)	یاعلی، یاعلی
یاعلی، ای یازم	یاعلی، یاعلی
امید روزگارم	یاعلی، یاعلی
بر من تو و فریادم	یاعلی، یاعلی
یاعلی، ای براژم	یاعلی، یاعلی
یاعلی، ای جونم	یاعلی، یاعلی
یاعلی، ای ایمونم	یاعلی، یاعلی
قربون قد و بالات	یاعلی، یاعلی
قربون ذوالفقارت	یاعلی، یاعلی
شیرخدا، یاعلی	یاعلی، یاعلی

یاعلی، یاعلی	یاعلی، ای براژم
یاعلی، یاعلی	یاعلی، ای با وفا
یاعلی، یاعلی	کشته زهر جفا
یاعلی، یاعلی	هر کی نگو یاعلی
یاعلی، یاعلی	ایوفته مین چلی (داخل گودال می افتد)
یاعلی، یاعلی	ساقی کوثر علی
یاعلی، یاعلی	ورد زوونم (زبونم) علی
یاعلی، یاعلی	هر کی نگو علینه (هر کس علی را فریاد نزند)
یاعلی، یاعلی	نیزنه تولکینه (نمی تواند نشا بزند)
یاعلی ای یاعلی ^۱	یاعلی ای یاعلی

جشن خرمن

جشن خرمن یا درو در شهرستان قروه

«آخرین روز برداشت گندم، صاحب زمین و دروگران و کارگران به حمام می رفتند و خود را برای پایان کار محصول پاک و تمیز می کردند. روز بعد با بدنی پاک در مزرعه حاضر می شدند. همسایه ها نیز می دانستند که درو زمینی در حال پایان است خود را به آن جا می رساندند و حدود بیست نفر در آن جا جمع می شدند. یکی از افرادی که قوی هیكل تر بود به عنوان «بیگ» انتخاب شده و جلوتر از همه به درو کردن می پرداخت و شخصی که ضعیف تر از دیگران است به عنوان «قولچی» (qulci) یا نوکر عقب تر از همه درو می کرد. رسم بر این بود که در موقع برداشت محصول هیچ کس

۱- حمیدی، علی اکبر. پژوهشکده مردم شناسی، ۱۳۷۸.

حق نداشت بدون اجازه بیگ کاری را انجام دهد. بیگ هر چه دستور می‌داد سایرین بدون چون و چرا انجام می‌دادند. بیگ هر زمان که احساس می‌کرد کارگران خسته شده‌اند با صدای بلند می‌گفت «یا علی». قولچی نیز جواب می‌داد: «علی یاری».

پس از استراحت کوتاهی دوباره به درو مشغول می‌شدند نزدیک به اتمام درو بیگ صلوات فرستاده و با صدای بلند اشعار زیر را می‌خواند:

علی است اکرم و اعظم کلید باب نجات

به رنگی قرمز مرتضی علی صلوات

به دال دایره دین احمدی صلوات

و گاهی اشعار زیر را با آواز می‌خواندند:

هر کس محمدیه، مولای او علی‌یه، صلوات بر محمد

به پیامبر که علی جان من است، هم به جان علی و دین محمد صلوات

احمد و محمود و ابوالقاسم بر محمد صلوات

قبل از پایان درو، بیگ دست از کار کشیده و سایرین به درو ادامه می‌دهند. در این هنگام بیگ در وسط درو کنندگان جای گرفته و هر کس خوشه‌هایی که در دست دارد روی زمین گذاشته رو به قبله می‌ایستد و با صدای بلند آواز می‌خواند:

زمین را کرده‌ام به رنگ طلا

کارگر نبیند درد و بلا

یا رب به حرمت شاه کربلا

صلوات بر محمد^۱.

جشن خرمن در شهرستان نقده

«جشن درو همراه با مراسم زیر در این منطقه اجرا می‌شود. هنگامی که یک گروه دروگر در یک مزرعه می‌خواهند گندم درو کنند آن روز برنامه نهار یا شام صورت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند. در آخرین ضربه داس یکی با آواز بلند می‌گوید:

الله، محمد، یاعلی

کلمه یاعلی را همه اعضای گروه تکرار می‌کنند که بدین صورت ضمن اعلام اتمام کار درو صرف نهار و یا شام را در خانه صاحب زمین اعلام می‌کنند. صاحب زمین گوسفندی را قربانی کرده آبگوشت درست می‌کند و برای دروکنندگان و خویشان نزدیک مهمانی ترتیب می‌دهد. شبیه این مراسم در مُغان، خوی و سایر نقاط آذربایجان غربی نیز برگزار می‌شود.^۱

جشن خرمن در شهرستان زنجان

«با شروع فصل برداشت گندم، هنگامی که کار دروی گندم، به پایان می‌رسد رسم بود که صاحب زمین گوسفندی را کشته و مهمانی به نام «حالاما» (Hâllâmâ) ترتیب می‌داد. در این مراسم دروکنندگان مسیر درو را به گونه‌ای طی می‌کردند که محصولی را که می‌خواهند به عنوان «حالاما» نگهداری کنند رو به قبله باشد. وقتی به آخرین مرحله درو می‌رسیدند ریش سفید جمع حاضر شروع به اذان می‌کرد و اشعار زیر را می‌خواند:

برگردان فارسی این اشعار به شرح زیر است:

۱- علی اکبرزاده، سیروس؛ حسن سپهرفر. مردم‌نگاری نقده، ۱۳۷۳.

زمین‌ها برداشت شد، زارعین دچار درد و بلا نشوند، به حرمت شاه کربلا، همه با هم بگویند یا علی

در پایان سایر دروکنندگان هم صدا با هم می‌گویند: الله، محمد یا علی و سپس گندم‌های درو نشده را درو کرده و هر کسی بافه کوچکی را به عنوان برکت و تبرک به خانه خود می‌برد تا در کشت سال بعد آن را داخل بذرهای تازه ریخته به این نیت که محصول بیش‌تری را به دست آورد. پس از پایان برداشت صاحب زمین گوسفندی را قربانی کرده و برای دروکنندگان و اقوام و آشنایان نهار یا شام تدارک دیده و آن‌ها را برای صرف غذا دعوت می‌کنند.^۱

پیمانه کردن محصول گندم

«در مناطق تنگستان، دشتستان و دشتی پس از درو کردن گندم (گاه در هنگام درو چاووشی خوانده می‌شود). خرمن‌ها را در خرمن جای انباشته می‌کنند. وزن کردن و تقسیم گندم معمولاً در روزها و ساعت‌های خاصی صورت می‌گیرد؛ زمانی که دریا در حالت مدّ باشد که در اصطلاح محلی آن را «اوپُری» می‌گویند. در این حالت رطوبت بیش‌تر می‌شود و در نتیجه وزن خرمن‌ها افزایش می‌یابد. کار وزن کردن و تقسیم نمودن گندم رو به قبله صورت می‌گیرد. اهالی معتقدند که حضرت خضر ناظر بر این اعمال است. وزن کردن خرمن‌ها با ترازوهای محلی که از جنس الیاف نخل است صورت می‌گیرد. کسی که ترازو را پُر می‌کند و کسی که خرمن‌ها را وزن می‌کند هر دو باید از سالخوردگان و معتمدان محل باشند. خواننده مخصوص این مراسم کسی است که ترازو را از خرمن پُر می‌کند. پس از

۱- سپهرفر، حسن؛ محرم عبدالله‌پور؛ مریم ابوالفتحی. مردم‌نگاری زنجان. ۱۳۷۴.

پایان هر بند از شعر، حاضران با فرستادن صلوات به تک‌خوان پاسخ می‌گویند. اشعار در ستایش پروردگار، حضرت رسول (ص) و امامان (ع) است. در هر بند از شعر یکی از امامان به ترتیب توصیف می‌شوند. در این مراسم، ستایش دوازده امام هم جنبه اعتقادی و مذهبی دارد و هم معیار و وسیله‌ای است برای شمردن ترازوها. برای مثال در پایان بند اول که در توصیف امام اول (ع) است گفته می‌شود: هزار بار بر محمد صلوات و در بندی از شعر که توصیف امام هشتم است می‌گویند: هشت هزار بار بر محمد صلوات. برای هر ترازو یک بند شعر خوانده می‌شود و بدین ترتیب جدا از جنبه‌های اعتقادی شمارش ترازوها و تقسیم خرمن‌ها نیز بدون اشتباه صورت می‌گیرد. این آواز تا حدود زیادی برگرفته از چاووشی است:

تک‌خوان

امام هشتمین باشد رضا را به فریادم برس روز جزا را
هشت هزار بار بر محمد و آل محمد صلوات.^۱

مراسم توزین گندم در روستای سمیه، مازندران

«در این روستا پس از پایان خرمن‌کوبی، برای وزن کردن گندم، شب خوش یمنی را در نظر می‌گیرند و به محل «خرمن جا» می‌روند و با وزنه ۴۷/۵۰۰ کیلوگرم که «نیم من هاشم» است یک ظرف خالی را که در آن ۴۷/۵۰۰ کیلوگرم گندم جای می‌گیرد پیمانه می‌کنند و شخصی تسبیحی به دست می‌گیرد و با هر پیمانه گندم، یک دانه از تسبیح را جدا می‌کند،

۱- درویشی، محمدرضا. کتاب مقدمه‌ای بر شناخت موسیقی نواحی ایران، موسیقی بوشهر.

کسی که گندم را پیمانه می‌کند اشعار زیر را ضمن کار می‌خواند:

امام اوّل خوانم علی را امام دوم خوانم حسن را
 امام سوّم شاه شهیدان حسین تشنه لب ای ماه تابان
 امام چارمی زین‌العباد است که هر کس او ننازد دین بیاد است
 امام پنجمی خوانم زی‌اقر که او را هر جا خوانی گردد حاضر
 امام ششمی خوانم زجعفر به فریادم رسد او روز محشر
 امام هفتمی موسای کاظم ولی در آخرت آن چاره‌سازم
 امام هشتمی خوانم رضا را بما سون می‌کند روز جزا را
 امام نهمی خوانم تقی را امام دهمی خوانم نقی را
 سپس می‌گوید: «مَرّ تمام است، حق لا اله الا الله، محمداً رسول الله و

علی ولی الله. مَرّ به بند و شرّ مساز، ای مرد مؤمن با خدای با نماز.»

در این جا ده دانه تسبیح یک «مَرّ» است. وقتی تمام گندم‌ها پیمانه شد، دانه‌های تسبیح را می‌شمرند و آن را به «من هاشم» محاسبه می‌کنند.^۱

پیمانه کردن گندم در شهرستان مهاباد

«در جشن خرمن به هنگام پیمانه کردن گندم‌ها اشعار زیر خوانده می‌شود:

(برگردان فارسی اشعار به شرح زیر است)

- خدا تنهاست و به هیچ‌کس شباهتی ندارد و هیچ‌کس شبیه او نیست.

نیازمند او هستیم و او نیاز به کسی ندارد.

- بذرش را ان شاء الله دوباره می‌کاریم، خداوند اگندم و جو را ارزانی

بداری به خاطر فقرا و نیازمندان.

۱- صدیق‌ایمانی، مصطفی. مقاله گوشه‌هایی از زندگی مردم دهکده سمیه. مجله هنر و مردم،

- برکت چهار یار (ابوبکر، عمر، عثمان و علی) شامل خرمن شود.

- هفده کمر بند شاه مردانت یا علی^۱

پیمانه کردن گندم در شهرستان نهبندان

«کیل (Kail) ظروفی مسی بودند که در گذشته گندم و جو را به وسیله آن وزن می‌کردند. به هنگام کیل کردن گندم برای این‌که در شمارش کیل‌ها اشتباهی صورت نگیرد اشعار زیر را می‌خواندند:

برای ترازوی اول: یکی است خدای همه

برای ترازوی دوم: محمد رسول خدا

برای ترازوی سوم: علی ولی خداست

برای ترازوی چهارم: برکت خدا بسیار

برای ترازوی پنجم: پنج است و گنج است

برای ترازوی ششم: شش است

برای ترازوی هفتم: هفته، خرمن زیبا نیفته

برای ترازوی هشتم: هفته، خرمن چوکوه و دشته

برای ترازوی نهم: نه، نبی کرم از مرتضی علی یار هفته

برای ترازوی دهم: ده هزار بار برکت نام خدا، قد بی عیب محمد و آل

محمد صلوات.^۲

۱- سپهرفر، حسن؛ سیروس علی اکبرزاده. مردم‌نگاری مهاباد. ۱۳۷۶.

۲- شعبی، غلامحسین. علی سورگی. مردم‌نگاری نهبندان. ۱۳۷۶.

دامداری

ترانه‌های مَشک‌زنی

«زنان عشایر و روستایی همانند مردان کار و تلاش خود را با آوازهای خوش درمی‌آمیزند تا در حین کار شادی و نشاطشان صد چندان شود و خستگی از تن‌شان دور شود. آن‌ها در هنگام فعالیت مشک‌زنی و شیردوشی اشعاری را بر زبان می‌آورند که سینه به سینه از مادر بزرگان و مادران خود آموخته‌اند. در این اشعار آرزوها، آمال، امیدها، خواسته‌ها و ارزش‌های اجتماعی بیان می‌شود، در واقع این اشعار که با صوت و آوای دلنشین آن‌ها خوانده می‌شود کارکردهای آشکار و نهانی دارد، از یک سو آن‌ها را در حال فعالیت تهییج کرده و خستگی کار را می‌کاهد. از سوی دیگر بیانگر بخشی از فرهنگ معنوی و حیات فرهنگی آنان و یا فرصتی است که آن چه را که آن‌ها برایشان با ارزش و مهم تلقی می‌شود، مطرح نمایند.

نمونه‌ای از «بیت مَشکه» با مضمون حضرت علی (ع) در زیر آورده می‌شود:

یکی را سوارِ علی نومسی (یکی از خیل سواران نامش علی است) =
حضرت علی

هر چی که بیری نوش گیاسنی (او هر چه بخورد نوش جانش باد)^۱

ترانه‌های مَشک‌زنی در لردگان

«در بین عشایر منطقه لردگان چهارمحال و بختیاری چنین رسم است که پس از ریختن ماست در مشک، دوزن روبه‌روی هم می‌ایستند، یکی با دو

۱- فرزین، علیرضا؛ محمود اکبری. مَشکه و ملاد در لرستان، ۱۳۷۴.

دست چوب دسته مشک را گرفته (از سمت راست) و دیگری همین کار را در سمت چپ انجام می‌دهد و در حالی که به‌طور مدام مشک را یکبار به سمت طرف مقابل و یکبار به سمت خود می‌برند و می‌آورند ماست را می‌زنند تا پس از چند ساعت تبدیل به دوغ و کره شود.

زنان در فاصله‌ای که مشک می‌زنند برای رفع خستگی و سرعت در کار آواهای دلنشینی می‌خوانند و در آن‌ها از حضرت علی (ع) مدد می‌گیرند و یکدیگر را قوت می‌بخشند. یکی از دو زن مشک‌زن اشعاری را با صدای بلند می‌خواند و دیگری جواب می‌دهد:

زن اول	زن دوم
- هلی دو، هلی دو (علی دوغ، علی دوغ)	هلی دو، هلی دو
- دو بزن که روزه، معامله گر نوروزه	هلی دو، هلی دو
- پارچه دارم ارزون، کره دارم گرون	هلی دو، هلی دو
- پارچه دارم گرون، متری یک قرون	هلی دو، هلی دو
- دو بزن (دوغ بزن) که دیژمه، کر کچل به شیرمه	هلی دو، هلی دو
(دوغ را بزن که دیرم شد و پسر کچلم کوچک و شیرخواره است.) ^۱	

آوازهای دریا و صید

«نظر به موقعیت خاص جغرافیایی منطقه بوشهر بیش‌ترین آوازهای کار در بوشهر در ارتباط با دریا و کارهای مربوط به صید و لنج است. هر کاری در لنج آوازی مخصوص به خود دارد. این آوازاها را صیادان، ملوانان و جاشوها در اصطلاح محلی «نیمه» (احتمالاً تغییر یافته نغمه) نامند. در

۱- حمیدی، علی اکبر. پژوهشکده مردم‌شناسی، ۱۳۷۸.

مناطق مختلف بوشهر، نیمه‌های متفاوتی خوانده می‌شود. مثلاً در منطقه بندرگاه در نزدیکی بوشهر دو نوع نیمه متداول است: نیمه نیداف (پارو) و نیمه گرگور (نوعی تله دریایی)

ناخداها، ماهی‌گیران و جاشوها پس از مسجد، لنج را مقدس‌ترین مکان می‌دانند. آن‌ها معتقدند که لنج، کشتی حضرت نوح (ع) است. زندگی در لنج آیین و رسوم مخصوص به خود دارد.

نیمه نیداف: اشعار خوانده شده در نیمه نیداف اغلب از فایز یا مفتون است و برخی اشعار نیز سراینده معینی ندارد و سینه به سینه منتقل شده‌اند. مضمون اشعار در ارتباط با رنج، صید، کار و نیز توصیف ائمه اطهار (ع) است.

نیمه گرگور: یک نوع تله دریایی است به مانند یک قفس سیمی بزرگ. گرگورها را به تعداد زیاد در مناطق مخصوصی از دریا به آب می‌اندازند. گرگور روزهای زیادی در کف دریا قرار دارد و سپس آن را به شیوه خاصی از آب بالا می‌کشند. گاه گرگور خالی و بدون ماهی بیرون می‌آید. نیمه گرگور به جز زمانی که گرگور را بالا می‌کشند به هنگام انجام کارهای سنگین گروهی مانند کشیدن لنگر، بار زدن، حمل چوب‌های سنگین، در کار گلافی و حتی در موقع شستن لنج نیز خوانده می‌شود. محتوای اشعار این نیمه نیز در ارتباط با کارهای سخت دریایی و یا در توصیف ائمه اطهار (ع) است. پاسخ‌های همسرایان در این نیمه اغلب تک واژه‌ای است مانند علی، محمد،... و پاسخ‌ها از نظر شعر و موسیقی مکمل وزن پربود کوتاهی‌اند که تک‌خوان می‌خواند. زبان اشعار آمیزه‌ای از واژه‌های فارسی و عربی است. پربودهای آواز تک‌خوان معمولاً کوتاه و در هر نیمه تکراری است یا با تغییرات اندک همراه است.

تک‌خوان	همسرایان
علی‌یا علی	علی
ای شاه‌مردان	علی
ای مرد میدان	علی
.....	علی
سپس ریتم تغییر می‌کند.	
صلی علی	محمد
صلوات بر	محمد ^۱

ترانه‌های رفع خستگی از کار

«در مراسم جوی‌روبی و بیل‌گردانی در «نیمه‌ور» در تمام مدّت لایروبی و بستن بند و... هرگاه که جمعیت احساس خستگی و درماندگی کند یکی از بیل‌دارها که صدای نسبتاً خوشی دارد چنین می‌خواند:

تک‌خوان	جمعیت
- اگر ناتوانی بگو یا علی	یا علی
- اگر خسته جانی بگو یا علی	یا علی
- چو بینی تنت را به دام بلا، مترس	
از بلا و بگو یا علی	یا علی ^۲

۱ - درویشی، محمدرضا، مقدمه‌ای بر شناخت موسیقی نواحی ایران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.

۲ - فرهادی، مرتضی، نامه فرهنگ ایران، ص ۸۷.

ترانه‌های بنایی

در شهرستان بیرجند کارگرانی که پشت بام خانه‌ها را با کاه و گل اندود می‌کنند معمولاً برای افزایش نیرو و قوّت برای ادامه کار طاقت‌فرسای بام‌اندود کردن اشعاری را در مدح ائمه اطهار (ع) به ویژه حضرت علی (ع) با صدای بلند همراه با ریتمی ساده و یک‌نواخت می‌خوانند. همسایه‌ها و صاحب‌خانه نیز به نوبه خود با دود کردن اسپند کارگران را به نشاط آورده و آن‌ها را تشویق به خواندن اشعاری می‌کنند که نمونه‌هایی از آن‌ها در زیر نقل می‌شود:

یا علی، یا مولا، علی بگو، مولا بگو

چشمی پاک، دلی پاک، کوری هر چشم ناپاک

بو، بوی محمد، خُلق، خلق محمد

که بر محمد و آل محمد صلوات

«های علی - جانم علی - علی علی - جانم علی - حیدر علی - صفدر علی - بهتر علی - دنیا علی - دریا علی - دشتهای علی - حیدر علی - جانم علی - نامم علی - بی‌کارایم - برزِ برز - باز هم برز - گل ندارم - حیدر علی - جانم علی - داماد پیغمبر علی - در برگند حیدر به یک سوره به یک هیبت - علی که همه راه کلید باب نجات است. بر پیغمبر خدا صلوات بفرستید^۱»

۱ - نوکی، محمد. میراث فرهنگی بیرجند.

موسیقی و اعتقادات و باورهای عامیانه

ترانه‌های اسپند دود کردن

«بچه کوچک را وقتی که نشان می‌دهند هر کدام از حضار یک تکه از نخ لباس‌شان را می‌دهند تا آن را با اسپند دود بکنند که بچه نظر نخورد. برای رفع بیماری و چشم زخم اسپند دود می‌کنند. اگر این کار را نزدیک غروب بکنند بهتر است. یک تکه پارچه یا نخ یا یک تار از بند تنبان و یا خاک ته کفش کسی که نسبت به او بدگمانند گرفته با قدری اسپند دور سر بچه یا ناخوش می‌گردانند و اشعار زیر را می‌خوانند:

اسپند و اسپند دونه

اسپند سی و سه دونه

از خویش و قوم بی‌گونه

هر که از دروازه بیرون برود

هر که از دروازه تو بیاید

کور شود چشم حسود و بخیل

شنبه‌زا، یک‌شنبه‌زا، دوشنبه‌زا، جمعه‌زا

کی کاشت؟

پیغمبر

کی چید؟

فاطمه

برای کی دود کردند؟

برای امام حسن و امام حسین

به حق شاه مردان

درد و بلا بگردان»^۱

دعا و نیایش

هیچ عرصه‌ای در فرهنگ و هنر ایرانی اسلامی خالی از نام و یاد علی (ع) نیست. در زیر نمونه‌هایی از این نیایش‌ها آورده می‌شود:

«یا الله العالمین در باز کن یا امیرالمؤمنین درخواست کن
مشکلی افتاده اندر کار من با دو انگشت یدالله باز کن
این ختم دارای نماز مخصوصی است که در چهار شب جمعه
می‌خوانند و قبل از نماز شعر فوق را می‌خوانند.»^۲

«یا علی ای کننده خیر	یا علی ابن عم پیغمبر
یا علی مایه نجاتی تو	زانکه حلال مشکلاتی تو
رفت در چاه غم فرو پایم	دست من گیر تا برون آیم
خدا دارم چه غم دارم	محمد ره‌نما دارم
علی مشکگل‌گشا دارم	به دریای غم افنادم
به سوز سینه حیدر	به اشک چشم پیغمبر
مرادم ده همین زودی	دگر طاقت نمی‌آرم» ^۳

۱- هدایت، صادق. نیرنگستان، صص ۴۴، ۴۳.

۲- همان، ص ۶۴.

۳- همایونی، صادق. ترانه‌های محلی فارس، بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۹.

دعا به هنگام خوابیدن

در شهرستان شاهرود چنین باوری وجود دارد که هر کس بخواهد به خواب خوش فرو رود و خواب‌های ترسناک و پریشان نبیند بایستی قبل از خواب اشعار زیر را بخواند:

سر را نهادم بر زمین	جان را سپردم بر علی
به حق علی	به حق دو فرزند قاسم نبی
علی را رسانید به بالین ما	که روشن کند خواب تاریک ما

موسیقی در مراسم زایمان و نام‌گذاری کودکان

«در روستای قوژد گناباد در روز هفتم و دهم و در روستای استاد روزهای سوم و هفتم و در روستای روشناوند در روزهای سوم، هفتم و دهم زائو را به حمام می‌برند. پس از برگشت از حمام از مهمانان که معمولاً مادر زائو، مادرشوهر زائو، دایه، خواهران و دیگر زنان فامیل هستند با نهار یا شام پذیرایی می‌شود.

در شهرستان گناباد بعد از حمام هفتم فامیل‌های دو طرف زائو به دور هم جمع می‌شوند و نوزاد را از طرف زائو شروع می‌کنند و دست به دست یک‌دیگر می‌دهند. نفر اولی نوزاد را که گرفت اشعار زیر را می‌خواند:

بچه، بچه، مارِ بچه	خندانگهدار بچه
الله و محمد و علی یار بچه	بگیر بچه واده بچه

با گفتن کلمه واده (بده) بچه بعدی بچه را گرفته تا یک دور کامل بچه

دست به دست می‌گردد.»^۱

«در قاین وقتی بچه به دنیا آمد افرادی که درون اتاق هستند آستانه در را می‌بوسند و دعا می‌کنند، چون اعتقاد دارند که حضرت علی (ع) داخل اتاق می‌شود.

در روستاهای پهنایی، بیهود و زهان از شهرستان قاین نام‌گذاری بچه در روز مشخصی انجام نمی‌شود ولی در شهر قاین تا سه روز اول بچه اگر پسر باشد او را «علی» و چنان‌چه دختر باشد «فاطمه» صدا می‌زنند و در روز چهارم برای بچه اسم انتخاب می‌کنند.»^۲

«در روستای اسحاق آباد نیشابور اگر نوزاد پسر باشد اشعار زیر را می‌خوانند:

سلام الله به روی همجو ماهت	محمد مصطفی پشت و پناهت
علی مرتضی با یازده فرزند	نگهدار تو باشد ای خردمند
الهی تا جهان باشد تو باشی	زمین و آسمان باشد تو باشی
الهی تاجهان در گرد و خاک است	نصیب دشمنانت مرگ باشد
دو دست در کیسه جیب سخاکن	به امید خدا ما را رواکن
به امید آمدیم خشنود، خشنود	دکن آزار ما را ای صاحب جود
هر آن کس رخصت ما را بگیرد	خداوند عالم دستش بگیرد
اگر روزهای تولد یا مراسم دهه مصادف با عاشورا، عید قربان و غیره باشد نام نوزاد را به احترام بزرگان دین و نیز همراهی با مراسم مذهبی،	

۱- مکاری، محمد؛ عباس تراب‌زاده. مردم‌نگاری شهرستان گناباد، ۱۳۷۳.

۲- برآبادی، سیداحمد؛ غلامحسین شعبی. مردم‌نگاری شهرستان قاین، ۱۳۷۵.

حسین، زینب، قربان، حاجی و... می‌گذارند.»^۱

«هرگاه زنی سخت‌زا باشد و یا زیاده از حد سقط جنین کند در موقع وضع حمل او، عده‌ای از زنان مؤمنه دورش جمع می‌شوند و به نیت تسکین درد وی و آسان کردن رنج زادن بر او، حلوایی می‌پزند و خیرات می‌کنند که به نام «حلوای دوازده امام» در خراسان معروف است. زنان در حین پختن حلوا می‌گویند:

حلوا پختم به اسم دوازده امام

ان شاء الله حضرت امیرالمؤمنین نظر کند و زودتر از مادر خلاص

شود.

مردم خراسان عقیده دارند که در موقع زایمان هر زن مسلمان حضرت امیرالمؤمنین (ع) بر بالین زانو تشریف می‌آورند و عصای مبارک‌شان را به دور کمر او می‌کشند تا وضع حمل بر او آسان گردد.»^۲

موسیقی در مراسم آفتاب‌خواهی

«در روستای قلعه مدرسه به هنگام بارش زیاد باران افراد روستا اشعار زیر را می‌خوانند:

لافتی الا علی لاسیف الا ذوالفقار

یا کریم و یا رحیم و یا دلیل کلّ حال

نوح پیغمبر که در کشتی نشست

این دعا را خواند و بر کشتی نشست

۱- قندهاری‌زاده، فرزاد؛ هجیر عزیزی. مردم‌نگاری نیشابور، ۱۳۷۴.

۲- شکورزاده، ابراهیم. عقاید و رسوم مردم خراسان، انتشارات سروش، ۱۳۶۲.

بدین لحاظ ایشان از خداوند می‌خواهند که با تابش آفتاب از ضرر احتمالی ریزش باران جلوگیری نماید.^۱

فال چهل بیتو (چهل بیتی)

«یکی از انواع فال‌ها در خراسان فال «چهل بیتو» یا «ریگ به کوزه انداختن» است. این فال بیش‌تر در شب چهارشنبه (مخصوصاً چهارشنبه‌ای که مصادف با چهاردهم ماه باشد) انجام می‌پذیرد و مراسم آن بدین ترتیب است: که دو سه روز قبل از شب مقرر و معهود چند تن از دوستان یا خویشان کسی که قرار است مراسم فال در خانه وی برگزار شود در کوچه‌ها و میدان ده جار می‌زنند و به در و همسایه و تمام اهل ده خبر می‌دهند که فلان شب در خانه فلانی مراسم فال «چهل بیتو» انجام خواهد گرفت. هر کس از اهل ده مراد و مطلبی داشته باشد و بخواهد فال خود را بگیرد در شب موعود روانه آن مجلس شود. از اهل ده هر کس مرادی دارد یک روز قبل از انجام مراسم یعنی غروب روز سه شنبه همان هفته ریگی برداشته روی آن نشانه خاصی به نام خود می‌گذارد و ریگ را به خانه «صاحب مجلس» می‌برد و نیت می‌کند و آن را در کوزه مخصوصی که برای انجام یافتن مراسم فال در نظر گرفته شده است می‌اندازد. پس از آن که همه حاجتمندان ریگ خود را آورده در کوزه انداختند صاحب مجلس پارچه سیاهی روی کوزه می‌کشد و آن را توسط یک دختر نابالغ در اجاق زیر خاکستر بیرون می‌کشد و به مجلس می‌آورد و در حضور مهمان‌ها محتویات آن را در یک کوزه دهان گشاد می‌ریزد،

۱- حسینی، حمیدرضا؛ پرویز طلائی‌انپور. مردم‌نگاری شهرستان بهبهان، ۱۳۷۶.

سپس یکی از حاضران مجلس که در خواندن «فریاد» (دوبیتی) استاد باشد و دوبیتی هم بسیار از حفظ بداند خواهش می‌کند به وسط جمع بیاید و مراسم فال را آغاز نماید. آن شخص در اتاق رو به قبله می‌نشیند و ابتدا برای شگون مجلس این ابیات را که معمولاً شعر افتتاحیه مجلس فال «چهل بیتو» است به آهنگ مخصوص ترنم می‌کند:

علی رِ دیدم، علی رِ در خواب دیدم
علی رِ در مسجد و محراب دیدم
علی دیدم سوار دُلدلی بود
چو قنبر در رکابش می‌دویدم
سر کوه بلن (بلند) الماس الماس
مرادم رِ بده با حضرت عباس
سر کوه بلن آلاله سر زد
امیر مؤمنان دست بر کمر زد
امیر مؤمنان آقام حیدر
مرادم را بده یک بار دیگر
سپس با صدای بلند و کشیده خطاب به حضار می‌گوید:
«علی مراد همه را بدهد، صلوات بلند ختم کنید»

حاضران همه صلوات می‌فرستند. وقتی صلوات پایان یافت دست می‌برد و از درون کوزه یکی از ریگ‌ها را بیرون می‌آورد و در همان حال یکی از ریگ‌ها را بیرون می‌آورد و یکی از چهل «دوبیتی» را که اختصاص به فال چهل بیتو دارد بر زبان جاری می‌سازد و ریگ را به حاضران مجلس نشان می‌دهد و علامتی را هم که بر ریگ نقش شده است به صدای بلند اعلام می‌دارد و از صاحب ریگ خواهش می‌کند که خود را به حضار

معرفی کند.

وقتی صاحب ریگ مشخص شد، چند تن از مهمان‌ها که با سوادتر و مسن‌تر از دیگران هستند دوییتی مربوط به او را معنی و تفسیر می‌کنند و از تفسیر آن به نیک و بد احوال صاحب ریگ تفأل می‌زنند و شادی‌ها و غم‌های وی را پیشگویی می‌کنند و با توجه به تعبیر و تفسیری که از دوییتی شده است از آینده‌اش خبر می‌دهند.^۱

فال کوزه در لرستان (بروجرد) نیز همانند خراسان با نام حضرت علی (ع) شروع می‌شود و معمولاً در ابتدای فال چنین می‌خوانند: سرکوه بلند فریاد کردم امیرالمؤمنین را یاد کردم امیرالمؤمنین یا شاه‌مردان دل‌ناشاد ما را شادگردان فال دیگری نیز در لرستان بنام «چهل سرو» (چهل سرود) رواج دارد که در آن چهل بیت خوانده می‌شود. اشعار زیر در ارتباط با حضرت علی (ع) می‌باشد.

مضمون این اشعار چنین است:

- ای حضرت علی (ع) تو را صدا کردم و به مرادم رسیدم

دلم آرام و قرار گرفتم

- گروهی دختر نورسیده از میان شخم من گذشتند

مگر علی رحم کند به باقی مانده بذرهایم

۱- شکورزاده، ابراهیم. عقاید و رسوم مردم خراسان، انتشارات سروش، ۱۳۶۲، صص

موسیقی در مراسم شمع و چراغ *

«در شهر شاهرود شب‌های شهادت امام حسین (ع) و امام حسن (ع) چند شمع به عنوان ادای نذر و ابراز علاقه به خاندان عصمت و طهارت (ع) و نیت‌های دیگر روشن می‌کنند.

در منبرخانه‌های زنانه رسم است که زنان ضمن دادن پولی به عنوان نیاز به متولی منبر چند شمع برای آمرزش مردگان و سلامتی زندگان به وی می‌دهند و مشخص می‌کنند که چه تعداد از این شمع‌ها برای مردگان و چه تعداد برای زندگان است. متولی منبر بر حسب این که شمع‌ها برای آمرزش مردگان باشد یا سلامتی زندگان ضمن روشن کردن آن‌ها دعا و اشعاری را با صدای رسا به ترتیب زیر می‌خوانند:

برای آمرزش اموات

الهی الهی به حق محمد مصطفی الهی الهی به حق علی مرتضی
الهی الهی به حق فاطمه زهرا الهی الهی به حق حسن مجتبی
الهی الهی به حق گلگون قبای صحرای کربلا، این شمع را روشن می‌کنم.

درون قبر او شمع بی‌فروز که نه در شب فرو می‌رد نه در روز
روحش مقام روضه دارالسرور باد گلشن سرای مرقد او پر ز نور باد
اگر دارد گنه بر فرض سنت پیامرو بسر روحش به جنت
به حق الحق و نبی المطلق به حرمت سورة المبارکه فاتحه.

ولی وقتی متولی بخواهد شمع‌هایی برای ادای نذر و سلامتی زندگان روشن کند دعای زیر را می‌خوانند:

الهی الهی به حق محمد مصطفی الهی الهی به حق علی مرتضی
الهی الهی به حق فاطمه زهرا الهی الهی به حق حسن مجتبی

شمع دل صاحبش را روشن بگردان

در تکایای شاهرود مراسم «شمع و چراغ» با تشریفات ویژه زیر برگزار

می‌شود:

آغاز مراسم نیم ساعت بعد از غروب آفتاب (در دهه اول ماه محرم) است. خدام که اصطلاحاً در محل آنان را «کشیک‌کش» می‌نامند به ردیف در مقابل سقاخانه که به اصطلاح محلی «چراغ خونه» نامیده می‌شود می‌ایستند. بابای تکیه (متولی) و ریش سفیدان، در جلو چراغ خونه خدامی که نوبت کشیک‌شان است در مقابل آن‌ها صف می‌کشند. چراغ‌چی شمعدان‌ها و چراغ‌توری‌ها را از «چراغ خونه» آورده به ترتیبی که شمعدان‌ها و چراغ‌ها یک در میان قرار گرفته باشند روی زمین می‌چیند. سپس چراغ‌چی شمعدانی را از ردیف چراغ‌ها و شمعدان‌ها به دست گرفته به ترتیب زیر اشعار و دعا‌هایی را با صدای خوش و بلند می‌خواند:

شب شد و مشعل دین محمدی روشن شد

آفاق ز نبرد قدمش گلشن شد

آنجا که زدند سیخ چراغش به زمین

بر کاس خانه خارجی محکوم شد

اول به مدینه مصطفی را صلوات

دوم به نجف شیر خدا را صلوات

سوم به کربلا به شمر ملعون لعنت

چهارم به طوس غریب‌الغربا را صلوات

از معجزه تو با امام هشتم

از خشت طلا گل سفیدی سرزد

به خدا گفته بر همه آیات به میم اول نام محمدی صلوات
مترس و ملرز و به سر حیدر سه مرتبه بلند و جلی لبیک از نجف بشنو
بگو یا علی»^۱

۱- شریعت زاده، سیدعلی اصغر. فرهنگ مردم شاهرود، ۱۳۷۱.

اعتقادات و باورهای عامیانه در خصوص
ابزار موسیقی

بلوچستان

«کلم یا قلم، ساز روحانی منطقه بلوچستان است. در ده روز اوّل محرم، زدن آن حرام است. در سیزده صفر هم حرام است. نام هر گره قلم، «بوق» است. این قلم، قلم شش بوقی است (شش گره‌ای) و منسوب به شش اولیاء. چهار سُمب (سوراخ) دارد که هر کدام مربوط به یکی از چهار خلیفه است: ابوبکر، عمر، عثمان و علی (حیدر). قلم سه اندازه دارد: اندازه متوسط، بزرگ و کوچک. زمانی که ذکر و ورد و دعا در بهبود بیمار روانی مؤثر نشوند نواختن نل تنها امکان برای بهبودی بیمار است.

شیخ صابر قادری برجسته‌ترین نوازنده نل در اجرای آهنگ‌های چوپانی و گواتی بلوچستان بود. همیشه هر سه اندازه نی همراه او بود. انتخاب نوع و اندازه نی در اجرا به تشخیص او واکنش بیمار و جن بستگی داشت.»^۱

کرمانشاهان

«دور کردن شترها چندین زنگ می‌آویزند یکی در داخل دیگری و بنابر

۱- درویشی، محمدرضا. کتاب آئینه و آواز، واحد موسیقی حوزه هنری سازمان تبلیغات

گفته برخی، قدم‌های یک کاروان در حال حرکت از راه دور صدایی ایجاد می‌کند که تنبور در قطعه «زنگ شتر» آن را تقلید می‌کند. در واقع پیش از صدای زنگ‌های این قطعه نشان‌گر توازن تئدای متوسط در قدم‌های یک کاروان است. حالت عرفانی این آهنگ از این واقعیت نشانه دارد که یادآور کاروان است که حضرت علی (ع) در بیابان عربستان، ساربان آن بوده است. عنوان کامل این قطعه «زنگ شتر حضرت مولا است». بنابر برخی اعتقادات جسد حضرت علی (ع) پوشیده در کفنی در تابوتی بر شتری آرمیده و جبرئیل آن شتر را در بیابان می‌راند به انتظار جلوۀ دوباره‌اش در بشر. زنگ شتر یکی از نغمات موسیقی اهل حق است.^۱

تنبور و دف در منطقه کرمانشاه جزء سازهای مقدس و قابل احترام شمرده می‌شوند و نوازندگان این سازها قبل و بعد از نوازندگی آن را با اعتقاد و احترام تمام می‌بوسند. نواختن تنبور در میان علویان کوهپایه‌های زاگرس نیز عمومیت دارد و بزرگان و مرشدان کنونی این منطقه با نواختن آن آشنایی کامل دارند.

محمدرضا درویشی در صفحه ۲۲۲ کتاب هفت اورنگ در خصوص هنرمندان موسیقی کرمانشاهان مطلبی آورده که بی‌مناسبت با موضوع مورد بحث‌مان نیست:

«نصور محمدی فرزند فتح‌الله در سال ۱۳۰۵ در منطقه قلخانی گوران متولد شد. او می‌گوید که در سن ۱۲ سالگی حضرت مولاعلی را در خواب می‌بیند و به او می‌فرماید که برو و سرنا بزن. او اکنون در نوازندگی

۱- دورینگ، ژان. موسیقی و عرفان، موسیقی اهل حق، انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران،

سورنا، دوزله و شمشال استادی چیره دست است.»

ترکمن صحرا

از دیر باز ساز «دو تار» و نوازندگان مشهور آن (بخشی‌ها) در نزد عامه مردم ترکمن صحرا محبوبیت زیادی داشته است و بدین سبب در افسانه‌های ترکمنی نیز دو تار جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. در یکی از این افسانه‌ها گفته شده که قنبر غلام حضرت علی (ع) با نواختن دو تار آشنا بوده و گهگاهی که فرصت پیدا می‌کرده دو تار می‌نواخته است.

نغمات و دعا‌های رمضان

آداب و رسوم ماه مبارک رمضان در فرهنگ عامه مردم مسلمان ایران جایگاه ویژه‌ای دارد و هیچ یک از این مراسم بدون نوای خوش و ذکر نام خدا، پیغمبر (ص) و علی (ع) نیست. مراسم رمضان نیز همانند محرم به صورت گسترده و با شرکت اکثریت مردم برگزار می‌شود از این رو در زمره مردمی‌ترین مراسم آیینی ایران محسوب می‌شوند. این مراسم بسیار متنوع است و در هر منطقه رنگ و بوی فرهنگ بومی را به خود گرفته است. دو بیت زیر معمولاً ورد زبان افرادی است که قصد عبادت و توبه در این ماه ویژه را دارند و از آمدن رمضان که ماه خودسازی جسمی و معنوی است خوشحالند:

صد مژده که ماه رمضان می‌آید

رحمت ز خدا به بندگان می‌آید

شد گردش و تفریح در این ماه حرام

چون قتل امام شیعیان می‌آید

بیدار شدن سحر

از گذشته تاکنون هر خانواده و منطقه از ساده‌ترین و در دست‌ترین روش برای بیدار شدن در سحر استفاده کرده‌اند که رایج‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

ماه و مهتاب، ستارگان، بانگ خروس، قرائت سوره یاسین و طه قبل از خواب، چراغ روشن، صدای نقاره، طبل و شیپور، بوق حمام، توپ درکردن، کوبیدن دیوار همسایه، جار کشیدن، تیر در کردن، صدای مناجات، زنگ تلفن، زنگ ساعت و غیره.

برخی از روش‌های فوق با کلام و نوای خوش و ویژه اجرا می‌شوند و نغمات و نواهایی که برای مردم مسلمان روزه‌دار هر منطقه شناخته شده و معین است.

«وقت سحر در منطقه سرخس به وسیله چاووشی و یا سحرخوانی به اطلاع اهالی رسانده می‌شود. برای این کار قبل از هنگام اذان صبح یک نفر ملای ده یا یک نفر مؤمن برای ثواب در کوچه‌ها راه می‌افتد و به خواندن اشعار زیر با صدای بلند می‌پردازد:

یا رب به محمد، تو علی را برسان

آن یگه سوار حیدری را برسان

پیش از آن که، ملک دامن عمرم گیرد

پیش از ملک الموت علی را برسان»^۱

مجلس زنانه ختم قرآن

«در روستای رودخانه تربت حیدریه ملای زن یا «آتون» قبل از شروع هر جزء از قرآن این ابیات را می‌خواند:

گل سرخ از عرق روی محمد باشد

دل من شاد زگیسوی محمد باشد

گر ز من پرسند که مولای تو کیست
گویم آن کس که پسر عم محمد باشد
بلبلان چمن باغ علی را صلوات
طوطیان قفس لم یزلی را صلوات
بارها گفت محمد که علی جان من است
هم به جان علی و جان محمد صلوات
پس از خواندن این ابیات تمام زن‌ها صلوات می‌فرستند و بعد قرائت قرآن
آغاز می‌شود.^۱

مراسم مربوط به شب‌های قدر
روضه قنبر در شاهرود
«زنان شاهرود در شب بیست و یکم ماه رمضان در منبر خانه‌ها جمع
می‌شوند و ابتدا دعای جوشن کبیر می‌خوانند و سپس قرآن به سر
می‌گیرند. در پایان مجلس چراغ‌ها را خاموش می‌کنند و ملاحای زنانه
شبیه قنبر و حضرت علی (ع) را در می‌آورند، بدین ترتیب:
قنبر در می‌زند.
زینب می‌گوید: «کیه؟»
قنبر می‌گوید: «آمده قنبر به در خانه‌ات
ای به فدای تو و کاشانه‌ات»
زنان یک صدا پس‌خوانی می‌کنند:
«نادعلیاً علیاً یاعلی»

۱- وکیلیان. سیداحمد. رمضان در فرهنگ مردم. انتشارات سروش، ۱۳۷۰.

مشکل ما را بگشا یا علی»

قنبر: «آمده‌ام از حبش و زنگبار

در بر شاهنشاه دُلْدُل سوار

یک قدمی جانب مسجد گزار

خلق تمامی همه در انتظار»

زنان: «نادعلیاً علیاً یا علی

مشکل ما را بگشا یا علی»

زینب می‌گوید: «برو قنبر برو قنبر من دل ندارم

بود در خواب باب تاجدارم

گو به خلائق همه از خاص و عام

آمدن مسجد او شد تمام»

زنان: «برو قنبر برو قنبر من دل ندارم

بود در خواب باب تاجدارم

فلک می‌سازد این لحظه یتیم»

قنبر: «کنون که در نگشایی به روی قنبر

نشینم ز غم تو در میان خاکستر

نشینم در غم تو من سینجلی گویم

حدیث نادعلی را سینجلی گویم»

در این هنگام، قنبر دو خشت محکم به هم می‌زند و با صدای

حزن آلودی می‌گوید: «آقا یا علی،» سپس بی‌هوش می‌شود. شبیه حضرت

علی (ع) هم سر قنبر را به زانو می‌گیرد و اشک‌هایش را پاک می‌کند و

کاهگل نم‌کرده به دماغش می‌گیرد تا به هوش آید. بعضی از افراد، در این

شب به تبعیت از خانواده حضرت علی (ع) روزه می‌گیرند.

هنگام اذان صبح از هر مسجدی دسته‌ای به سوی قبرستان شهر حرکت می‌کنند. مردان با لباس سیاه و پای برهنه دست به سر می‌گزارند و یک صدا می‌گویند:

«وای علی کشته شد

شاه ولی کشته شد

شوهر زهرا چه شد

باب حسن کشته شد

باب حسین کشته شد

وای علی کشته شد»

سپس طبق رسم دیرینه اکثر مردم به زیارت امامزاده محمد (ع) در بسطام می‌روند. بعد از ظهر روز بیست و یکم، دسته‌های سینه‌زنی از مساجد شهر حرکت می‌کند و در قبرستان قدیمی شاهرود «نزدیک قبر مرحوم آقا میرمطلب» اجتماع می‌کنند. در این جا مردان سینه پرجوش و خروشی می‌زنند و در پایان، روحانی روضه‌ای می‌خواند و سپس هریک به خانه‌اش می‌رود.

کسانی که اعتقادات محکم‌تری دارند، در شب و روزهای ۱۹ و ۲۱ و ۲۳، از کارکردن یا خرید به‌طورکلی از انجام هرکاری به جز عبادت خودداری می‌کنند.^۱

روضه قنبر در شهرستان یزد

«در شهرستان یزد از روز نوزدهم تا شب بیست و هفتم ماه مبارک رمضان روضه قنبر می‌خوانند. اما اغلب مجالس روضه‌خوانی روز بیستم و بیست

۱ - شریعت‌زاده، سیدعلی‌اصغر. فرهنگ مردم شاهرود. ناشر مؤلف، ۱۳۷۱.

و یکم که ایام شهادت حضرت علی (ع) است برگزار می‌شود. خواندن روضه قنبر مخصوص زنان است و شرکت‌کنندگان همه زن هستند و هیچ مردی حتی پسر بچه‌ها حق ورود به مجلس را ندارند. هر زنی که حاجتی داشته باشد نذر می‌کند در صورت برآورده شدن حاجتش روضه قنبر بگیرد یا در آن مجلس شرکت کند.

مجلس روضه‌خوانی قنبر پس از افطار برپا می‌شود. اگر مجلس مختصر باشد در اتاق بزرگ یا تالاری برگزار می‌شود و اگر مفصل باشد تمام خانه را فرش می‌کنند و زنان و دختران ساکت و آرام به روضه گوش می‌دهند. زنان خدمتگزار نیز با چای و قلیان از حاضران پذیرایی می‌کنند. اعضای برگزارکننده روضه قنبر همه زن هستند و عبارتند از:

- مصیبت‌خوان حضرت علی (ع) که با روبنده و صورت پوشیده ظاهر می‌شود.

- زنی در نقش قنبر، با لباس سفید بلند و کشکولی در دست.

- مصیبت‌خوان حضرت زینب (ع) با روبنده و لباس سفید و سیاه.

- نعمان جراح

مصیبت‌خوان حضرت علی (ع) و کسی که در نقش قنبر ظاهر می‌شود باید صدایش رسا و خوش‌آهنگ باشد و کاملاً به نقشش مسلط باشد.

برای خواندن روضه قنبر ابتدا زنی که مصیبت حضرت علی (ع) را می‌خواند خدا را یاد می‌کند و بر محمد و آل او سلام و صلوات می‌فرستد. آن‌گاه نوبت به قنبر می‌رسد، زنی که در نقش قنبر است وانمود می‌کند قنبر از صحرا بازمی‌گردد. نزدیک کوفه قنبر مشاهده می‌کند شترش راه نمی‌رود. به دل قنبر برات می‌شود مصیبتی پیش آمده است. چون به کوفه می‌رسد می‌بیند شهر وضع عادی ندارد و همه پریشان و مضطرب هستند.

مردم تا قنبر را می‌بینند می‌گویند: قنبر کجایی که بی‌آفا شدی؟
قنبر بر سرزنان و گریه‌کنان با لباس سفید بلند و موهای سیاه افشان
درحالی که کشکولی در دست دارد به در خانه حضرت امیر می‌رود و
چنین می‌خواند:

قنبر:

من که شده خاک سیه بر سرم خادم درگاه علی، قنبرم
منتظر دیدن آن سرورم نداد علیاً، علیاً یا علی
آمده قنبر به در خانه‌ات ای به فدای تو و کاشانه‌ات
خلق تمامی همه دیوانه‌ات نداد علیاً، علیاً یا علی
چون صدای قنبر به گوش حضرت علی (ع) می‌رسد حضرت با
صدای رسا می‌فرمایند:

می‌رسد ناله قنبر به گوش نیست کسی تا کند او را خموش
می‌شنوم هر دم از او این خروش نداد علیاً، علیاً یا علی
حضرت زینب (ع) در جواب پدر می‌گوید:

آمده قنبر به در خانه‌ات خلق تمامی همه دیوانه‌ات
آه شها قنبر نیکو شعار اشک فشانده است چو ابر بهار
گوید و گرید ز غمت زارزار نداد علیاً، علیاً یا علی
حضرت علی (ع) خطاب به زینب می‌فرمایند:

زینب خونین جگر ای دخترم گو که بیاید ببرم قنبرم
نعره زند تا ببیند سرم نداد علیاً، علیاً یا علی
زینب (ع) گریه‌کنان می‌آید نزد قنبر و می‌گوید:

آه ای قنبر زار و ملول داده علی بهر تو اذن دخول
آی و بگو بر سر زوج بتول نداد علیاً، علیاً یا علی

علی (ع) فرماید:

بیا قنبر دمی بنشین بر من که گشته خاک عالم بستر من
حسن کرده گریبان پاره پاره حسین از داغ بابش دل نداره
قنبر وارد می شود مقابل آقایش علی (ع) می نشیند و می گوید:
ای شه لولاک آقا سلام علیک خواجه افلاک آقا سلام علیک
علی (ع) می فرماید:

قنبر افگار علیک السلام مونس و غمخوار علیک السلام
قنبر:

چون نگرم غرقه به خون پیکرت؟ ای به فدای تو سر چاکرت
کور شود دیده این قنبرت ناد علیاً، علیاً یا علی
علی (ع) فرماید:

کار علی، زاده ملجم بساخت فرق علی، زاده ملجم شکافت
قنبر:

خلق تمامی همه در انتظار یک قدمی جانب مسجد گزار
مسجد و محراب ز تو پایدار ناد علیاً، علیاً یا علی
علی (ع):

گو به محبان من از خاص و عام آمدن مسجد من شد تمام
گو که علی رفته ز پیش شما یاد نمایید ورا صبح و شام
در این جا شرح داده می شود که اصحاب به دنبال طیب، نعمان جراح
می روند. در فاصله آوردن طیب زینب و ام کلثوم پشت پرده نشسته گریه و
زاری می کنند و زینب می گوید:

اگر جراح جان ما کند شاد الهی از جوانیش خیر بیناد
اگر خیری برآید از زبانش روم گسردم به دور دخترانش

الهی من کم اقبال‌ی نبینم الهی در یتیمی من نشینم
مبارک کن تو لفظ این جوان را به لفظ خیر بگشاید زبان را
جراح می‌آید و دستمال سر حضرت را برمی‌دارد، همین که چشمش
به زخم سر علی (ع) می‌افتد عمامه بر زمین می‌زند و رو به یتیمان فاطمه
می‌کند و می‌گوید:

اگر علاج دل خسته‌اش خدا بکند طبیب، چاره این درد بینوا نکند
آن‌گاه رو به حسنین کرده می‌گوید:

به بالین پدر قرآن بخوانید که فردا هر دو بی‌بابا بمانید
کنید اسباب غسلش را مهیا ز دنیا می‌رود امروز و فردا
بگویید زینب سیه دربر بپوشد بگویید کلثوم در ماتم خروشد
چون طبیب این سخنان را می‌گوید شیون و فغان از هر طرف به آسمان
می‌رود و نعمان جراح از جایش برمی‌خیزد. اصحاب هم می‌روند، زینب
برسر زنان و گریه‌کنان بالای سر پدر می‌آید و می‌گوید:

نه مادر، نه پدر، رو به که آرم نه مونس، نه انیس، نه یآوری دارم
علی (ع) می‌فرماید: «دختر جان هنوز موسم گریه تو نرسیده است
گریه را بگزار برای صحرای کربلا» و می‌گوید:

خوش آمد دختر غم‌پرور من خوش آمد مرغ بی‌بال و پر من
تو خواهی با حسین در کربلا رفت تو خواهی در میان کشته‌ها رفت
تو خواهی کرد در میدان نظاره حسینت را بسینی پاره‌پاره
فرزندم! گویا که می‌بینم اسیری به دست شمر کافر دستگیری
همی‌بینم تو بر اشتر سواری میان شهر کوفه خوار و زاری
مصیبت‌های تو پایان ندارد ولیکن درد تو درمان ندارد
با گفتن این ابیات امام از دنیا می‌رود و صدای شیون و زاری به آسمان

بلند می‌شود و در میان این شور و غوغا مجلس روضه قنبر تمام می‌شود.^۱

مراسم الله رمضونی

«از دیگر سرگرمی‌های بچه‌ها و جوانان در شب‌های ماه رمضان خواندن اشعار «الله رمضونی» است. این رسم در اکثر شهرها و آبادی‌های یزد، مشهد، بیرجند، بجنورد، تربت جام و بعضی از شهرهای استان فارس و گرگان برگزار می‌شود.

برای اجرای مراسم الله رمضونی، جوانان و بچه‌های هر محله با تشکیل گروه‌های پنج تا ده نفره از شب اول ماه رمضان بعد از افطار به در خانه‌ها می‌روند و اشعار الله رمضونی می‌خوانند. هر گروه از میل خود یک استاد و یک انباردار انتخاب می‌کند. وظیفه استاد رهبری گروه و وظیفه انباردار جمع‌آوری هدایا است. هدایا هم یا پول است یا یک خوردنی مثل گردو، کشمش، خرما، بادام، قیسی هلو و قیسی زردآلو.

جوانان در تمام خانه‌های محله را می‌زنند و ترانه الله رمضونی می‌خوانند و فیض می‌طلبند. آخر سر هم در گوشه‌ای جمع می‌شوند و آن‌چه را که به دست آورده‌اند بین خود تقسیم می‌کنند و به خانه‌هایشان باز می‌گردند.

در شهرستان بم به رسم «الله رمضونی»، «علی جان جانی» می‌گویند و ترتیب برگزاری آن هم شبیه به الله رمضونی است. بچه‌ها و جوانان هر

۱- وکیلان، سیداحمد. رمضان در فرهنگ مردم، انتشارات سروش. ۱۳۷۰، صص ۱۰۱ -

محل شب‌هاى رمضان به درِ خانه‌ها مى‌روند و اشعارى مى‌خوانند و فیض مى‌گیرند. یکی از شعرهایی که در این مراسم خوانده مى‌شود از این قرار است:

پیش‌خوان	بیچه‌ها
اول آمدیم ز دولتخانه	هو علی جان جان، علی جان
ناره مى‌باره چو دانه دانه	هو علی جان جان، علی جان
سلام کردم که سلامت باشی	هو علی جان جان، علی جان
به زیر علم سبز محمد باشی	هو علی جان جان، علی جان
ما از آن بالای بالا آمدیم	هو علی جان جان، علی جان
ما از آن سمت بخارا آمدیم	هو علی جان جان، علی جان
مشهدی، کربلایی، حاجی، یار، یاری‌نما	هو علی جان جان، علی جان
بیچه‌های محله را مهمانی‌نما	هو علی جان جان، علی جان
مشهدی، کربلایی، حاجی، دولت به سرت	هو علی جان جان، علی جان
صد و سی ساله شدی کو پسر	هو علی جان جان، علی جان
دو پسر داری چو دُرّ حیدری	هو علی جان جان، علی جان
درّها در گوش مانند پری	هو علی جان جان، علی جان
ما که می‌گردیم به دور «فلکو»	هو علی جان جان، علی جان
«ماتمی» داریم به یک پول «لکو»	هو علی جان جان، علی جان
ما که می‌گردیم به دور آسیا	هو علی جان جان، علی جان
ماتمی داریم به یک پول سیاه	هو علی جان جان، علی جان
ما که می‌گردیم به دور «شرفی»	هو علی جان جان، علی جان
ماتمی داریم به یک قاب اشرفی	هو علی جان جان، علی جان
پس از خواندن این اشعار اگر صاحب‌خانه نیاز آن‌ها را بدهد	

دسته‌جمعی می‌گویند:

تو که دادی دانه نیاز پیش پیغمبر تو باشی سرفراز
اگر دادن نیاز اندکی طول بکشد گویند:
گل علی، بلبل علی، یا صاحب دلدل علی.
و اگر باز هم تأخیر شود با صدای بلند گویند:
یا ثوابی، یا جوابی، تو بده دانه نیازی
چنان‌چه صاحب‌خانه گوشش بدهکار نباشد و از دادن نیاز سر باز زند
بچه‌ها این دو بیت را در مذمت او می‌خوانند و پا به فرار می‌گذارند:
این در خانه که «کلت» بیخ زده
«ور» ریش صاحب‌خانه گربه ریت زده
این در خانه که رو و روز

دهن صاحب‌خانه پر از ... سوزه
در شهرستان رفسنجان و آبادی‌های آن از جمله «نوق Nuq» و
«کشکویی» Kaškuiye هم رسم «علی جان جانی» بین بچه‌ها متداول
است و جزئیات آن هم شبیه به روایت «بیم کرمان» است.^۱

دوست رفتن

در شهرستان یزد و آبادی‌های آن به شب بیست و هفتم «شب دوست» یا
«شب دوست علی» گویند. در این شب بعد از افطار جوان‌های هر محله
دور هم جمع می‌شوند و یک نفر را از میان خود با عنوان «سرکرده» یا
«سرمردی» انتخاب می‌کنند. آن‌گاه پسر بچه‌ها چادر نماز به سر می‌کنند و

صورت خود را می‌پوشانند. چنان چه زن‌ها و دخترها هم در رسم «دوست رفتن» شرکت کنند روی خود را محکم می‌گیرند تا شناخته نشوند و به در خانهٔ همسایه‌ها می‌روند. رسم «دوست رفتن» یک ساعت از شب رفته آغاز می‌شود و تا پاسی از شب ادامه می‌یابد. افراد گروه به در هفت خانهٔ رو به قبله یا هفت خانه که صاحبانشان به حج رفته‌اند می‌روند و به در هر خانه‌ای که می‌رسند کوبه یا حلقه در را می‌کوبند و برای این که کسی آن‌ها را شناسد در حفاظ دیوار یا سایه مهتاب به انتظار می‌ایستند تا از خانه صدای «کیه» بلند شود. به محض شنیدن صدا همه با هم می‌گویند:

دوست، دوست، یا الله

بعد «سرمردی» بنا می‌کند به خواندن اشعار و جملات موزون و بچه‌ها به او پاسخ می‌دهند.

سرمردی

ما از اون بالای بالا اومدیم

ما از اون صندوق اعلا اومدیم

گو! یا محمد، یا علی

به توی صندوق پر از نقش و نگار

کیوتر قار می‌زد در فصل بهار

گو! یا محمد، یا علی

بلبلی نشسته بر شاخ گلی

دمبدم «مگه» صلوات بر علی

گو! یا محمد، یا علی

بلبلی نشسته بر شاخ رزی
دمبدم مگه لعنت بر یزید

گو! یا محمد، یاعلی

بلبلی نشسته بر شاخ انار
دمبدم مگه بردار و بیار

گو! یا محمد، یاعلی

صاحب‌خانه با شنیدن صدای بچه‌ها متوجه می‌شود دوستان علی (ع) آمده‌اند و فوری در را به رویشان باز می‌کند و مقداری پول خرد یا خوراکی به سرمردی می‌دهد. خوراکی‌ها بیش‌تر عبارت است از: نان بیست و هفتمی، نان خشک، گندم، خرما، سنجید، نقل، قند حبّه، نخودچی، کشمش، نبات، انجیر خشک، «پره»، آجیل، زولبیا، گوش فیل و بامیه.

بچه‌ها بعد از گرفتن فیض خوشحال و هم صدا می‌گویند:

این خونه «چقه قشنگه»، همش شربت قنده، امام حسین «درشا» نبنده به این ترتیب جوانان به اغلب خانه‌های محله سر می‌زنند و آخر شب آن چه جمع کرده‌اند میان خود تقسیم می‌کنند.

چنان چه خانه‌ای به بچه‌ها چیزی ندهد، بچه‌ها بنا می‌کنند به خواندن و می‌گویند:

عمه جان خلاصم کن، یا ارده به طاشم کن، یا بکش و رهایم کن
یا گویند:

الله کریم... نفریم، یک نون داریم، شب بخوریم صبح نداریم، صبح بخوریم شب نداریم، میدی یا بریم؟
یا گویند:

الله و محمد و علی گفته بده، شیطان لعین دشمن دین گفته نده،

می‌خوای بده می‌خوای نده.

اگر صاحب‌خانه باز بی‌اعتنایی کرد و چیزی نداد با هجوگونه‌های
بچه‌ها روبه‌رو می‌شود و بچه‌ها با حالتی تمسخرآمیز می‌خوانند:

این درِ خونه ریگ «افتیده» صاحبِ خونه «ریق» افتیده
یا می‌خوانند:

پاشنه خونه ریگ افتیده صاحبِ خونه ریق افتیده
و با تکرار این جملات از در آن خانه دور می‌شوند.

بعضی اوقات افراد خانه برای مزاح و شوخی در جواب بچه‌ها
می‌گویند:

حق دوست، حق دوست ما خیار می‌خوریم شما پوست
یا این که پس از باز کردن در خانه سعی می‌کنند پوشش صورت
«دوست‌روها» را کنار زده آن‌ها را بشناسند یا به بام خانه می‌روند و بر سر
بچه‌ها آب می‌ریزند.^۱

نواها در مراسم تعزیه حضرت علی (ع) در کازرون

«شب نوزدهم: همان گونه که گفته شد شب نوزدهم، شب قدر و ضربت
خوردن حضرت امیرالمؤمنان علی علیه‌السلام است بدین مناسبت در
شهر کازرون فارس مجالس قرائت قرآن را با پارچه‌های مشکی سیاه‌پوش
می‌کنند و بعد از پایان شب بیست و سوم پارچه‌ها را برمی‌دارند. در این
شب ابن‌ملجم مرادی لعین را لعن می‌کنند و قاری‌ها بعد از قرائت و
تلاوت جزء نوزدهم قرآن مجید و دعا‌های وارده، مراسم اَلْغُوث و اعمال

شب قدر را به جا می‌آورند و به همین جهت این شب را علاوه بر «شُو قدر» و «شُو ضربت خوردن»، «شُو الْغُوث» هم می‌گویند. اهالی کازرون در این شب برای اموات خود خُرمای و پشمک و «زلیبی» و کلوچه و شربت خیرات می‌کنند.

در شب نوزدهم نوحه و تعزیه و مصیبت‌ها همه راجع به ضربت خوردن حضرت علی (ع) است و تعزیه میان جمعیت حلقه بسته و نشسته گرفته می‌شود.

اینک مجلس تعزیه در شب نوزدهم در کازرون فارس:
ابتدا یکی از نوحه‌خوان‌ها پیش تعزیه را می‌خواند:
پیش تعزیه:

کس دیده در ایام که یک رو به پیری
در بیشه شیران کند آهنگ دلیری
این هم عجب آمد که به محراب عبادت
شمشیر زند عبد ذلیلی به امیری
هر روز بُدی روزه و شب‌ها به عبادت
افطار علی بود به یک قرص شعیری
در خانه او بود ز اوضاع جهانی
جلد غنم و یک طبق و کهنه حصیری
در دهر به سر بُرد به یک کهنه لباسی
در جنگ نپوشید نه قائم، نه حریری
هنگام سخاوت دو هزار اُشتر با بار
در راه خدا داد به یک مبرد فقیری

شاهی که خدا گفت به قرآن صفتش را

در آیه «مَسْكِينٌ يَتِيمًا وَ اَسِيرًا»

پس از خواندن پیش تعزیه مجلس تعزیه آغاز می شود:

- علی (ع) برای نماز صبح به مسجد رفته به بالین ابن مُلجم که در زیر

منبر دَمَر خوابیده می رود:

علی (ع):

انبیا بر پشت خوابند اولیا بر دست راست

خواب شیطانی بود ای مُلحد این خفتن خطاست

نیست مخفی از من آن قصدی که داری بهر من

ظاهر است آن آلت ظلمی که در زیر عباس است

کس نجوید خصمی آل عبا ای بی حیا

جز خدا ناترس مردودی که از نسل زناست

با ولی نعمت به پاداش محبت این کنند؟

آن چه می خواهی بکن شاهد نبی، حاکم خداست

آن گاه علی (ع) اذان می گویند و جبرئیل آن را ترجمه و تفسیر می کند:

علی (ع):

اللّٰهُ اَكْبَرُ (۴ بار)

جبرئیل:

ای ملائک بشنوید آواز تکبیر علی

این زمان آید به بالا آه شبگیر علی

این اذانِ آخرینِ اوست، بعد از این اذان

می فتد از کار زور دست و بازوی علی

۷۰ / حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران

بشنوید آواز تکبیر اذان او کسه هست
گشته گشتن در دل محراب تقدیر علی (ع)

علی (ع):

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (۲ بار)

جبرئیل:

یقین به غیر خدا نیست یک خدای دگر
تو را به غیر خدا نیست آشنای دگر

علی (ع):

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (۲ بار)

جبرئیل:

تو را به رتبه همی ما خدا نمی دانیم
ولی تو را ز مُحَمَّد (ص) جدا نمی دانیم

علی (ع):

أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ - أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا حُجَّةُ اللَّهِ

جبرئیل:

ولی کسی ست که از تیغ تاج می گیرد
ز انبیاء اولوالعزم باج می گیرد

علی (ع):

حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ (۲ بار)

جبرئیل:

نمازی که خواهش نموده خدا نماز حسین است در کربلا

علی (ع):

حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ (۲ بار)

جبرئیل:

از برای شیعیانست رستگاری هست و بس

پیروانت در بهشت آیند و دیگر هیچ کس

علی (ع):

حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ (۲ بار)

جبرئیل:

معنی خیر العمل هر کس که نیت می کند

خویش را همچون حسین قربان امت می کند

علی (ع):

اللَّهُ أَكْبَرُ (۲ بار)

جبرئیل:

بشتاب یاعلی و سرّ حق را باز کن خلد برین زمقدم خود سرفراز کن

بنشسته ابن ملجم مُرتد در انتظار بشتاب یاعلی و دو رکعت نماز کن

دست بلند خویش به بالای خون سر بر کاکل حسین عزیزت دراز کن

علی (ع):

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ (۲ بار)

جبرئیل:

ای ملائک صف کشید اندر نماز مرتضیٰ

نیست در درگاه حق غیر از نماز او قبول

این نماز آخرین پادشاه دین بود

توشه بردارید از طاعت غنیمت این بود

در این موقع علی (ع) به نماز می ایستد و ابن ملجم شمشیر به دست به

طرف امام می رود:

۷۲ / حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران

جبرئیل خطاب به ابن ملجم می‌گوید:

سنگ این دم ای لعین از کین به جام جَم مزن

تیغ بر فرق علی آن مفخر عالم مزن

چون قمر فرق علی ای ابن ملجم شق مکن

آسمان بر هم مدر عرش اله بر هم مزن

دست از این رفتار بد بردار و عالم را مسوز

آتش انسدر خرمن جان بنی آدم مزن

علی (ع) رکعت اول نماز را به جا آورده و به رکوع و سجود می‌رود و تا

سر از سجده برمی‌دارد شمشیر ابن ملجم بر فرقهش فروود می‌آید. در این

موقع از همه طرف صدای اذان بلند می‌شود....

علی (ع):

انالله و انا اليه راجعون. و سيعلم الذين ظلموا انهم قتلوا لا حول و لا قوة الا بالله العلي العظيم

لا قوة الا بالله العلي العظيم

جبرئیل:

ابن ملجم ای هواداران، سر حیدر درید

کاسه فرق علی داماد پیغمبر درید

بلافاصله جبرئیل گوید:

ملائکان مقرب، سیاه‌پوش شوید

ز بعد مرگ علی جمله در خروش شوید

امام را به خانه برده بستری می‌کنند. در این جا مجلس شب نوزدهم

تمام می‌شود.

شب بیستم: در این شب مجالس مقابله و دعا و توجه و مصیبت

برپاست و آخر سر دنباله تعزیه امام علی (ع) برگزار می‌شود:

پیش تعزیه:

یکی از نوحه خوانان می‌خواند:

می‌دانی ای سپهر چه رفتار کرده‌ای؟

وز کین چه‌ها به عترت اطهار کرده‌ای

فرصت به ابن ملجم بی‌رحم داده‌ای

شرکت به خون حیدر کرار کرده‌ای

بهر حسن، رخت مصیبت بُریده‌ای

روز حسین را چو شب تار کرده‌ای

از بهر خاطر دل قظامه، ای فلک

آذر به جان زینب افگار کرده‌ای

در این لحظه زینب (س) به مجلس آمده و با آه و فغان می‌خواند:

زینب (س):

عزیزان وای زینب، وای زینب سیه گشته یقین اقبال زینب

کسی روزش الهی شب نگرده دل کس چون دل زینب نگرده

حسن و حسین (ع): مصراع اول حسن (ع) و مصراع دوم حسین (ع)

خطاب به پدر می‌گویند:

ای باب نامی، احوال چون است امشب جگرها لبریز خون است

از خسون تارک، روی مبارک بهر چه یا رب گلنارگون است؟

کردی تو از خون رنگین محاسن ما را دل از غم لبریز خون است

ما بی‌کسان را در شهر غربت درد غریبی از حد فزون است

درد مصیبت در شهر غربت از حدّ تقریر [یا رب] برون است

بابی چو حیدر، از دست ما رفت دیگر چه جای صبر و سکون است

حسن (ع):

ایا برادرم! اکنون بس است ناله و آه
خמוש باش دگر ساعتی فغان منما
برای زخم سر باب چاره باید کرد
علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد
حکیمی است در این شهر نام او نعمان
ازین قضیه او را خبر باید کرد
به هر وسیله که باشد در این مکان آید
به زخم تارک بایم نظاره باید کرد

حسین (ع):

چو امر، امر شما هست ای برادر جان
هر آن چه امر شما هست آن ببايد کرد
و خطاب به عباس (ع) گوید:
ایا برادر با جان برابرم عباس
بیا و روتو به نزد حکیم خوش انفاس
بگو که باب کبارم به دامن محراب
رسیده ضربت کین بر سرش مرا دریاب
عباس (ع) پیش نعمان حکیم رفته خطاب به او گوید:
خطاب من به تو باد ای حکیم خوش انفاس
رسیده وقت که خدمت کنی به مهر اساس
برادرم حسن مجتبی بفرموده است
که باب نامیم از خاک و خون پیالوده است

بیا و زخم سرش کن نگاهی از سر مهر
که نیست طاقتِ یاران دگر به چرخ سپهر
نعمان جراح به بالین علی (ع) آمده عرض می‌کند:
سلام من به تو باد ای شهنشه کونین
سلام من به تو باد ای امیر بدر و حنین
چه روی داده که این گونه مضطرب حالی
شوم چو کور و نبینم تو را چنین حالی
علی (ع) در بستر بیماری به نعمان جواب می‌دهد:
علیک من به تو باد ای حکیم خوش سیما
بیا نظر بنما بر سرم ز راه وفا
نعمان بعد از معاینه سر مبارک گوید:
وامصیبت چه بگویم من دلخسته زار
کاشکی کور بُدی چشم مرا ای غفار
تا نبینم به چنین حال سر شاه زَمن
اهل بیتش به سر و سینه زنان در شیون
چون که این زخم که ظاهر شده بی درمان است
شه دین یک شب دیگر به شما مهمان است
و خطاب به حسنین (ع) گوید:
عمرتان باد بقا ای دو مه تابان خاک بر سر شده امشب نعمان
علی (ع): که زخم خود را بی علاج و مرگ را حتمی می‌بیند به
حسن (ع) چنین وصیت می‌کند:
آیا حسن خلف ارجمند ارشد من
تویی خلیفه من بعد من به وجه حسن

به هر بلیّه درین ورطه استقامت کن
به روی مسند من بعد من امانت کن
زیاری تو چو یاران کنند قطع نظر
به رنج گوشه‌نشینی نشین تو همچو پدر
چو خلق ترک تو گویند ترک غوغا کن
مکن مجادله با دشمنان مدارا کن

و به حسین (ع) چنین گوید:

ای تازه نهال باغ ایمان	ای روشنی چراغ ایمان
ای ذات تو مظهر خدایی	تو گشته راه کربلایی
گردد چو حسن شهید الماس	بعد از حسن ای یگانه ناس
این قوم به شرط و عهد و سوگند	در کوفه تو را طلب نمایند
سازند به کربلا شهیدت	هم پنج برادر رشیدت

زینب (س):

کجا روم چه کنم من که بی مدد کارم
پدر به مثل تو من ای پدر کجا آرم؟
بلافاصله گوید:

پدر بعد از تو برگو من چه سازم
یتیمان به دست کی سپارم؟
کلثوم (ع):

پدر جان مونس شب‌های تارم	بگو تو حال خود ای با وفایم
پدر بعد از تو برگو ما چه سازیم	در این جا مثل تو دیگر نداریم

زینب (س):

گرچه جان خواهد برون رفت از تن ما اهل بیت

بی تو جان اهل بیت از تن برون یاد ای پدر!



کتابخانه شخصی

آن که ما را کرد در غربت اسیر و در بدر
خانه عمرش الهی سرنگون باد ای پدر
کلثوم (ع):

ای پدر در ماتمت شد بزم عیش ما نگون
همچو بزم عیش ما گردون نگون باد ای پدر
کشتی عمر تو چون گردیده طوفانی به ظلم
کشتی افلاک الهی غرقه خون باد ای پدر
شب بیست و یکم: شب شهادت حضرت علی (ع) است، در این شب
اهالی برای اموات خود خرما، پشمک، زلیبی یا زلولویا، شربت، کلوچه،
حلوازرد یا شله‌زرد و رنگینک خیرات می‌کنند و نیز هر کس نذر دارد
«زبانگش» امیرالمؤمنین خیر می‌کند.

مجالس مقابله هم مانند شب نوزدهم برگزار می‌شود و بعد از قرائت
جزء بیست و یکم قرآن مجید، دعا و نوحه و مصیبت خوانده و دنباله
تعزیه شهادت برپا می‌شود. در مجالسی که تعزیه نیست تابوت سیاه‌پوش
شده‌ای به وسیله چهار نفر حمل می‌شود و پیشاپیش یک نفر مدّاح نوحه
نادعلی می‌خواند و بی اختیار وارد مجلس می‌شود و اهل مجلس گریه و
شیون سر می‌دهند. همچنین در این شب بعضی از واعظان خطبه امام
زین‌العابدین (ع) در مجلس یزید، برای کسانی که نذر دارند می‌خوانند.
در موقع خواندن خطبه چراغ‌های مسجد را خاموش می‌کنند. آن‌گاه نوبت
به قسمت آخر تعزیه شهادت حضرت علی (ع) می‌رسد. مانند شب‌های
قبل ابتدا پیش تعزیه خوانده می‌شود:

پیش تعزیه:

آه و وایلا که حیدر کشته شد شوهر زهرای اطهر کشته شد

بی‌پدر گردید یاران، مجتبی
شد یتیم ای آه شاه کربلا
اشکبار این عزا خیرالنساء
صاحب محراب و منبر کشته شد
در فلک خیل ملک اندر بُکا
در زمین خلق جهان اندر عزا
جن و انس از این مصیبت در نوا
صاحب تیغ دو پیکر کشته شد
آه و واویلا که از شمشیر کین
ابن عم مصطفی، سلطان دین
تارکش گردید منشق تا جبین
چون که زینب این مصیبت را شنید
سوی بالین حسن از غم دوید
آن زمان گشتند سوی مسجد روان
با حسین آن سرور لب تشنگان
جملگی گفتند با آه و فغان
حجت خلاق داور کشته شد
در وسط مجلس تعزیه بستری گسترده است و یک نفر که شیه
حضرت علی (ع) است در بستر خوابیده و کسی که در نقش حضرت
زینب (س) است با چارقِد و چادر مشکی و نیز دو نفر در نقش امام
حسن (ع) و امام حسین (ع) در کنار بستر امام نشسته‌اند. در این حال قنبر
غلام حضرت علی (ع) در حالی که افسار اسبی در دست دارد وارد
مجلس شده و جمعیت را می‌شکافد و پیش می‌آید و چنین می‌خواند:

قنبر:

آمده‌ام از حَبَش و زنگبار
خدمت شاهنشاه دلدل سوار
تا به رکابش بدوم بنده‌وار
نَادِ عَلِیّاً، عَلِیّاً یَاعَلِی
بندگی [نوکری] خسرو والاتبّار
کرده‌ام از روز ازل اختیار
تا به رکابش بدوم بنده‌وار
نَادِ عَلِیّاً، عَلِیّاً یَاعَلِی
زینب (س) (از پشت در):
صاحب این ناله سوزنده کیست
آتش اندوه فروزنده کیست

نغمه‌زنان یلبل گوینده کیست ناد علیاً، علیاً یاعلی
قنبر:

حلقه به گوش در حیدر منم چاکر آن شاه غضنفر منم
نوکر داماد پیمبر منم ناد علیاً، علیاً یاعلی
زینب (س):

بار خدایا چه فغان (صدا) دیگر است
صاحب این ناله یقین قنبر است
ورد زبانش همه دم حیدر است
ناد علیاً، علیاً یاعلی
قنبر:

خادم درگاه علی قنبرم عشق وی افتاده بسی بر سرم
کاش که بودی شه دین در برم ناد علیاً، علیاً یاعلی
می‌روم این لحظه من بینوا تا به در خانه شیر خدا
اشک فشان ناله کنان با نوا ناد علیاً، علیاً یاعلی
و پیوسته می‌خواند و حلقه در را می‌کوبد و کسی در را نمی‌گشاید:

ای که تو را نام علی ولی ست ای که ز نور تو جهان منجلی ست
نام تو زینت ده هر محفلی ست ناد علیاً، علیاً یاعلی
یاعلی ای باب شُیر و شَبَر یاعلی ای صاحب تیغ دو سر
یاعلی ای جمله یتیمان پدر ناد علیاً، علیاً یاعلی
ای اَسْدُاللَّه به دادم برس نیست به جز تو کسی فریادرس
جان حسینت تو به دادم برس ناد علیاً، علیاً یاعلی
علی (ع) (در بستر بیماری):

آه ندانم چه بود این سروش از دل من تاب زسر برده هوش

می‌رسدم ناله قنبر به گوش ناد علیاً، علیاً یاعلی
قنبر:

آمده قنبر به در خانه‌ات من به فدای تو و کاشانه‌ات
خلق تمامی همه دیوانه‌ات ناد علیاً، علیاً یاعلی
چند کشم من پس در انتظار رفت زدست طاقت و صبر و قرار
حاجتم ای شیر خدا را برآر ناد علیاً، علیاً یاعلی
علی (ع) (به زینب):

زینب غم‌دیده آیا دخترم در مگشا تو به روی قنبرم
نعره زند تا که ببیند سرم ناد علیاً، علیاً یاعلی
قنبر:

شیون و غوغاست که خاکم به سر خواهم ازین واقعه گردم خبر
پیش روم گوش گزارم به در ناد علیاً، علیاً یاعلی
زینب (س):

قنبر بی‌دل منما شور و شین سینه‌زنان خون مفشان از دو عین
کشته شده باب عزیز حسین ناد علیاً، علیاً یاعلی
قنبر (از پشت در):

حرمسرای رسول خدا سلام علیک
مقربان در کبریا سلام علیک
غلام حلقه به گوش شما منم قنبر
دهید اذن به پابوس حیدر صفدر
که شوق دیدن آقای خود به سر دارم
زهجر روی علی داغ بر جگر دارم
زینب (س) (از پشت در):

علیک من به تو ای قنبر وفاگستر

اگر تو راست تمنای دیدن حیدر

علی فتاده به بستر زضعف بی تابست

زمان دیدن او نیست زان‌که در خوابست

قنبر و زینب (س) (قنبر می‌گوید و زینب (س) جواب می‌دهد):

می‌آور عذر ای خاتون محشر	خداوندا نباشد عذر قنبر
به دل دارم تمنای وصالش	نبینی ترسم ای قنبر جمالش
بگو قنبر دلش از غم دو نیم است	بدان ای قنبرا زینب یتیم است
بگو خواهد که گیرد غاشیه دوش	برو قنبر تو کن دلدل سیه‌پوش
بگو قنبر ستاده در پس در	مکن دردم زیاد این‌دم تو قنبر
بگو قنبر زند بر سینه‌اش سنگ	فغان آهسته برکش از دل تنگ
بگو قنبر فتاده بر سر خاک	مکن قنبر تو دیگر سینه‌ام چاک
من از این آستان سر برندارم	من از هجر تو این‌دم بی‌قرارم
کسی بر نوکرش در را نبندد	گرش ممکن شود کی این پسندد

قنبر:

نمی‌کنی تو چه در باز بر رخ قنبر	نشینم از غم دل، تا کمر به خاکستر
نشینم از غم آقا «علی علی» گویم	حدیث ناد علیاً سینجلی گویم
بار خدایا تو به دادم برس	غیر تو بر سر نبود دادرس
نیست به جز تو کسی فریادرس	ناد علیاً، علیاً یا علی

علی (ع):

زینب ای دختر غم‌پرورم	در بگشا تو بر رخ قنبرم
تا که بیاید و ببیند سرم	ناد علیاً، علیاً یا علی

زینب (س) در را به روی قنبر می‌گشاید:

قنبر آیا بنده خاص خدا خیز و بیا بر سر شاه هُدا
تا که نماید به برت الوداع ناد علیاً، علیاً یا علی
قنبر اوسال اسب را به دست یکی از تماشاچیان داده وارد می‌شود:
ای ولی نامدار حی داور یا علی (ع)

ای وصی و جانشین بعد پیمبر (ص) یا علی (ع)
زوج پاک زهره زهرای اطهر یا علی (ع)
باب سبطین آفتاب ذره پرور یا علی (ع)
صاحب تیغ دو سر مولای قنبر یا علی

ای طریق سالکان پویدن منهای تو
خسرو صاحب نظر کامد به تارک تاج تو
بحر احسانی و رزق عالمین امواج تو
در حریم کبریا دوش نبی (ص) معراج تو
وز تو بیت‌الله زبّت پاک و مطهر یا علی

دیگری را کی رسد جز حیدر دل‌دل سوار
کاندر اوصافش بگوید خالق لیل و نهار
لافتی إلا علی لاسیف الا ذوالفقار
وز تو دفع دشمنان گردید و دین شد استوار
خواروزار از ذوالفقار عمر و آنتر (عتر) یا علی

قنبر بعد از دیدن فرق شکافته مولایش می‌گوید:
گو که زده ضربت کین بر سرت؟ خاک عزا کرده سر چاکرت؟

کاش نبودې به جهان قنبرت
امام علی (ع):
ناد علیاً، علیاً یا علی

ای تو آیا قنبر نیکو سیر
کرده دو تا، فرق من آن بدگهر
زینب (س):
ضربت بن ملجم بی دادگر
ناد علیاً، علیاً یا علی

آه که بن ملجم کافر زده
بر سر داماد پیمبر زده
قنبر:
ضربت کین بر سر حیدر زده
ناد علیاً، علیاً یا علی

کور شوم تا که نبینم سرت
غرقه به خون گشت دل قنبرت
قنبر (بلافاصله):
تا که نبینم یتیم، دخترت
ناد علیاً، علیاً یا علی

بعد تو ای خسرو دنیا و دین
بر سر و بر سینه زنان دل غمین
علی (ع):
گو چه کند قنبر تو بعد از این
ناد علیاً، علیاً یا علی

بعد من ای قنبر نیکو لقا
خدمت او کن تو ز راه وفا
جان من و جان حسن با حسین
خدمت خود را تو بکن بر دو عین
قنبر:
رو تو به نزد حسن مجتبی
ناد علیاً، علیاً یا علی
باش پس از من تو غلام حسین
ناد علیاً، علیاً یا علی

خیز زجا ای شه والاتبار
خلق تمامی همه در انتظار
علی (ع):
یک قدمی جانب مسجد گذار
ناد علیاً، علیاً یا علی

گو به محبان من از خاص و عام
آمدن مسجد من شد تمام

یاد نمایند مرا صبح و شام ناد علیاً، علیاً یاعلی
قنبر:

یاعلی ای پادشه بحر و بر یاعلی ای صاحب تیغ دو سر
خیز و به مسجد تو بیا با پسر ناد علیاً، علیاً یاعلی
علی (ع):

قنبر بی دل شده چون بلبل تا به گلستان فکند غلغلی
می‌کشد هر لحظه به صوت جلی ناد علیاً، علیاً یاعلی
قنبر:

دل‌دل تو منتظر است یاعلی قنبر تو خون جگرست یاعلی
زینب تو در به در است یاعلی ناد علیاً، علیاً یاعلی
بار دگر شو تو به دل‌دل سوار تا به رکابت بدوم بنده‌وار
آرزوی قنبر زارت برآر ناد علیاً، علیاً یاعلی
علی (ع):

ای تو ای قنبر نیکو سیر نیست مرا تاب سواری دگر
بُرده ز دل طاقت و هوشم ز سر ناد علیاً، علیاً یاعلی
قنبر و زینب (س) زیر دو بازوی علی (ع) را گرفته تا از بستر بلند و از
خانه خارج و به اسب نزدیک می‌کنند و او را از یک طرف بر اسب سوار
می‌کنند اما امام از طرف دیگر به زمین می‌افتد.
قنبر به خواندن مصیبت می‌پردازد:

بعد از علی مرتضی ریزم به سر خاک سیاه
نه تاج خواهم نه کلاه آقای قنبر کشته شد
دل‌دل سیه‌پوشت کنم دستی در آغوشت کنم
از غصه خاموشت کنم آقای قنبر کشته شد

حسن (ع) خطاب به حسين (ع):

برادر جان حسين نازنينم چگونه زار و گريانت بينم
پدر شد كشته ما بى اقراربايم به حال خود بيا گريه نمايم
حسن و حسين (ع) با هم مى خوانند:

يستمى درد بى درمان يستمى يستمى خوارى دوران يستمى
مسلمانان يتمان خوار و زارند به نزد هيچ كس قبرى ندارند
حسين (ع):

الها بى پدر بودن چه سختست
حقير و خوار در دوران چه سختست
خوشا طفلى كه دارد با پدر بخت
بود درد يستمى در جهان سخت
پدرداران همه با عزّ و نازند
يتمان با پدرداران نساوند

حسن (ع):

مخور غصه كه ما هم گشته گرديم
به خون خويشتن آغشته گرديم
بعد تابوتى آورده على را در تابوت نهاده پارچه سياهى بر آن كشيده از
مجلس خارج مى كنند و مجلس تعزیه تمام مى شود.^۱

نواها در تعزیه و عزادارى در ايام شهادت حضرت على (ع) در ميبند
«در روستاى ينده ميبند يزد صبح روز بيست و يكم در مسجد روضه

۱- وكيلىان، سيداحمد، رمضان در فرهنگ مردم، انتشارات سروش، ۱۳۷۰.

می‌خوانند. بعد از تمام شدن روضه هم مردها دو دسته می‌شوند و سینه می‌زنند و نوحه می‌خوانند.

دسته اول می‌خوانند:

کشتند امیرالمؤمنین آه و واویلا آن مُشهد روح‌الامین آه و واویلا
دسته دوم جواب می‌دهند:

آه و واویلا که داماد پیمبر کشته شد

آن چراغ منبر و سالار و سرور کشته شد

به این ترتیب جمعیت در حال سینه‌زدن و نوحه خواندن از مسجد بیرون می‌آیند و دور حسینه بیده می‌گردند و بعد به «پیر چراغ» که مدفن یکی از مردان خداست می‌روند. در راه «پیر چراغ» هم این نوحه را می‌خوانند:

دسته اول

شیعیان مولای ما آقای قنبر کشته شد

رواق هر مسجد و محراب و منبر کشته شد

دسته دوم

آه از آن وقتی که در محراب غلتید او به خون

از جفای ابن ملجم آن سگ مردودِ دون

ساعتی در «پیر چراغ» سینه می‌زنند و نوحه می‌خوانند بعد هر کسی

که به تازگی عزیزی را از دست داده باشد به فاتحه خاک او می‌رود و روی قبر او آب می‌پاشد. بعد از ظهر روز بیست و یکم هم تعزیه شهادت



حضرت علی (ع) خوانده می‌شود.^۱

نواها در مجلس محاربه و مقابلهٔ فتّاح شاه حبشه با مولا علی (ع)
«یکی دیگر از مجالس شبیه‌خوانی که از آلات و ادوات موسیقی نام برده
می‌شود و میدان شبیه‌خوانی با حضور اهل موسیقی آراسته می‌گردد
مجلس محاربه و مقابلهٔ فتّاح شاه حبشی با مولا علی علیه‌السلام است.
همان فتّاحی که پس از شناخت امیرمؤمنان (ع) نیم‌تاج شهزادگی ولایت
حبشه را از سر برمی‌دارد و تاج قلندری بر سر می‌گذارد و به قنبر موسوم
می‌گردد.

در این مجلس طبل و شیپور به کار می‌آید و برای «تغییر موضع»
شبیه‌خوان را نظر گرفته می‌شود.

فتّاح به یاران خود عزم رحیل می‌دهد و می‌گوید:

خیزید و پی رزم کنید اسلحه تعیین

زوبین و زره، درع و کُله خود و عرقچین

خود نیز آمادهٔ حرکت و اسلحه‌پوشی می‌گردد و می‌گوید:

تا غرقهٔ دریا شوم از اسلحهٔ جنگ

طَبال بزن طبل که خواهم کنم آهنگ

و درحالی‌که جوشن و تن‌پوش و کُله خود را بردست می‌گیرد، فریاد

می‌زند:

بر بدن پوشم قُبای زرنشان زرفشان سازم زمین تا کَهِکشان

می‌بزن طَبال اکنون از وفا می‌روم جنگ علی (ع) من حالیا

فتّاح خطاب به خنجر خود گوید:

خواهم به گلوی علی امروز زنی بوس
و بلافاصله روبرنائی حربی می‌گیرد و اشاره می‌کند:
ای نائی حربی چه شد آن غلغله از کوس

.....

هان نائی لشکر تو بگو تا بزند سنج

سنجی که بدان لرزه فتد در دل پُر رنج

تا غرقه دریا شوم از اسلحه جنگ

طبّال بزن طبّل که خواهم کنم آهنگ

وقتی صدای نای به اوج نمی‌رسد و هیجان بر جان فتّاح خیمه

نمی‌زند، مُتغیّر می‌شود و می‌گوید:

این چه نوای نی است از همه مایوس

نائی حربی برآر غلغله از کوس

مجدداً اسلحه‌پوشی می‌نماید و می‌گوید:

بر کمر بندم کمر بند طلا شهر بطحا را کنم من پُر بلا

طبّل زن طبّال از راه جفا می‌روم بر جنگ آن ماه هُدی

.....

تو طبّال با حُکم من این زمان در این دشت بنمای محشر عیان

فتّاح، مشت گره می‌سازد و به طبّال امر می‌کند که با ضرب تُند بنوازد.

سپس «میدان‌گیری» می‌نماید و دور می‌زند و بر جایگاه نخستین

برمی‌گردد و به طبّال اشاره می‌کند که ساکت باشد. آنگاه به سایر

نوازندگان دستور می‌دهد:

دلیران نوازید شیپور و کوس رسانید برگنبد آب‌نوس

ز شپیور آرید آواز زیل رسانید برگنبد آب نیل
فتاح بار دیگر مغفر و گله خود را برمی دارد و می‌گوید:
گله خود خود نهم بر سرم نگهدار رأسم شود از کرم
تو طبال طبل فرنگی بزن به نام دلیران شمشیر زن

.....

خنجر را بردارد و گوید:

زنم بر کمر خنجر برق زن شکافم دل گاوماهی به تن
ز شپیور آرید آواز زیل ز بیمش هراسان شود ژنده پیل
نوازید شیور، کرنا و کوس رسانید برگنبد آب‌نوس

.....

ایا گروه نوازید کرنا و نفیر که با خبر شود ایندم امیر خبیرگیر^۱

نواها در رزم‌نامه غزوه خندق

«یکی از رزم‌نامه‌های قابل تأمل مولا علی (ع) مربوط به غزوه خندق است. علی (ع) با پهلوانان نام‌آوری چون عمرو بن عبدود روبروست. عمرو بن عبدود در قلعه‌ای اطراق کرده و بر تخت زر نشان نشسته است.

عمرو بن عبدود گوید:

بده ساقیا تو می با صفا بزن طبل ای مُطرب خوش‌نوا
می لاله‌گون ده آیا ساقیا بنواز موزک تو ای خوش‌نوا

۱- عناصری، جابر. مقاله کاربرد آلات و ادوات موسیقی در نسخ و مجالس شبیه‌خوانی،

حضرت امیر (ع) به قلعه نزدیک شود و فرماید:

به حیدر مرا خوانده خیرالبشر علی خواندم داور دادگر
تسیره به بام ثریا زَنَم درفش مُحمّد (ص) به بطحا زَنَم
عمرو بن عبدود پاسخ می‌دهد:

بر کمر بندم کمر بند طلا شهر بطحا را کنم پُر از بلا
تا روم جنگ محمد (ص) این زمان طبل زن طَبّال با نام و نشان
بر کمر شمشیر بندم بهر جنگ راه را بندم به احمد تنگ تنگ
تا روم جنگ مُحمّد (ص) این زمان طبل زن طَبّال با نام و نشان
جوشن زرّینه را این لحظه در بر می‌کنم طبل زن طَبّال من ظلم مکرّر می‌کنم
طبل جنگ ای پُردلان هرسو زنید جانب شهر مدینه رو کنید

.....

هان تو طَبّال آن چنان بنواز که فتد لرزه در میان حجاز
مولا علی علیه‌السلام عمرو را به قدرت قاهره الهی شکست می‌دهد.
آن سوی خندق، طَبّال طبل ظفر می‌کوبد.

حارث برادر مرحب خیبری - در غزوه خیبر در برابر علی (ع)
می‌ایستد و:

سپه را به میدان صف آرای کرد خود آمد به قلب سپه جای کرد
برآمد خروشیدن بوق و سنج به جنبش درآمد سرای سپنج
حارث به دست توانای علی خیبرگیر کشته می‌شود و مرحب برادر
نامدار او به میدان رزم می‌شتابد. او نیز پشتش توسط امیر (ع) به خاک
می‌رسد:

پس آنگاه فرمود تا بی‌درنگ نوازند از هر طرف طبل جنگ
نوازند طبل و دهل از شعف دگر سنج و نقّاره و ساز و دف

اینک صحنه آرایان نمایش مصائب و کاتبان غمنامه‌های عبرت‌آمیز
توسن خیال به دشت تفتۀ نینوا می‌دوانند و نخست در دارالحکومه فرزند
مرجانه - ابن زیاد - حاضر می‌شوند.

ابن زیاد - حُرّ نام‌آور را به اتفاق گردان دیگر عازم کربلا می‌نماید و
می‌گوید:

ابن زیاد:

شربت دهید بر حُرّ و بر یاوران حُرّ موزک چنان بزن که جهان را خراب کن
ای میرآخور، از همه اسبان تندرو آهو روش چهار فرس انتخاب کن
حُرّ نام‌آور به همراه غریو کوس و طبل حرکت بر فرس تیزپا سوار
می‌شود و به لشکر چنین دستور می‌دهد:

حُرّ:

دلیران لشکر همه فوج فوج به گردم درآید چو دریا به موج
نوازید طبل پُر آشوب را بکوید سنج طلاکوب را
اما زود باشد که حُرّ به لشکر نور پیوندد و از سپاه کین روی برگرداند و
خروش طبل و کوس و نقاره و سُرنا ورود شمر به کربلا را اعلام نماید:

طَبال برزن طبل جنگ، این نیمه شب رابی درنگ

تا بشنود چرخ دورنگ از کوفه سردار آمده

آن‌گاه شمر اسلحه‌پوشی نماید و گوید:

ازاری پوشم و - آن‌گاه بپوشم هفت پیراهن

به روی هفت پیراهن قبا را می‌کنم در بر

دگر پوشم به تن جوشن، به نامم شمر ذی‌الجوشن

نمایم آتشی روشن که سوزد جمله خشک و تر

ایا طَبَّال ریحانی، بزن طبل سلیمانی

دل زینب (س) به درد آرم اگر بختم شود یا ور (اگر بختم کند یاری)

شمر - هر زمان اشاره به طَبَّال می کند و می گوید:

زنم اندر کمر، من از جفا این خنجر خون ریز

که کج کج همچو ابروی دلاریان شوخ انگیز

مریزا دستت استادی که صیقل داد و کردش تیز

به جنگم - رستم آساگر، فتد در روز رستاخیز

بدرم پهلوی سهراب و سر بر گیرم از نوذر

بزن طَبَّال نام آور

از سوی دیگر ابن سعد لعین به نوازندگان می نگرد و فرمان می دهد:

ابن سعد:

ایا کوفیان از یمین و یسار شوید از سر کین به مرکب سوار

به ناله درآرید شیپور را گذارید لب بر لب کرنا

شمر گوید:

دلیران به رخ ها پُر از کین کنید دم اندر دم نای زرین کنید

نوازید از یک طرف، طبل جنگ بتازید از هر طرف باز، خنگ

طَبَّال، طبل یورش می زند و شمر با تغییر فرمان می دهد:

شمر:

ای سپه، طبل نوازید شما از طرفین

روگذارید سوی خیمه به کف تیغ و سنین

حَرَم ماه جهان را به اسیری ببرید

از سر شوق و شعف طبل بشارت بزنید

حضرت زینب (س) خطاب به امام حسین (ع) عرض کند.

حضرت زینب (س):

خبر نداری تو ای برادر که سوی خیمه رسیده لشکر
صدای طبل و نی و نقاره به جان زارم زده شراره
شواهد مندرج در نسخ شبیه‌خوانی، بیش از آن است که در این مقاله
مختصر به اتمام رسد. همین قدر اشاره می‌شود که موسیقی در میادین
شبیه‌خوانی، لازمه اجرای این نمایش مذهبی است. اگر گفتاری از سوی
شبیه‌خوان به فراموشی سپرده شود، به اشاره شبیه‌خوان، طبل فاصله
برای اندیشیدن را پُر می‌کند و بدون آن که تماشاگران میدان به خود بیایند
و ضعف شبیه‌خوان را دریابند به کمک شبیه‌خوان می‌شتابد تا کلام را به
یاد بیاورد. کفن‌پوشی اولیا در پشت صحنه به یاری نوازندگان - با طمأنینه
انجام می‌گیرد... تا تماشاگران به خود بجنبند - حضرت عباس با پیراهن
خون‌آلود و دستان بریده از پشت نخلستان ظاهر می‌شود - موسیقی،
خستگی شبیه‌خوانان را از جانشان دورباش می‌دهد و خود جزء لاینفک
مراسم شبیه‌خوانی می‌گردد. به جاست که ظرایف و دقایق موسیقی
مذهبی را دریابیم و پیوند موسیقی با شبیه‌خوانی را برای حفظ و اصالت
موسیقی ایرانی، غنیمت بشماریم.^۱



موسیقی در آیین‌های نوروزی

در باورهای مردم مسلمان ایران حضرت علی (ع) در روز نوروز تولّد یافته و در سال ۱۰ هجری از طرف حضرت محمد (ص) به عنوان جانشین خود در این روز به مردم معرفی شده است.

از این رو پس از پذیرش دین مبین اسلام توسط ایرانیان این عید با شکوه هرچه تمام تر در سراسر خاک پهناور کشورمان برگزار شده است. در این خصوص اشعار بیشماری توسط شاعران معروف و حتی مردم عامی سروده شده است.

همایون روز نوروز است و به فیروزی

بر اورنگ خلافت کرد شاه لافتی مأوا

هاتف اصفهانی

شاعر دیگری به زیبایی سروده است:

نوروز از آن شد پرشعف، هم صاحب عزو شرف

کانروز سالار نجف، آمد به تخت سروری

در کتاب المحاسن و الاضداد جاحظ بصری صفحه ۳۹۵ آمده است:

«از امیرالمؤمنین علی (ع) روایت شده است که ایرانیان ظرفهای حلوا را برای او هدیه آوردند. پرسید اینها چیست؟ گفتند هدیه نوروزی است. پس گفت: همه روزها نوروز باشد. پس شیرینی را خورد و ندیمان را بخوراند و ظرفها را بین مسلمین قسمت کرد.»

نوروزخوانی

نوروزخوان‌ها پیک‌های نوروزی و نوبهاری هستند که با آوازی خوش و بدیهه‌سرایی در تداوم کار خنیاگران گذشته به پاسداری و رواج بخشی از میراث غنی فرهنگ شفاهی نیاکان پرداخته‌اند.

«نوروزخوانی از جمله آیین‌های کهن ایرانی است که تا چند دهه پیش به شکل گسترده در برخی از نواحی ایران و به خصوص البرز شمالی و جنوبی (مازندران، گیلان، گومش، طالقان) رواج داشت و امروز نیز به شکل خیلی پراکنده در روستاهای دوردست این نواحی مشاهده می‌شود. چنین استنباط می‌شود که مضمون این آیین قبل از اسلام ستایش اهورامزدا، مدح شاهان، امیران، بزرگان و مردم گشاده‌دست و خوشرو بوده است.

این آیین پس از اسلام به‌ویژه از دوران صفوی خود را با مضامین، روایات و احادیث اسلامی بویژه شیعه منطبق کرد و به حیات خود ادامه داد.

اشعار مورد استفاده توسط نوروزخوانان به زبان فارسی و نیز لهجه‌های محلی است. این اشعار از بخش‌های مختلفی تشکیل می‌شود. نوروزخوانان در بخش اول پس از ستایش خداوند و مدح پیامبر (ص) به توصیف امامان (ع) می‌پردازند و در پایان این بخش ممکن است از برخی روایت‌ها و داستان‌ها مانند قصه آدم و حوا و حضرت ابراهیم (ع) و ... نیز استفاده شود. در بخش دوم نوروزخوان در توصیف صاحب‌خانه بداهه‌سرایی می‌کند و بخش سوم در توصیف بهار و نوروز است.»

در زیر چند نمونه از نوروزخوانی متداول در مازندران همراه با آوانویسی آن‌ها از کتاب نوروزخوانی، آقای محمدرضا درویشی

آورده می‌شود:

نوروزخوانی - مازندران، بابل (قسمت اول)^۱

بهار آمد، بهار آمد، خِش آمد (۲)

علی با ذالفقار آمد، خِش آمد (۲)

علی با ذالفقار قنبر جلو دار

که شَهد از زنگبار آمد خِش آمد

.....

بهار آمد که بلبل‌ها شدن مست

.....

بهار آمد، بهار آمد، خوش آمد (۲)

علی با ذالفقار آمد خوش آمد (۲)

علی با ذالفقار آمد، قنبر جلو دار او

گویی شَهد از زنگبار آمد، خوش آمد

.....

بهار آمد و بلبل‌ها مست شدند

۱۰۲ / حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران



نوروزخوانی - مازندران، قائم‌شهر (قسمت اول)^۱

سلامیم بر شما با این سَرا را
 رفیق و هم کوچیک همساده‌ها را
 بزرگ و هم جوان و هم‌سَرا را
 بپوشید بر شما رنگین و الوان

.....

محمد گُل به گُل قربان نامت

علی شیر خدا قنبر غلامت

سلامم بر شما و بر اهل این منزل باد

از رفیق‌ها و خردسالان و همسایه‌ها

پیر و جوان و هم‌سن و سالان

برخود جامه‌های الوان و رنگین بپوشید

.....

ای محمد (ص) لحظه به لحظه به قربانت

ای علی (ع) شیرخدا، که قنبر غلام توست

۳- نوروزخوانی - مازندران، فائمه‌هر (قسمت اول)

sa la mem bar so ma ba in sa ra ra rafiq
qo ham ku cik ham sa de ha, ra bo zor
qo ham ja va no hama ra ra ba pu
sid bar so ma ran gi no al van moha
mad gol be gol qor ba ne na mat a li
si re xo da qan bar qo la mat

۱۰۴ / حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران

نوروزخوانی - مازندران^۱

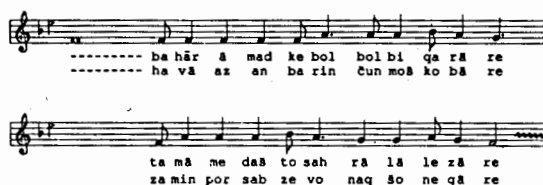
بهار آمد که بلبل بی‌قراره
تمام دشت و صحرا لاله‌زاره
هوا از عنبرین چون مُشک‌باره
زمین پُر سبزه و نقش و نگاره

.....

.....

بهار آمد، بهار آمد خوش آمد
عبیر از جویبار آمد خوش آمد
که شهد از جویبار آمد خوش آمد
علی با ذوالفقار آمد خوش آمد

۶- نوروزخوانی - مازندران



----- ba hār ā mad ke bol bol bi qa rā re
----- ha vā az an bā rīn cūn moš ko bā re

ta mā ne dā to seh rā lā le xā re
zā min por sab ze vo naq šo ne gā re

موسیقی در آیین‌های نوروزی / ۱۰۵

«برخی از اشعار نوروزی، در بعضی از ولایات به مدح و منقبت مولا علی (ع) اختصاص دارد:

علی آن ماه اولیاء
آقای ما مشکگل‌گشا
باشد ترا پشت و پناه
وای نوروز سلطان آمده»^۱

نوروزخوانی در سنگسر

«نوروز است و سال نو به شما سازگار باشد
و پیغمبران ما که یکصد و بیست و چهار هزار تن هستند
و امامان ما که دوازده تن هستند
دنیا و آخرت یار و همراهان باشند
نوروز از روز الست به یادگار مانده است
و خدای ما شریک ندارد و یکی است
و خدای ما به توفان دستور داد که دنیا را به زیر آب برد
و یاران نوح را با او سوار بر کشتی - سلامت کرد
و نوروز روزی بود که کشتی حضرت نوح نجات پیدا کرد
نوروز است و سال نو بر همه ما سازگار باشد
نوروز روز صاحب‌الزمان است که ظهور خواهد کرد
و ذوالفقار علی (ع) را بر کمر خواهد بست
به هنگام خجسته نوروز است که اصحاب کهف باید همراه امام زمان (عج) باشند

نوروز است و سال بر همه ما سازگار باشد
زن‌های سنگسری چشم انتظار نوروز می‌مانند.^۱

تکم‌های آذری

«روستائیان اطراف اردبیل پیک‌هایی را به شهر می‌فرستند. مقدم آن‌ها را که نیک‌پی هستند و خوش شگون، با نقل و شیرینی گرامی می‌دارند. پیک‌ها یک سینی بزرگ در دست دارند و شمعی در آن می‌افروزند و مقداری نقل و نبات و سبزه و یک تمثال حضرت علی (ع) در سینی می‌گذارند و به در خانه‌ها می‌آیند. گروهی از اینان عروسکی به شکل شتر به دست می‌گیرند، این شترک را با تخته می‌سازند و با آینه و تکه پاره‌هایی از فرش و گلیم و منجوق‌های مختلف زینت می‌کنند و دُمی از مو بر آن می‌چسبانند و پُری از مرغ یا خروس بر سرش می‌گذارند و به آن «تکه» (Taka) می‌گویند و آن‌ها که این عروس را به دست دارند «تکم‌چی» (Takamci) نامیده می‌شوند. آنان چنان رسیدن این نوروز را به فریاد مژده می‌دهند که گویی کسی جز آنان از نوروز خبری ندارد. به جز این دسته‌ها، گروهی نیز از روستاهای اطراف سیلان به شهر می‌آیند و گل‌های صحرایی و گل نوروز و سبزه با خود می‌آورند، اینان «یملیک‌چی» (Yemlikci) نامیده می‌شوند و «یملیک» (Yemlik) یا شنگ از سبزی‌های صحرایی است. آنان در خانه‌ها را می‌کوبند و ترانه‌هایی در وصف نوروز می‌خوانند و دسته‌های گل با کمی سبزی به خانواده‌ها می‌دهند و هر خانواده نیز به فراخور، هدیه‌ای به آنان می‌بخشند.

موسیقی در آیین‌های نوروزی / ۱۰۷

ترانه‌هایی که پیک‌های نوروزی در این منطقه می‌خوانند زیاد است. ترجمه فارسی نمونه‌هایی از آن‌ها با مضمون حضرت‌علی (ع) در زیر آورده می‌شود:

بهار آمد، بهار آمد، خوش آمد
علی با ذوالفقار آمد، خوش آمد

عید نوروز شما مبارک
ماه، سال، هفته و روز شما مبارک

جناب جبرئیل نامه آورد
به محض آوردن به پیغمبر رسانید
پیغمبر بازوان مبارک خود را به آسمان بلند کرد

عید نوروز شما مبارک
ماه، سال، هفته و روز شما مبارک

امیرالمؤمنین بر تخت خواهد نشست
برگردن یزید لگام خواهد زد
شریت شیرین به جای آب روان خواهد شد

عید نوروز شما مبارک
ماه، سال، هفته و روز شما مبارک

امیرالمؤمنین مولای قنبر
سوار بر دُلْدَل شده و قنبر در کنارش

عید نوروز شما مبارک
ماه، سال، هفته و روز شما مبارک

هر سال ذکری از این عید می‌کنند
تخم مرغ را به هفت رنگ، رنگ می‌کنند

اغنیا لباس‌های نو در بر می‌کنند
فقرا لباس کهنه را شسته به تن می‌کنند.^۱

مراسم چهارشنبه سوری

«در روستای خواجه لر علیا در غروب روز سه‌شنبه در پشت‌بام‌ها آتش می‌افروزند و همه اعضای خانواده یکی‌یکی از روی آتش می‌جهند و می‌گویند:

دندان‌درد، سردرد، کسالتی و مریضی و قضا و قدر، هر چه داریم به
آتش می‌دهیم. (ترجمه فارسی آورده شد)

سپس خاکستر آتش را به دورتادور پشت‌بام می‌ریزند سپس با داس
دورتادور اتاق‌ها و فضاهایی که دام‌ها در آن نگهداری می‌کنند خط
می‌کشند تا از گزند محفوظ بماند. در این روستا که اهل حق هستند وقتی
پشت‌بام‌ها را خط می‌کشند چنین می‌خوانند:

چهارطرف مان حصار باشد

حصار در حصار باشد

کلید در دست علی باشد

خدانگه‌دار خانه باشد.^۲

۱ - هنری، مرتضی. آیین‌های نوروزی، مرکز مردم‌شناسی ایران، ۱۳۵۳، صص ۴۷، ۴۸.

۲ - نادری، افشین؛ علی فلسفی میاب، مردم‌نگاری هشترو، ۱۳۷۵.

دوبیتی‌های عامیانه

«دوبیتی‌های محلی ایران نمودار ذوق و احساس مردم پاک‌نهادی است که همه احساس و ادراک خود را از هرچه که هویت آن‌ها را سبب می‌شود به ساده‌ترین صورتی بیان می‌دارند.

اکثر دوبیتی‌های عامیانه به دلیل سادگی بیان و صراحت لفظ با زبان عادی و لهجه متفاوت مردم کاملاً سازگار است چندان که گویی شیوه بیان به زبان گفتار نزدیک است و اگرچه رنگ شعری دارد شعری است که گویی به طور بدیهه سروده شده و هنری است خلق الساعه.

به عنوان مثال دوبیتی‌های بیرجندی همه جا با لحن و تحریر و آواز همراه است و غالباً موزون می‌نماید و مقفی. قالب واقعی این دوبیتی‌ها حکم «چهارپاره»‌هایی دارد بدین صورت که بیت اول مقفی است و معمولاً قافیه و ردیف در مصراع دوم مراعات می‌شود. طرز خواندن دوبیتی‌ها با توجه به راه‌های مختلف و مقام‌های جوراجوری که در نظر عامه پیدا می‌کند چنان است که گویی آهنگ کلام به اقتضای حال و مقام مختلف پیدا می‌کند بدین معنی که یک دوبیتی در حالی که خوانده می‌شود رنگ لالایی می‌گیرد و گاه جلوه «فراقی» و «نوا» و «سروه» می‌پذیرد.^۱

۱۱۲ / حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران

نمونه‌هایی از دوبیتی‌های عامیانه بیرجندی

بهار اومد، بهار اومد، خوش اومد

علی با ذوالفقار اومد خوش اومد

علی با ذوالفقار قمبر (قنبر) جلودار

به سیل لاله‌زار اومد خوش اومد

* * *

در دل نوم (نام) خدا را می‌گه گلزار

دوازده انبیا را می‌گه گلزار

دوازده انبیا و سرور دین

علی شیر خدا را می‌گه گلزار

* * *

به قربون سر و سربند دلبر

به قربون نقاب‌رو بند دلبر

اگر بخت علی یاری نمایه

به شادی واکنم هر بند دلبر

* * *

من و دلبر به توی یک ولایت

ولی هم را نمی‌بینم چه بابت

برم شاه نجف منزل بگیرم

که شاید دلبرم آیه زیارت

* * *

سرکوی بلن (بلند) بینم نسا را

کمر باریک بازوین (بازو بند) طلا را

اگر باردگه (دیگر) بینم نسا را
زیارت می‌کنم شاه نجف را

* * *

عرقچین سرت گل قرمزی باد
به باهوی چپت نادعلی باد
به غیر از مه (من) اگر یاری بگیری
سر و کارت به عباس علی باد

* * *

الا مرغ سفید شصت و شش پر
اگر بارو (باران) بباره کی شوی تر
به امید از خدا و شاه و قمبر
که وردارم نقاب از روی دلبر

* * *

سرکوهای بُلن (بلند) فریاد کردم
امیرالمؤمنین را یاد کردم
امیرالمؤمنین آن شاه مردان
دل ناشاد خود را شاد کردم

* * *

دلم می‌خواد از اینجه (این جا) پریگیرم
برم با کاظمی (کاظمین) مسکن بگیرم
برم در کسربلا پابوس آقا
برم شاه نجف آن جا بمیرم

* * *

رسیدم ور سرراه و سرپل
قدم‌های علی و شُم دُلدل
عرقهای بَرِ روی مَحَمَّد
چکیده وَر زمی (زمین) و سرزده گل
* * *

علی را دیدم علی را در خواب دیدم
علی را در مسجد و محراب دیدم
علی را دیدم که ور دُلدل سواره
چو قمبر (قنبر) با رکابش می‌دویدم
* * *

«امام‌ها در نظر عامه مردم مسلمان ایران اسوه عدالتند و مشکل‌گشای
سختی‌ها، به‌ویژه امیرالمؤمنین علی (ع) که هر بندی را کلید است و هر
گرفتاری را یاور، دردها را درمان می‌کند و مشتاقان را به آرزو می‌رساند:
امیرالمؤمنین دردم دواکن مقام و منزلت در کربلا کن
چراغ روغنه نذر تو کردم مه‌ره (من را) جارو کش امام رضا کن»^۱
روایت‌های دیگری از دویستی‌های فوق در سایر جاهای ایران نیز در
بین عامه مردم رواج دارد که نمونه‌هایی از آنها در زیر آورده می‌شود:
امیرالمؤمنین دَر دَم دواکن گره در کار ما افتاده واکن
چراغ روشنی نذر تو دارم که هر جا دشمنی دارم فنا کن
منطقه نهبندان، بیرجند

امیرالمؤمنین در دُم دواکن
امیرالمؤمنین یا شاه مردان
نصیب و قسمت شاه‌رضا کن
استان فارس

علی دیدم علی در خواب دیدم
علی دیدم سوار دلدلش بود
علی در مسجد و محراب دیدم
استان فارس

به قرآنی که خطش ناشماره
سیر از سودای عشقت برندارم
به مولایی که تیغش ذوالفقاره
که تا دین محمد پایداره
خراسان، دشتستان فارس

خدایا جمله ایمانم عطا کن
همان وقتی که در قبرم گذارند
محمد را شفاعت‌خواه ما کن
محمد با علی همراه ما کن
قدمگاه علی جا سُم دلدل
چکیده بر زمین پیدا شده گل
استان فارس

بیا دلبر بنای دلبری کن
اگر مهر علی در سینه داری
دکون (دکان) واکن بنای زرگری کن
محبت چند روز بیش‌تری کن
استان فارس

بیو (بیا) جونم که جونت بی‌بلا با
تن نازپرورت دور از بلا با

تن نازپرورت روزی الهی بغل‌گیرت علی مرتضی با
خوزستان

امام اولم اومد به میدان ملائک بر سرش می‌خوند قرآن
همون نام محمد در کتابه علی از جانب پروردگاره
استان فارس

«ترانه‌های لری ویژه خطه ممسنی و بویراحمد است و دشمن زیاری
که مردمش با لهجه لری سخن می‌گویند و آداب و رسوم و عادات ویژه
خود را دارند:

سرعلی تر به خدا می‌کافری تون (سرعلی، ترا به خدا، مگر شما
کافرید)

نومزد و عقد کرده کجا بری تون (نامزد و عقد کرده مرا کجا می‌برید)^۱
اول نام خدا را میگه گلزار دوازده اولیاء را میگه گلزار
دوازده اولیا و سرور دین علی شیرخدا را میگه گلزار
منطقه تربت جام

اول نام خدا را یاد کو (کن) گلزار دوازده اولیاء را یاد کو گلزار
دوازده اولیاء و خرمن گل علی شیرخدا را یاد کو گلزار
منطقه تربت جام

۱ - همایونی، صادق. ترانه‌های محلی فارس، بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۹.

علی عین است و عینی با کماله علی از خاندان ذوالجلاله
علی را کی شناسه هر منافق علی پیش خدا آب زلاله
منطقه تربت جام

شب شنبه برفتم بر سر پل قدمگاه علی با سُم دلدل
عرق از سینه پاک محمد چکیده بر زمین، حاصل شده گُل
نمونه‌ای از ترانه‌های معروف به «مخمس» که در شهرستان نیشابور
رواج دارد:

سرکوه بلند فریاد کردم خدای علی شیر را یاد کردم
علی شیرخدا ای شاه مردان دل ناشاد ما را شادگردان
یادت ای دوست نمیری تا نبینم داغت ای دوست

در منطقه سیستان دوبیتی‌های زیر رواج دارند که نمونه‌هایی با
مضمون حضرت علی (ع) از کتاب ترانه‌های نیمروز، تألیف عیسی نیکوکار از
انتشارات مرکز مردم‌شناسی سال ۱۳۵۲ آورده می‌شود:

عرقچین و سر و پوتین و پایت و مشهد میروی جانم فدایت
و مشهد میروی زود بیایی امیرالمؤمنین پشت و پنایت

* * *

سرکوی بُلن (بلند) فریاد کردو
امیرالمؤمنین را یاد کردو

عجب بوی خوشی میده زیارت
امیرالمؤمنین شاه ولایت

* * *

۱۱۸ / حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران

و قرآنی که آیش (آیه‌اش) ناشماره

و او شاهی که تیغش ذوالفقاره

سراز بالین عشقت ورندارو

که تا دین محمد برقراره

* * *

سرکوی بلند هیهل کنومه

دو دست ورگردن حیدر کنومه

ببوسد گنبد سبز محمد

سلام بر قبر پیغمبر کنومه

* * *

تو که رفتی خدا یار تو باشه

رسول الله نگهدار تو باشه

رسول الله نگهدار تو باشه

علی شیر خدا یار تو باشه

* * *

مَثَل‌ها یا قصه‌ ترانه‌های عامیانه

ترانه‌هایی که قصه‌ای را در قالب کلماتی دلنشین و آهنگین بیان می‌کنند. این گونه ترانه‌های ساده و پرمغز در ادبیات عامیانه ایران به‌وفور دیده می‌شوند. نمونه‌های زیر به استان فارس و منطقه اراک تعلق دارند و در آن‌ها عشق و علاقه مردم مسلمان ایران به زبانی ساده بیان شده است که برای همه مردم قابل فهم و انتقال باشد.

«رفتم به سوی صحرا

دیدم سواری تنها

گفتم: سوار تو کیستی؟

گفتا: آدم حیدریگ

گفتم: چه‌داری در بغل

گفتا: کتاب پرغزل

گفتم: درآر و برخونش (بخوانش)

گفتا: که امشب شنبده

مصطفی دور گمبده

گمبد پر از عود و عنبره

عنبر پیغمبره

تاج نورش بر سره

علی جونیم سوار شده

رو به خونه خدا شده

خدای زمین و آسمون

یا علی جون مهربون

.....

بزید طبل علی

بشنوید بوی نبی

تا علی سوار شود

برود پیش خدای دوجهن (جهان)

دو ملک در آسمون

چه آسمون صافی

ای مرغ زرد و آبی

امشب کجا می خوابی

زیر علم محمد (ص)

صلوات بر محمد (ص)

.....

رفتم به باغ پسته

دیدم کلاغ نشسته

گفتم: کلاغ چه داری؟

گفتا: کتاب پرغزل دارم

سمبل و گل بغل بغل

گفتم: بیار و برخونش، به من بگو چون و چنش

گفتا: که امشو شنبه

مصطفی دور گمبده

تاج نورش بر سره
رفتم در خونه علی
جار زدم یا علی
زهر اومد پس در
گفتا: چه خواهی ای پسر؟
گفتم: علی
گفتا: علی به مسجده
رفتم علی صدا کنم، نماز کنم، دعا کنم
زیر جانماز علی سه تا خوشه مرواری
یکیش حسن، یکیش حسین، یکی هم همسر علی
حسن چه در برش بی؟
قبای زرد مهتابی
حسین چه در برش بی
قبای سرخ عنابی
زهر ا چه بود در برش
چادر بهشتی بر سرش.^۱

سه روایت از یک قصه ترانه متداول در منطقه فراهان اراک چنین
است:^۲

۱- همایونی، صادق. ترانه‌های محلی فارس، بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۹، صص ۷۱-۷۳.
۲- با تشکر از جناب آقای سیداحمد وکیلان، کارشناس فرهنگ عامه که قصه ترانه‌های
مربوط به منطقه فراهان اراک را در اختیار این جانب قرار دادند.

روایت اوّل

رفتم بسوی صحرا
دیدم سوارى تنها
گفتم: سوار کی هستی؟
گفتا: سوار بُل غضب
گفتم: چه داری در بغل؟
گفتش: قرآنى در بغل
گفتم: درآر با بخوئم
گفتش شب چارشبیدن
مصطفی در گنبدن
دور گنبد عنبره، عنبر پیغمبره
می‌کشم اسب علی
می‌زنم طبل نبی
تا خدا حاضر شود
این خدای دلِ جون، با رفیقش مهربون
دست زد به حلقه
بی‌بی فاطمه درآمد
گفتش بنده چه می‌خواهی
گفتم: علی رو می‌خواهم
گفت: علی در نمازن
نماز او درازن
رفتم اندر بهشت
دیدم درختی گنج بهشت

بـرگش بـرگ قـرآنـه
ریشـه‌اش ریشـه مـرجانـه
چـوبش عـصای پیغمبرانـه
پـوستش پـیرهن یـتیمانـه
گفتم کاشکی موکبکی بی‌دُم
در کـبکها گـردیده بـودُم
آب ز مـزم خـورده بـودُم
ریگ در بـا چـیده بـودُم
علی را دیده بـودُم
جـون فـدایش کـرده بی‌دُم

روایت دوم

رفتم بسوی صحرای
دیدم جوانِ تنها
گفتم جوانِ کیستی
گفتا جوان بوالحسن
گفتم چه داری در بغل
گفتا کتاب پرغزل
گفتم درآر بخوانیم
گفتا خانۀ علی است
رفتم دست زدم بر کعبۀ او
شدم بـنده شـرمندۀ او
بی‌بی فاطمه زهرا صدا برآورد
گفت که را خواهی؟ گفتم علی را

گفت علی سر نمازه
نماز او دور و درازه
گفت درختی هست در بهشت
چوب او عصای پیغمبران
برگ او آیه قرآن
هرکس هفت مرتبه او را بخواند
آتش دوزخ بر او حرامه

روایت سوم
رفتم بسوی صحرا
دیدم سوار تنها
گفتم سوار کیستی
گفتش سوار حیدر
گفتم چه داری در بغل
گفتش کتاب پرغزل
گفتم بخوان تا گوش کنم
گفتش ندارم در بغل
آسمان آراسته شد
مؤمنان برخاسته شد
بزنید طبل علی
بکشید اسب نبی
تا نبی سوار شود
برود پیش خدا

آن خدای دو جهان
دو مَلک در آسمان
چه آسمان صافی
چه مرغ‌های آبی
از کجا نون می‌خورند
از سفره مرتضی علی
از کجا آب می‌خورند
از حوض کوثر علی
ای خدا ماهمه بنده تو
بنده شرمنده تو
دست زنیم حلقه تو
پا زنیم کعبه تو
حلقه زنان شاهیم
از بنده چه می‌خواهیم

ترانه‌های بازی

«در شیراز، بازیکنان دو نفر را به نام «اوسا» انتخاب می‌کنند. اوساها کناری می‌ایستند.

بازیکنان دوتا، دوتا با هم مشورت می‌کنند، هر یک نامی برای خود برمی‌گزینند و سپس نزد اوسا می‌آیند. این گفت‌وگو میان آنان و اوسایی که حق انتخاب با اوست صورت می‌گیرد:

بازیکن: علی، علی
اوسا: گلاب به جمال علی

بازیکن: کی می‌خواد توپ طلا را؟

کی می‌خواد خونه خدا را؟

یکی از اوساها: من می‌خوام توپ طلا را

بدین ترتیب کسی که توپ طلا را برای خود برگزیده جزء دسته او

انتخاب می‌شود و به همین روش بازی ادامه می‌یابد:

در ممسنی نیز دو نفر به نام «سالار» [= اوسا] انتخاب می‌شوند.

بازیکنان دو، به دو برای خود اسمی انتخاب می‌کنند و نزد سالار می‌آیند

و می‌گویند:

شیر

سالارها جواب می‌دهند: آندر

بازیکنان پاسخ می‌دهند:

کی ایخوا، اسب علینه (چه کسی اسب علی را می‌خواهد)

کی ایخوا، زین زربنه (چه کسی زین زرین را می‌خواهد)

یکی از بازیکنان [سالارها] اسب علی و دیگری زین زرین را انتخاب

می‌کنند و به همین ترتیب بازیکنان میان سالارها تقسیم می‌شوند.^۱

۱- احمدپناهی (پناهی سمنانی)، محمد. ترانه و ترانه‌سرایی در ایران، (بازیهای محلی

فارس)، انتشارات سروش، ۱۳۷۶، ص ۱۵۴.

لالایی ها

لالایی‌های ایرانی آینه تمام‌نمای فرهنگ اقوام ایرانی است. شکل و محتوای آن در هر گوشه‌ای از این خاک پهناور و باستانی تفاوت پیدا می‌کند. مثلاً در میان اقوام بلوچ، ترکمن، کرد و لر بیان‌کننده مضامینی از قسیل جور و ظلم اربابان، شجاعت و سلحشوری رزمندگان، پند و اندرزهای اجتماعی، دشت، کوچ و اسب است در صورتی‌که در مناطق سرسبز گیلان و مازندران که شرایط طبیعی و اقتصادی متفاوتی دارد معمولاً بیانگر زیبایی‌های طبیعت، گل و گیاه، مسائل عاطفی و بالأخره پیوند قومی، هنرها و طبیعت و زندگی است. البته مادر ایرانی اگر لازم بداند مفاهیم سیاسی و اجتماعی و مذهبی را نیز به صورت قصه در قالب لالایی برای فرزندش بیان کرده و از این طریق به انتقال تاریخ و حماسه‌های قوم خود و در مجموع به انتقال و اشاعه فرهنگ معنوی منطقه خود می‌پردازد.

لالایی‌های ایرانی بخش مهمی از میراث فرهنگی شفاهی ایران است که زنان در آفرینش و انتقال آن به نسل‌های بعدی نقش اصلی را عهده‌دار هستند.

زن ایرانی در قالب اشکال مختلف ادبیات شفاهی، هنجارها و ناهنجارهای جامعه و باورهای ایرانی اسلامی خود را به زیباترین و لطیف‌ترین شکل ممکنه به فرزندان خود منتقل می‌سازد.

لالایی‌های ایرانی به‌رغم تنوع گسترده‌ای که دارند دارای نوای ساده، کوتاه و یکنواخت هستند و عمدتاً در آواز دشتی خوانده می‌شوند. شاخص‌ترین شخصیت‌های مذهبی که در لالایی‌های مناطق مختلف ایران دیده می‌شوند حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه دختر گرامی حضرت پیغمبر هستند.

نمونه‌ای از لالایی‌های متداول در خراسان

امیرالمؤمنین همراه	لا لا لا لا، لا لا لا لا
شجاعت‌خواه تو، لالا	امیرالمؤمنین حیدر
کریم و رهنمای من	الا لا لا، لا لای من
علی مشکل‌گشای من	بهرکاری که درمانم
علی مرتضی بخشه	لا لا لا لا، خدا بخشه
خدیجه کبریا بخشه	علی مرتضی حیدر
خدا همراه و راه تو	هالا لا لا، برآه تو
به قربان نگاه تو	علی پشت و پناه تو
شبی رفتم به دریایی	لا لا لا لای لا لایی
یکی اکبریکی اصغریکی داماد پیغمبر	درآوردم سه تا ماهی
علی ذکر خدا می‌کرد	که پیغمبر دعا می‌کرد
به حکم خالق اکبر	علی کننده در خیبر
به پای تخت حضرت شی	لالای، لای، لای به شهدشی
تو جاروکش زینب شی	اگر حضرت بفرمایه
علی گویم دو صد سالت کنم مو (من)	لالایی گویم و خوابت کنم مو (من)
بزرگت می‌کنم یادت نمی‌یاد	لالایی می‌کنم خوابت نمی‌یاد

علی گویم که تو صدساله باشی غلام حضرت معصومه باشی
خدا ای بلبل از مو (من) نگیره خدای خرمن‌گل از مو (من) نگیره
لالایی زیر به هنگام مسافرت پدر خانواده در منطقه تربت جام خوانده
می‌شود:

لا لا لا کنم جان را غلام شاه مردان را
لا لا لا به سرداری تو بابا در سفر داری
الا لا خدا یارت دوازده امام نگهدارت
دوازده امام و اولادش علی جان ضامن کارش

نمونه‌ای از لالایی‌های متداول در منطقه دشتستان، بصری، برازجان

به دور مختک رودم حصاره
خودش پولاد و جایش راه نداره
کلیدش مکه و قفلش مدینه
به دست ملائکه پروردگاره
علی شیر خدا لشکر کشیده
به دور قلعه خیبر رسیده
علی رنگ گل و گوهر گرفته
نگین از دست پیغمبر گرفته
علی شیر خدا شمشیر دین زن
محمد خیمه بر روی زمین زد
پس پرده نشست مولای مهیا
سخن همراه رب العالمین زد
مولالات ایی کنم تا مه بشینه

که مادر داغ فرزندش نبینه
پسین گینی محمد داخل واوی
زمین سَوَخی موجی گلاوی
پسین گینی که مشغول نمازم
در این قِلم درآمد سرو نازم
کُمیت هیکلی و حنای پُردو
بیا عهدی ببندیم از سر نو^۱

نمونه‌ای از لالایی‌های متداول در منطقه اهر و ارسباران با
برگردان فارسی

به نام تو لالایی می‌گویم
تا علی (ع) به دادت برسد
علی به داد تو رسید
مرا نیز از یاد مبر
تا بخوابی من لالایی می‌گویم
به گونه‌ای که در میان گل‌های سرخ خفته‌ای
در میان گل‌های سرخ اطرافت
به خوابی شیرین راه ببری
همیشه لالایی می‌گویم
چون کاروانی که به سویی روان است

۱ - جاوید، هوشنگ؛ موسی جرجانی. آواهای روح‌نواز (مجموعه لالایی‌های ایران).

حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.

بر بالشت گل بروید
بر بالشت بنفشه بروید
من آنقدر بلند لالایی می‌گویم
که صدایم از روزنه سقف بگذرد
خدانگه دار تو باشد
از بیماری آبله و سرخک
من بلاگردانت شوم
من دورت بگردم
خداوند ترا حفظ کند
تا من در سایه تو زندگی کنم^۱

* * *

لالا لالا، گل چایی
از این بچه چه می‌خواهی
که این بچه پدر داره
سه تا خنجر کمر داره
یکی علی، یکی حیدر
یکی داماد پیغمبر*
کرمان

لالا لالا، علی گویم

که لا لا بر تو می‌گویم
علی برتر علی سرور
علی داماد پیغمبر
که پیغمبر دعا می‌کرد
علی ذکر خدا می‌کرد*
کرمان

لا لا لا، خدایارت
علی باشد نگه‌دارت
نگهدارت خدا باشد
علی مشکل‌گشا باشد*
کرمان

لالایی گویم و خوابت کنم مو (من)
علی گویم و صد سالت کنم مو
ازین صد سال یه روزت کم نباشه
دل شادت پی غصه نباشه*
چهارم‌حال و بختیاری

لالایی گویم و خوابت کنم مو (من)
علی گویم و صد سالت کنم مو

بخواب آروم، گل گلدسته مو
بخواب آروم، عصای پیری مو*
چهارمحال و بختیاری

نمونه‌ای از لالایی‌های متداول در شهرستان قم
لالی لالی، گل چایی
چی چی از این بچه می‌خواهی
این بچه پدر داره
سه خنجر در کمر داره
یکی حیدر، یکی صفدر
یکی داماد پیغمبر
امام اولین را، شه کشور امیرالمؤمنین را
زبان بگشایم و گویم سخن را
امام دومی یعنی حسن را
امام سومی شاه شهیدان
حسینم کشته شد به تیغ یزیدان
امام چهارمی زین‌العباد
گل باغ حسین آن نامراده

بیا عزیزم که جانم ارزانی تو باد
دو صد گوسفند نر قربان تو باد

۱۳۸ / حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران

دو صد گو سفند نر قربان نامت
علی ای شیر خدا، فرزندم غلامت*
دزفول

دو لای لای لری با برگردان فارسی
شب مهتابی، چه خوب است که اسبت هم زین باشد
کرمانشاه که می‌روی، علی یارت باشد
آب کرمانشاه، سازگارت باشد*
پیراهنم پاره شد تا سر زانو
یا علی رخت نامزدی برایم برسان*

* * *

لا لا لا، گل خاش خاش (خشخاش)
بابات رفته‌س، خدا همراهش
امیرالمؤمنین هم پاش*

اصفهان

لا لا لا گل پسته	سرتَه (تو) بذار روی سینه
لا لا لا، گل خاش خاش	آقات رفته خدا همراهش
خدا همراه راهش با	علی پشت و پناهِش با*

خمین

لا لا لا لا بکن، الله یارت بیایم شاه چراغ، گیرم سراغت
لا لا لا لا بکن که خوابت آیه علی شیرخدا فریادت آیه*

* * *

«شُکْرِ خدا، شُکْرِ علی چش حسید پوقه بلی
خداوند را شکر می‌گویم و حضرت علی (ع) را (به خاطر وجود فرزند)
چشم حسود تو کور شود همانند بلوطی که در آتش می‌ترکد.^۱»

لرستان

چند لالایی از خوزستان با برگردان فارسی*

قبای چیت چهارگل دارد فرزندم
از ابریشم بند کاکل دارد فرزندم
از ابریشم بند کاکل پشت شانه‌ات
امیرالمؤمنین نگهدار جانت [باد]

* * *

بیا جانم و جانم ارزان‌ترین چیزی است، نثارت باد
دوصد گوسفند نر به قربان تو باد
دوصد گوسفند نر به قربان نامت
علی ای شیرخدا فرزند غلامت باد

* * *

* همان.

۱- نقل از خانم معصومه رخشیا، کارشناس ارشد مردم‌شناسی، ۱۳۷۹.

۱۴۰ / حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران

لایی لایی، من لا لایی را دوست می‌دارم
من این فرزند شوخ را از دل دوست می‌دارم
علی را دوست دارم، از دل و جان
علی شیرخدا، فرزندم غلامش

نغمه‌های عروسی

مراسم عروسی در خراسان (عقد و عروسی حضرت فاطمه)

«در خانواده‌هایی که اعتقادات مذهبی بیش‌تری دارند در شب عروسی به جای ساز و آواز و دهل و سرنا اشعار زیر که به مناسبت عروسی حضرت فاطمه علیهاسلام سروده شده‌است را برای میمنت و مبارکی می‌خوانند. این آواز را در دستگاه شور و یا آواز ابوعطا بدون استفاده از ابزار موسیقی می‌خوانند:

شب عیش خیرالنساء بتول	عزیز خدا، نورچشم رسول
ندا آمد از کردگار جلیل	به سالار خیل فلک جبرئیل
بگو تا ملائک ببندند صف	تبارک بخوانند با صد شعف
بگو حور عین جمله عشرت کنند	بهشت مرا زیب و زینت کنند
به رضوان بگو کوثر و سلسیل	کنند جمله بر اهل جنت سیل
به طوبی بگو تا نماید نثار	دُر و گوهر و لؤلؤ شاهوار
پس آنکه برو با درود و سلام	به نزد حبیب رسول انام
بگو بر ملا سرّ مستور کن	عیان رمز نور علی نور کن
بگو باید امشب با عزّ و وصول	رسانی علی را به وصل بتول

گاهی برای میمنت بیش‌تر روضه‌خوان زن (آتویی) به صدای خوش شرح عروسی حضرت فاطمه زهرا علیهاسلام را چنین می‌خواند:

بادا مبارک بر جمله یکسر از بهر عیش خاتون محشر

جبریل آمد نزد پیمبر نه ساله چون شد زهرای اطهر
گفتا به لقمان آن حی داور بندید و عقد زهرا به حیدر
یاران بگویید با دیده بوسی
بادا مبارک عیش و عروسی

کردم قباله کوه نمک را دادم به تو من شاه زنان را
مهریه او آب‌های عالم قربانی او جان‌های عالم
آن دم به فرمان حی طاها بندید و عقد خورشید و ماهها
یاران بگویید با دیده بوسی
بادا مبارک عیش و عروسی

مشعل ز نور پاک پیمبر اندر جلو بود زهرای اطهر
بینشسته زهرا بر هودج نور اندر کنارش چندین صف حور
حوران و غلمان با دیده بوسی صف در صف ایستاده بهر عروسی
یاران بگویید با دیده بوسی
بادا مبارک عیش و عروسی

داخل به حجله شیرخدا شد در آسمان‌ها عشرت بپا شد
چون ماه و خورشید با هم قرین گشت خوشحال و خرم عرش برین گشت
جبریل می خواند سوره تبارک جمله ملائک گویند مبارک
یاران بگویید با دیده بوسی
بادا مبارک عیش و عروسی

یاران مبارک باد	عیش ولی داور است
یاران مبارک باد	ساقی حوض کوثر است
یاران مبارک باد	تیغش به فرق کافر است
یاران مبارک باد	کننده در خیبر است

یاران مبارک باد	باب سریر و سرور است
یاران مبارک باد	شهر زهرای اطهر است
یاران مبارک باد	ابن عم پیغمبر است
یاران مبارک باد ^۱	از همه کس او بهتر است

شبیه این مراسم البته با اشعاری متفاوت در سایر نقاط ایران نیز برگزار می‌شود.

واسونک‌های شیرازی

«این ترانه‌ها عموماً در مراسم مختلف عروسی خوانده می‌شود. از زمان خواستگاری تا زفاف زن‌ها آن‌ها را می‌خوانند، آهنگ مطبوع، آرام، کشدار و ملایمی دارند، دسته‌جمعی نیز ممکن است خوانده شود ولی معمولاً یکی می‌خواند و با نوای آن داریه می‌زند و دیگران با دستک زدن (کف زدن) او را همراهی می‌کنند.

صبح صادق پابشیم تا غنچه گل واکنیم

ما که صدق صاف داریم با علی سوداکنیم^۲

مراسم عروسی در شاهرود

«در شاهرود چنین رسم است که در شب زفاف هریک از اقوام به عروس و داماد رونما می‌دهند و اشعار زیر را برای عروس و داماد می‌خوانند:

۱- شکورزاده، ابراهیم. عقاید و رسوم مردم خراسان، انتشارات سروش، ۱۳۶۲.

۲- همایونی، صادق. ترانه‌های محلی فارس، بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۹.

شاه داماد نام تو عباس بود
شمشیر علی بر کمرت راست بود
شمشیر علی که بند بارش نقره
بر سینه دشمنانت الماس بود»^۱

مراسم عروسی در لرستان
«در لرستان چنین مرسوم است که زنان خانواده داماد که در مجلس
عروسی شرکت دارند به صورت دسته‌جمعی و با نوای بلند و کشیده
اشعار زیر را می‌خوانند:

ایما داشتیم ای برارنْ حالا کِز دیم داووتش
داووتش هفت روز و هفت شو علی تو به گمکش
ما همین یک برادر را داریم و اکنون برایش مراسم عروسی
برپا داشته‌ایم.

مراسم عروسی اش هفت شبانه‌روز است
ای حضرت علی ازین به بعد تو یاوراو باش»^۲

۱ - شریعت‌زاده، علی اصغر. فرهنگ مردم شاهرود، ناشر مؤلف، ۱۳۷۱.

۲ - نقل از خانم معصومه رخشا، کارشناس ارشد مردم‌شناسی، ۱۳۷۹.

نغمه‌های حماسی

زورلاما، کشتی سنتی آذربایجان

«زورلاما از کشتی‌های بومی و سنتی آذربایجان است. این کشتی در بیش‌تر ایلات و عشایر آذربایجان مرسوم بوده و قسمتی از مراسم عروسی و اعیاد و جشن‌ها از جمله برداشت محصول، به‌هنگام بروز بلایای طبیعی و سایر مناسبت‌های ملی و مذهبی را تشکیل می‌دهد. کشتی معمولاً در محدودهٔ امام‌زاده‌ها، مصلی‌ها یا مکان‌هایی که «پیر» قرار دارد به‌مورد اجرا گذارده می‌شود. این اوقات بهترین زمان ظهور توانایی‌ها، شجاعت و رشادت اعضای ایل و طایفه است. کشتی روی زمینی مسطح با چمن‌زار بین مدعیان پهلوانی صورت می‌گیرد. بیش از آن هر یک از طرفین با رجزخوانی که بیش‌تر جنبه تمهید روحی و روانی دارد، به حرکات نرمشی جهت گرم‌کردن بدن خود می‌پردازند. در این بین مداحی مولای متقیان حضرت علی (ع) و جاذبه‌های آن بزرگوار مضمون رجز پهلوانان است. کشتی با قرارگرفتن دو دست پهلوانان در کمر بند یا شال کشتی است با صلواتی بر پیغمبر و آل او و فریادهای یاعلی آغاز و خاتمه می‌یابد. همراهی ساز و دهل و یا به اصطلاح محلی «ذرنابالابان» از جنبه‌های بسیار زیبای این نوع کشتی پهلوانی است. این نوا ریتم کشتی را تعیین می‌کند چرا که شدت آن در لحظات حساس کشتی به اوج خود می‌رسد که پهلوانی حریف خود را به پشت و پهلوانداخته سایه کتف

حریف بر زمین افتاده و دست پهلوان پیروز توسط داور بالا رود.»^۱

جنگ‌نامه یا شاهنامه‌خوانی در بوشهر

«جنگ‌نامه یا شاهنامه‌خوانی آوازی است که معمولاً در شب‌نشینی‌ها و گردهم‌آیی‌های اهل ادب و فرهنگ اجرا می‌شده است. این سنت گرچه به شکل غالب از میان‌رفته است اما هنوز می‌توان گهگاه ناظر آن بود. شاهنامه‌خوانی توسط تکخوان اجرا می‌شود و همراهی جمعی ندارد. جنگ‌نامه همچنین در مراسم عزاداری و سوگواری اجرا می‌شود اما اشعار آن از شاهنامه نیست بلکه از کتاب‌های دیگری از جمله کتاب جوهری برگزیده می‌شود. در این نوع مراسم معمولاً جنگ‌نامه حضرت علی اکبر (ع)، جنگ‌نامه حضرت مولا و مانند آن خوانده می‌شود. شیوه خواندن جنگ‌نامه گاه به شیوه نقالی نزدیک می‌شود. در کنار جنگ‌نامه‌های مذهبی اغلب مداحی اجرا می‌شود مانند مداحی حضرت مولای علی (ع). این مداحی که متن آن برگرفته از کتاب رفا‌عی است بیش‌تر در شب بیست و یکم رمضان خوانده می‌شود.»^۲

نغمات زورخانه‌ای

«ریتیم یکی از عناصر اصلی و سازنده زندگی است. انسان و رفتارهای اجتماعی او محتوایی ریتیمیک دارد و سازنده خصلت‌های گروهی است.

۱- نقل از مقاله‌ای تحت عنوان زورلانا، کشتی سنتی آذربایجان، ویژه‌نامه موسیقی

حماسی ایران، هفته‌نامه فرهنگی هنری اجتماعی مهر، ۱۳۷۶/۲/۱۲.

۲- درویشی، محمدرضا. مقدمه‌ای بر شناخت موسیقی نواحی ایران، ص ۷۶.

موسیقی زورخانه نیز که خود پدیده‌ای اجتماعی است بر پایه وزن و ریتم است. یکی از بارزترین آثار رسوم و آداب زورخانه ترویج و به وجود آوردن آیین پهلوانی و جوانمردی است که قسمتی از تاریخ مبارزه قوم ایرانی را در راه مقاومت با زورگویان و ستمگران وقت دربرمی‌گیرد.^۱

ورزش زورخانه و موسیقی آن بدون یاد و نام شاه‌مردان و شجاع‌ترین فرد مسلمان یعنی حضرت علی (ع) معنا و مفهومی ندارد. احترام و حق تقدیمی که برای «سادات» در زورخانه قایل می‌شوند نیز به سبب عشق و احترامی است که به حضرت علی (ع) و اولاد او دارند. بیان شجاعت‌ها و رشادت‌های حضرت علی (ع) در قالب شعر و موسیقی زیبا و مهیج نشانه‌ای است عمیق از عشق جوانمردان و شجاعان میهن اسلامی ما به رهبر جوانمردان و آزادگان عالم یعنی امیرمؤمنان که در تمام حرکات و نرمش‌های ورزشکاران باستانی دیده می‌شود. آهنگ گفتار و حرکات مرشد زورخانه پیوندی دلنشین و محکم بین کلمات بوجود می‌آورد که قدرت بیان‌کننده سخن یا آفریننده موسیقی را صدچندان می‌کند. موسیقی نیز به نوبه خود اثر بخشی گفتار را زیاد می‌کند و خصلت‌های پهلوانی و جمعی را تقویت می‌کند.

«رسم است هر ورزشکار با تجربه باستانی کار پیش از ورود به گود ورزش‌خانه سنگ بگیرد. سنگ گرفتن از بهترین و نیز دشوارترین حرکات ورزش باستانی است، هر تازه‌کاری نمی‌تواند سنگ بگیرد، فقط ورزشکاران نیرومند و پهلوانان از عهده سنگ گرفتن برمی‌آیند. مرشد

۱ - جهانگللو، منوچهر. مقدمه کتاب ریتم‌های ورزشی (ریتم‌های ضرب زورخانه‌ای)،

سنگ گرفتن ورزشکار را تا ۱۱۴ یا ۱۱۷ بار می‌شمارند و شماره ۱۱۴ و ۱۱۷ میان باستانی‌کاران مقدّس است و مرشد یا پهلوان از این دو شماره بیش‌تر نمی‌شمارد. مرشد پیش از سنگ شمردن توسط پهلوان اشعار زیر را می‌خواند:

هر کار که می‌کنی بگو بسم‌الله تا جمله گناهان تو بخشد الله
دستت که رسد به حلقه سنگ بگو لا حول ولا قوة الا بالله
و یا چنین می‌گوید:

دَم به دَم، قدم به قدم، بریکه سوار عرب و عجم، زبده اولاد نبی، یعنی
بنام احمد، محمود، ابوالقاسم محمد و به عشق ارادت و اجابت بی‌حد و
عدد صلوات. سنگ‌گیر صلوات می‌فرستد. آنگاه شمارش را چنین آغاز
می‌کند:

بسم‌الله الرحمن الرحیم
بزرگ است خدای ابراهیم
دو نیست خدا
سبب ساز کل سبب
چاره ساز بیچارگان الله
پنجه خیرگشای علی
شش‌گوشه قبر حسین
امام هفتم باب الحوائج
قبله هشتم یا امام رضا
نوح نبی الله
کرم از علی ولی الله
علی و یازده فرزندش برحق

جمال «هشت و چهار صلوات»
بیست لعنت خدا بر ابلیس
یک بیست آقای قنبر علیست
دویست، مرد دو عالم علیست
سه بیست، یا علی مِثْلُتْ کیست^۱

اشعار زیر در ورزش زورخانه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد:
ویژه نرمش، شنا و میل‌گردانی با مضمون حضرت علی (ع)
ای گل سرسبد عالم اسلام، علی ای نهال کهن معدلت و داد، علی
مردانی

در دو جهان رهنما نیست به غیر از علی
والی ملک ولا نیست به غیر از علی
مردانی

ناد علیاً، علیاً یا علی بعد نبی بر همه خلق افضل
مردانی

اگر بی مونس و غم‌خواری ای دل چه غم دارم که دلبر دارم ای دل
دیوان مردانی

۱ - صدیق‌ایمانی، مصطفی. مجموعه مقالات مردم‌شناسی، دفتر اول، سال ۱۳۶۲، صص

۱۵۴ / حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران

بیت فوق در ثنای حضرت علی (ع) خوانده می‌شود.

هر دل بدرد عشق تو شد مبتلا علی هرگز نشد قرین غم و ابتلا علی
دیوان مردانی

امشب در این عالم بپا غوغای محشر می‌شود
غلطان به خون خویشتن مولای قنبر می‌شود
دیوان مردانی

شعر فوق در عزای حضرت علی (ع) خوانده می‌شود.

یا علی با نور تو عالم منور می‌شود
یا علی با بوی تو گلها معطر می‌شود
مولوی

چونکه مولود علی در خانه الله شد
زین سبب واجب طوافش بر ابا عبد الله شد
دیوان محتاج حاج شیخ عباس قمی

شعر فوق در میلاد حضرت علی (ع) خوانده می‌شود.

اگر بری به خم زلف تابدار انگشت
ز تاب زلف برآری به زینهار انگشت
فردوسی

نغمه‌های حماسی / ۱۵۵

شعر فوق در میلاد حضرت علی (ع) و عید سعید غدیر خم خوانده
می‌شود.

گل رنگ علی می‌شود و بوی محمد
بی‌شبه بود روی علی روی محمد
حاج شیخ عباس قمی

علی حجت حق در ماه خدا بنماگذاری در سنگر ما
مردانی

شعر فوق به هنگام توسل به آستان مولا علی خوانده می‌شود.

آن شنیدم که پوریای ولی پیرو سیره و ولای علی
مردانی

علی بود خانه‌زاد به خانه کردگار به محفل قرب حق علی بود پرده‌دار
نظام اراکی

شعر فوق در میلاد فرخنده حضرت علی (ع) خوانده می‌شود.

این خانه را باید خدا در عرش معماری کند
آدم بتایش را نهد، جبریل هم یاری کند
شمس اصطهباناتی

شعر فوق در میلاد فرخنده حضرت علی (ع) خوانده می‌شود.

ای علی که جمله عقل و دیده‌ای شمه‌ای واگو از آن‌چه دیده‌ای
مولوی

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را
که بماسوا فکندی همه سایه‌ها را
شهریار

علی ای که ملک دین را تو یگانه پادشاهی
زچه پادشاه گفتم که تو سایه خدایی
ای چهره‌تو آینه کبریا علی
خاک در تو تاج سر انبیا علی
ابوالحسن ورزی

نه مراست قدرت آنکه دم زند ز جلال تو یا علی
نه مرا زبان که بیان کنم صفت کمال تو یا علی
فؤاد کرمانی

به جز از علی نباشد به جهان گره‌گشائی
طلب مدد از او کن چو رسد غم و بلایی
عباس شهری

جان مرا جانان علی، هجر مرا پایان علی
درد مرا درمان علی، جانم علی جانم علی، ای جان‌جانانم علی
مالک

نغمه‌های حماسی / ۱۵۷

زمشرق تا به مغرب گر امام است امیرالمؤمنین حیدر تمام است
عطار نیشابوری

زدیم دست توسل چو بر ولای علی
ز کار ما بگشاید گره خدای علی
ابراهیم صها

تا زنده‌ام به جهان گویم ثنای علی
جانم فدای علی، جانم فدای علی
ابوالقاسم حالت

هر که را دردی بود در راه دین، درمان علیست
در دریای حقیقت، بحر بی‌پایان علیست
مولوی

شیر خدا و لنگر عرش خدا، علی است
مرآت حق و آیینه حق نما علی است
مروی

مقتدای اهل عالم چون گذشت از مصطفی
ابن عم مصطفی را دان علی مرتضی
ابن یمین

کس را چه زور و زهره که وصف علی کند
جبار در مناقب او گفت هل اتی
سعدی

۱۵۸ / حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران

فرو ریزد به دامن از سپهر دیده کوکب‌ها

علی این مظهر عدل الهی چون دگر شب‌ها

مشفق کاشانی

آن شهنشاهی که بحر لافتی را گوهر است

شحنه دشت نجف را شاه ولایت حیدر است

اهلی شیرازی

مسلم است علی را همه صفات احد

برون از این دو صفت لم یلد و لم یولد

سروش اصفهانی

علی آن شیر خدا، شاه عرب الفتی داشته با این دل شب

شهریار

ترانه‌های مذهبی

تصنیف مولود نبی

«یکی از مشهورترین ترانه‌های شهری که به مناسبت مولود پیامبر اسلام(ص) ساخته شده و هنوز هم در روز میلاد پیامبر به ویژه روز میلاد فرخنده حضرت علی (ع) خوانده می‌شود ترانه «مولود نبی» است. سازنده این ترانه «علی اکبر شیدا» است. وی یگانه شاعر تصنیف‌سازی است که قبل از «عارف قزوینی» می‌زیسته و عارف هم او را بر خود مقدم دانسته و ذکر خیرش گفته است. علی اکبر شیدا در شیراز متولد شده و به سال ۱۳۲۶ قمری در خانقاه صفی علی شاه در تهران درگذشته است. در مسلک درویشی، طریقت نعمت‌اللهی اختیار کرده بود و در حلقهٔ مریدان صفا علی ظهیرالدوله از صفی علی شاه پیروی می‌کرده است.

وی ترانه‌ها و تصنیف‌های دلکشی ساخته که بسیاری از آن‌ها در مجله موسیقی رادیو به چاپ رسیده است.

ترانه مولود نبی برای اهل صفا و سالکان طریق معرفت نوای ویژهٔ جشن ولادت حضرت علی (ع) به شمار آمده است:

مولود نبی محبوب خداست زین حسن ظهور، عید فقر است
نازم به چنین بزمی که بپاست با هم به صفا، سلطان و گداست

به به چه صفا، به به چه وفا

به به چه شهی، به به چه گدا

ساز و دف و نی، هو حق زندا دم از دم هوی مطلق زندا
زین نغمه خوش منطق زندا کز مهر علی ذرات بپاست

عالم هم از او، پرشور و نواست

به به چه صفا، به به چه وفا

به به چه شهی، به به چه گدا

احسنت بدین، احسنت بدین

عیش و طربی، عیش و طربی

خوشا به چنین، خوشا به چنین عشق و طلبی، عشق و طلبی

به به به چنین بزم ادبی

کز مهر و صفا الطاف خداست کاین جشن و چنین بی‌ریب و ریاست

به به چه صفا، به به چه وفا

به به چه شهی، به به چه گدا

ناز به مقامی که در او خسرو و درویش

هستند به هم یکدل و هم مسلک و هم کیش

چه خوش فکرت درویش

چه خوش فطرت درویش

چه خوش نیت درویش

چه خوش عشرت درویش^۱

این ترانه دلنشین و عارفانه در دستگاه سه‌گاه اجرا می‌شود و آن طور

که شادروان روح‌الله خالقی در صفحه ۸۸ سرگذشت موسیقی ایران

می‌نویسد:

«این آهنگ و اشعار مخصوص روز تولد حضرت علی (ع) است که هنوز هم اگر در روز سیزدهم رجب جشنی برپا گردد خوانده می‌شود و درویشان ظهیرالدوله‌ای با این شعر و آهنگ راز و نیازها دارند.»

تصنیف علی گویم، علی جویم

این تصنیف از ساخته‌های «صابر همدانی» (۱۲۸۲-۱۳۳۵ شمسی) است و نزد مردم ایران شناخته شده است. درویش امیر حیاتی این تصنیف زیبا و عارفانه را به همراهی تنبور خوانده است. آهنگ ترانه از سنت موسیقایی اهل حق و کرد گرفته شده است. ساختار تصنیف بدیع و در دستگاه چهارگاه اجرا می‌شود. اخیراً این تصنیف با خوانندگی و نوازندگی تنبور استاد امیر حیاتی توسط مؤسسه فرهنگی - هنری ماهور منتشر شده است:

به روز و شب من شیدا علی گویم، علی جویم
به باغ و گلشن و صحرا علی گویم، علی جویم
علی روح و روان من، علی آرام جان من
علی ذکر و زبان من، علی گویم، علی جویم
علی سلطان ملک جان، علی شایسته خوبان
علی حلال هر مشکل؛ علی سلطان و شاه دل
علی باشد به حق واصل علی گویم، علی جویم
علی حیدر، علی صفدر، علی مونس، علی دلبر
علی بُد یار پیغمبر، علی گویم، علی جویم
علی اوّل، علی آخر، علی باطن، علی ظاهر
علی طیب، علی طاهر، علی گویم، علی جویم

تصنیف عارفانه و عاشقانه براساس غزل مولوی

در این تصنیف مقام حضرت علی (ع) با روح القدس برابر است که به تعبیری صوفیانه می‌توان گفت که جایگاه و مقام حضرت علی (ع) در نزد خداوند از تمام پیامبران قبل از اسلام بالاتر است و قبل از خلقت در ازل وجود داشته است. این غزل ورد زبان بیش‌تر دراویش و عاشقان امیرالمؤمنین است:

تا صورت پیوند جهان بود، علی بود
تا نقش زمین بود و زمان بود، علی بود
شاهی که وصی بود و ولی بود، علی بود
سلطان سخا و کرم و جود، علی بود
مسجود ملائک که شد عالم زعلی شد
آدم چو یکی قبله و مسجود، علی بود
هم آدم و هم شیث و هم ایوب و هم ادریس
هم یوسف و هم یونس و هم هود علی بود
هم شیر دلاور که زیهر طمع نفس
در خوان جهان پنجه نیالود، علی بود
هم موسی و هم عیسی و هم خضر و هم الیاس
هم صالح پیغمبر و داود علی بود
آن کاشف قرآن که خدا در همه قرآن
کردش صفت عصمت و بستود علی بود
آن عارف سجاد که خاک درش از قدر
از کنگره عرش برافزود، علی بود

آن شاه سبرافراز که اندر ره اسلام
تا کار نشد راست نیاسود، علی بود
آن قلعه گشایی که در قلعه خیر
برکند به یک حمله و بگشود علی بود
چندان که در آفاق نظر کردم و دیدم
از روی یقین در همه موجود، علی بود
این کفر نباشد، سخن کفر نه اینست
تا هست علی باشد و تا بود علی بود
سرّ دو جهان جمله زپیدا و زپنهان
شمس الحق تبریز که بنمود علی بود

ذکرهای اهل حق

«در میان ذکرهای اهل حق، ذکر حضرت علی (ع) که گاهی با لقب مولا خوانده می‌شود از تمام ذکرها مهم‌تر است. ذکر حضرت علی (ع) در میان فرقه قادریه که سنی مذهب هستند نیز مقام اصلی و مرکزی دارد. نمونه‌ای از این ذکرها به شرح زیر می‌باشند:

— یا علی، مولام علی، تو تنها شاهی علی جان

— سلطان دین است یا علی یا علی	پیر بنیامین است یا علی یا علی
— یا حی یا غفور	یا نور علی نور
— قربان چشمت علی که جام جهان‌نماست	دین من است شام شاه خوشین است
— شادباشی که شادم کردی	در پای شندرکوه علی فیضم دادی
— شاه‌نعمت‌الله ولی است، حق	اوّل و آخر علی است، حق
— علی حاضر است (حق است)	دیده من کور است (حق است)

- مددی یاعلی (حق است) پناهی یاعلی (حق است)
 - در این تنگنا (حق است) توسل به توسل یاعلی (حق است)
 - عاشق به جمال نور علی شده‌ام (جان علی)
 - مولای هشت و چهار یاعلی یاعلی صاحب ذوالفقار یاعلی یاعلی
 - ناد علیاً، علیاً، یاعلی
 - علی علی، شاه علی مولام علی، شاه علی
 - مدد، صد مدد (یاعلی) شاه کرم داران (جان)
 - کرم خیر کن (یا مولا) به حال یاران (جان)
 - طلیعه سواران یاعلی سردار یاران یاعلی
 - سلطان مردان یاعلی شفای کل دردها یاعلی
 - دم همه دم، علی علی همدم دم، علی علی
 - من نمی‌دانم چه هستم یاعلی دستم بگیر هرچه هستم از تو هستم یاعلی دستم بگیر
 - مشکل گشایی یاعلی ره‌نمای راهی یاعلی
 - ای علی، مولا جان ای جان شادی، شاه مولا جان ای جان
 - علی نور است و دنیا علی نور است و شهنشاه
 - به قربانت شوم ای شاه دلدل سوار مرا بی‌کس مگذار به‌مدد می‌خوانمت
 - یاعلی مولایم من به قربانت شوم عزیزم، محبوبم، من به قربانت شوم^۱

موسیقی مقامی قوچان

بحر طویل

حاج قربان سلیمانی نوازنده ماهر و صاحب نام دوتار قوچان که موسیقی

مقامی این منطقه را با زیبایی و اصالت فوق‌العاده‌ای اجرا می‌کند در مناسبت‌های مذهبی بحر طویل زیر را به زبان فارسی می‌خواند و می‌نوازد:

«چه گل سنبل طرفه چمن غلغل قُمری، چه دگر چهچه بلبل، زعشق گل گلشن شده سرمست و غزلخوان.

گهی واله و حیران، برو سوی گلستان، نظر کن به سر برگِ درختان، به مرغان خوش‌الحان، ایله جانیم سته قربان.

به تشویش، به دل ریش، برو دور، بیا پیش، ایا ای دل نادان، به به نه عجایب، به به نه غرایب، نه گوزل سن، نه قیامت، به یک یار موافق، که شده همدم صادق، که به نام است محمد لقبش احمد محمود، ابوالقاسم خیرالبشر و سیدکونین، ولی عم عالی اعلا، ولی والی والا، زقد قامت رعنا، که بود قدرت یزدانی، گره در گره و زلف معنبر، که فزون است، یکی از شب یلدا یه دیم، کیمه دیم، داد ایله بی داد، سموم و صوت و صبر و صدرالمنتهی انت الذی یفوض، من بیچاره بیررحم قیل یوخدی منده بیر آشنا.»^۱

موسیقی مقامی تربت جام

قصه آوازی حضرت مولا

موسیقی مقامی تربت جام دارای مضامین عارفانه و عاشقانه زیادی است که نمونه زیر که به «قصه حضرت مولا» در منطقه معروف است به سبب ارتباط مضمون آن با حضرت علی (ع) آورده شده است.

«قصه حضرت مولا که در شهر عجایب رفت. شهری بود که آدم هیچ پیدا نبود و ترازوها بالا پایین می‌شد، گوشت‌ها قصابی می‌شد و آدم پیدا نبود. این‌جا معجز حضرت مولا سؤالاتی می‌کند به دربار خدا. [یک مرغی به شکلی] ملائک به شکل مرغی می‌شود و خبر این شهر را به حضرت مولا می‌دهد و این شهر را ازدها فرو برده بود و حضرت مولا همه را نجات می‌دهد بعد از سیصد سال.

متن صحیح قصه حضرت مولی که به وسیله نورمحمد درپور ارائه گردیده (نوار ۱۶۲ گروه گردآوری و شناخت موسیقی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران بدین قرار است:

آواز: شیخ رسول حسینی

اصل یک ششم بزرگ بم‌تر

اللّٰه ای مؤمن اگر هست ترا عقل و خرد یار

بشنو سخن از منتقبت حیدر کزّار

اللّٰه چنین کرده روایت

اندر فدع [؟] مزرعه احمد مختار

اللّٰه روزی ز قضا حضرت سلطان ولایت

می‌کرد و مناجات کای صانع ستار

اللّٰه بنمای مرا رّه سوی شهر عجایب

تا بنگرم از صورت این واقعه اظهار

اللّٰه فی الحال ندا آمد ای شاه سفر کن

آن‌چه که طلب کردی به نزدت شود اظهار

اللّٰه بر دل‌دل و زین گشت سوار آن شه مردان

می‌رانند و به فرمان خداوند جهاندار

دلدل روشبی داشت اگر شاه و براندی
یک لحظه ز اشرق تا به مغرب شدی اظهار
الله سه روز و سه شب تاخت در آن وادیه حیدر
تا دید و یکی شهری پر از کوچه و بازار
الله مردم نه به بازار و دکان‌ها همه در گرد
کوگس که کند صورت این واقعه اظهار
الله نان پخته همی می‌شد و بسیار فراوان
بفروخته همی می‌شد و پیدا نه خریدار
الله قصاب نبود گوشت فراوان (به قناره)
طبّاخ نبود پخته شده نعمت بسیار
الله چون شاه و بدید این همه احوال عجایب
نسالید و به درگاه خداوند جهاندار
الله بفرست تو دلیلی که بپرسم سخن از وی
مرغی زهوا آمد و بنشست به دیوار
الله با روی علی کرد هی سلامی و درودی
گفتا که تو ای بعد نبی بر همه سالار
الله شد سیصد و شصت سال که این شهر و خراب است
بودند و در این شهر بسی فاسق و فجّار
الله می‌کرد و نصیحت همه را لوت پیمبر
اقرار نکردند چه مثل بود در این کار
الله یک اثر پیدا شد و اکنون همه را خورد
نگذاشته یکی زنده از آن مردم فجّار

۱۷۰ / حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران

آن حیّه به غار است در آن کوی مقابل
خوابیده به فرمان خداوند جهاندار
اللّه چون شاه و شنید این سخن از مرغ هویدا
فی الحال و فرس راند و علی جانب کوهسار
آمد به در غار هی که بود مسکن اژدر
زد نعره که ای حیّه بیرون شو تو از این غار
اللّه آن حیّه شنید و به جان نعره حیدر
آمد به در و کرد و سلامی به دو دیدار
اللّه گفتا اسداللّه بدان اژدر پرکین
اندر شکمت دوزخ و اندر دهنت نار
اللّه خلق که خداوند سپرده به امانت
حکم آمده امروز به من نیز و تو بسیار
اللّه خلقی که فرو خورد فرو ریخته به یک بار
زیشان نه یکی خسته نه آزرده نه بیمار
گفتا اسداللّه هی بدان قوم که چند است
اندر شکم حیّه بودن جمله گرفتار
اللّه گفتند و ایا شاه ندانم که چند است
دانم که همان حضرت حق بود نگهدار
گفتند تو چه شخصی که خلاصی ز تو دیدم
گفتا که منم شیر خدا حیدر کرّار
ای رومی اگر جمله ز ذرات دو عالم
از برگ درختان تمام جمله کوهسار

آواز: شیخ روحانی
هم: یک ششم یکدوازدهم

قدح حضرت مولی

♩ = 80

1) 2) 3) 4)

قدح حضرت مولی
قدح حضرت مولی
قدح حضرت مولی
قدح حضرت مولی

۱۷۲ / حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران

اللّٰه اگر مدح علی در ورق دهر نویسم
نکته نمی‌گنجد بصد دفتر و تومار^۱

جمشیدی

«نوعی دوبیتی در تربت جام به نام «جمشیدی» رواج دارد. جمشیدی نام
یک ایل در این منطقه است بنابراین تعلق این آواز به این ایل بایستی محرز
به نظر رسد.»

آواز: غلامعلی ابراهیمی

اصل یک چهارم افزوده بم‌تر
آخ به قرآنی که خطش ناشماره‌وای
اللّٰه به مولایی که تیغش ذوالفقاره نبی جان هی
آ سر از سودای عشقت بر ندارم هی
اللّٰه که تا دین محمّد برقراره هی داد
آ محمّد مصطفای من تو باشی
اللّٰه کلمه آسمان من تو باشی نبی جان هی
آ به فردای قیامت روز محشر هی
اللّٰه به محشر عذرخوای من تو باشی نبی جان هی
آ دلم شد عاشق نام محمّد هی
اللّٰه بنوشم قطره از جام محمّد ای
آ دوازده (۹) وازو (۹) شنیدی
کشیدی پای خور از خانه من وای

۱- مسعودیه، محمدتقی، موسیقی تربت جام، انتشارات سروش، ۱۳۵۹، صص ۱۰۲.

اصل یک چارم افروزہ عمر
آواز: خلاصے ابراہمی

J.

[illegible]

آخ ای چرا امروز و فردا می‌کنی یار
آخ چرا غم با دلم جا می‌کنی یار ای
آ تنور تافته من ...؟
آخ چرا از دور تماشا می‌کنی یار ای^۱

آواز: فضل احمد

اصل یک سوم بزرگ بم‌تر
علیر دیدم هی علیر در خواب دیدم
علیر در مسجد و محراب دیدم لیلی جانم
علیر دیدم هی که بر دلدل سواره هی
چه قنبر با رکابش میدوم هی الله من
محمد هی نقش و میندازه هوا را
به دست داره قلمدان طلا را داد هی
به فردای قیامت روز محشر
شفاعت می‌کنه شاه و گدا را
های درختا پر گله گل و همیشه
که نازک خد کسی آشنا نمیشه هی الله من هی
جانا برو قپور بپاس کار خود باش
از این نمد به تو کلای نمیشه هی
الایار جان هی بم هم [؟] خویت ندیدم
بدخشان گشی هم رویت ندیدم هی وای

آواز: ضلح
همگین نغمه بزرگ بزم

جمشید



۱۷۶ / حضرت علی (ع) در نغمه‌های عامیانه ایران

جانا هرات و میمنه تا ملک آنخوی
با هیچ مجلس گل رویت ندیدم هی
یکی را پادشا کردی خداجان
هزاران را گدا کردی خداجان هی وای
امام حسین که فرزند علی بود
شهید کربلا کردی خداجان هی وای^۱

موسیقی بلوچستان

جنگ حضرت ادهم با کفار

«ابراهیم ادهم، زاهد و عارف مشهور ایرانی از امیرزادگان بلخ بود. وی از بلخ به مکه رفت و مجاور شد. ابراهیم ادهم در طریقه تصوف مقام بزرگی یافت و در مکه به جهت چند تن از اولیاء مانند فضل بن عیاض و صفیان ثوری رسید، سپس به شام رفت و تا پایان عمر آن جا بود. وی در جنگ دریایی ضد بیزانس در سال ۱۶۰ یا ۱۶۱ هجری قمری به شهادت رسید.»^۲

در کتاب موسیقی بلوچستان، تألیف شادروان دکتر محمد تقی مسعودیه جنگ ادهم با کفار با شعر «ملا ابراهیم» همراه با آوانویسی آن آمده است که در زیر آورده می‌شود:

۱ - همان، صص ۴۲، ۴۳.

۲ - دایرة المعارف بشر، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۶، ص ۳۷۶.

آواز و تنبیره: فیض محمد سراوانی
قیچک: مهرباب داوودی
اصل یک دوم کوچک بم‌تر

برگردان فارسی
سپاس از بخشنده مشکل‌گشا
خدای بی‌نیاز و منزّه
هر کس در شب‌های طولانی
اسرار و راز درون خود رابا تو
در میان می‌گذارند [می‌گذارد]
به درگاه تو سر فرود
می‌آورند [واز تو یاری می‌طلبند]
مستضعف و مستکبر [همه
شناگوی تواند]

ای بنده! در این جهان فانی به
خود مبال

بعد از ستایش پروردگار
درودهای بی‌شمار می‌گویم
به آن سرور تاجدار [پیامبر اسلام]
نام محمد (ص) که مشهور است
[و] ستایش چهار یارش
ابوبکر یار غار او و عمر
عثمان غنی و نامور
حضرت علی دلدل سوار

شعر بلوچی
شکر از کریم کار ساز
پاکین خدای بی‌نیاز
هر کس به شب‌های دراز
گون تو گوشنت اسرار و راز
فریاد، زاری و نماز

کل بی در و گردن فراز

بنده مه دنیا یا مناز

بعد از ثنای کردگار
گویم درود بی‌شمار
بر صاحب تاج و عذار
نام محمد آشکار
مدح صفات چار یار
بویکر و عمر یار غار
عثمان غنی نامدار
حضرت علی دل‌دل سوار

شعر بلوچی

زیبیت ترا تیغ ذوالفقار
بغدادی دنگین شهسوار
گور من مدت بیت وقت کار
دارم بسی گفت گزار
اندر کتابان چند بار

دیستن که نقشت یادگار

روچی نبی تاجدار

اندر مدینه برقرار

کل میچ اتنت اصحاب و یار

کرتی نصیحت هر سحر

اول گنی ادهم توار

زوت وتی بو را بیار

هتی به بو پیلا سوار

یکدم برو سوی شکار

بر صید آهوی تار

جون و کبابانا بیار

پادا تکگت ادهم چنان

بر حکم سردار جهان

هچی نکت شک و گمان

برگردان فارسی

زیبیده است بر تو شمشیر ذوالفقار
آن شهسوار جوانمرد بغداد
موقع گرفتاری به یاری من می‌شتابد
من سخنان زیادی دارم
بارها در کتب [و احادیث]
آمده است

[و] خواندم که در کتب نقش
بر بسته بود:

روزی پیامبر تاجدار

در مدینه مستقر بود

همه اصحاب و یارانش جمع بودند

هر بامگاهان نصیحت می‌کرد

ابتدا ادهم را ندا داد:

زود مرکبت را بیاور

و هم اکنون سوار بر فیل آماده شو

[و] برای شکار عزیمت کن

برای شکار آهوی تیز تک

[و] لاشه [گوشت] و

کباب‌هایش را آماده کن

ادهم بلافاصله از جای برخاست

همانطور که پیامبر فرمان داده بود

[و] هیچ تردیدی به خود راه نداد

شعر بلوچی

بستی وتی ترکی میان
 زرتی دو شمشیر و کمان
 جعبه گون زبرین جان گران
 مه پنجوا گرز گران
 سینگر تگی بانزین جوان
 میمون رکابین نوجوان
 نشتک په ملی دو روان
 چو رستما بوتگ روان
 در کوه و صحرا و شمان
 رپتگ چو باد صرصر
 تاتکی ترسوکین گره برا
 کوه جبل په یک برا
 دور گندی شانک دات هر گورا
 جتگین سبجنجل یک برا
 هچّی نه دیت آهو ورا
 ناگه به حکم قادرا
 رپتگ مناکوهی سرا
 گندیت هجوم لشکرا
 گون پیل و اسپ و کاترا
 زاتتی من موجین خاطرا
 فوج و سپاه کافرا
 مغرب زمینی نر خرا

برگردان فارسی

کمر پهلوانی خود را محکم بست
 شمشیر و کمان را برداشت
 انبان تیرهای مهلک را برداشت
 و در مشتش گرز گران
 آن عقاب جوان خشمگین
 [و] آن نوجوان خوش یمن
 همچون پهلوان زمان نشسته است
 [و] مثل رستم عزیمت نمود
 به سوی کوه، صحرا و دره‌ها
 مثل باد صرصر حرکت کرد
 [و] رخس تندرو را می‌راند
 کوهستان را به یکباره پیمود
 [و] به هر سو نظاره می‌کرد
 با دو دیدگان خود
 هیچ آمویی به چشم نمی‌خورد
 ناگهان به فرمان خداوند
 به کوه صعود کرد
 [و] لشکر مهاجم را مشاهده کرد
 سوار بر فیل و اسب و قاطر
 در درون ملتهب خود دانست
 لشکر کفار است
 [که] از مغرب زمین سرازیر

شعر بلوچی

برگردان فارسی

شومین مکیّد چی برا
بنگاهی اشتگ یک گورا

شده است
مکید شوم است
خیمه و خرگاهش را در
گوشه‌ای برپا کرده است

اتکگ چه اردوّا در
بد مذهبین ترک شرا
گوانکی جتین سلطان فرا
سوگندی یادکت سی برا

و از لشکر فاصله گرفته است
آن لامذهب شرور
ادهم شاهزاده را صدا زد
[و] سه بار سوگند ادا کرد [به]

و دو سواعانی سرا
په لات و مناتی برادر
نیست انت دگر کاری مرا
بیا که کنان جستی ترا
سوج و سری از حیدرا

و دو سواع
ولات و منات
[و] هیچ کار دیگری ندارم
بیا سؤالی از تو می‌کنم:
از حیدر کرار [حضرت علی

بلکه به گندان صفدرا
برّانی تاجدارین سرا

(ع) [نشانی بده
تا شاید من آن جنگجو را ببینم
[و] سر تاجدارش را از تن

اودی بران من کشور
تحفه په شاهی دخترا
توگر دیئی سوجی مرا

جدا می‌کنم
[و با خود] به کشورم می‌برم
هدیه برای دختر پادشاه
هر گاه تو [از او] نشانی به من

یک خلعتی بکشان ترا

بدهی
خلعتی بخشم تو را

شعر بلوچی

گون صد هزار سیم و زرا
چستی جواب گردینت نرا
ادهم گون بیرین زره برا
گوشتی جسین کافرا

خاکت دپابات گون پرا

ادهم به فرمان خدا

هرجت بروکین یک زدا

مان اهت گون نکسین بدا

چار صد لعین په یک ردا

چاک دا تگنت مثل گدا

سر از تنا کرتنت جدا

باز بییگت از بی خدا

کرتگ مکید ای ندا:

ای حیدرانت اتکگ ادا

اندیشی نیست اژده صدا

گردی گریت دیم و پدا

تیر از کمانان چو دردا

ادهم به مثل شیر نر

برگردان فارسی

با صدها هزار سیم و زر
آن شیرمرد با قاطعیت پاسخ داد
ادهم با شمشیر زره بر
به آن کافر شوم و ملعون
چنین گفت:

خاک و خاکستر در دهانت باد

ادهم به فرمان خدا

شمشیر برنده را کشید

[و] با آن [کفار] پلید درگیر شد

چهار صد ملعون را یک جا

مثل پارچه از هم درید

[و] سرشان را از تن جدا

ساخت

[و] گروه بی شماری زخمی

شدند

مکید ندا در داد:

این حیدر [حضرت علی (ع)]

است که این جا آمده است

[و] ترسی از کثرت لشگر ندارد

از هر طرف محاصره اش کنید

تیر از کمان‌ها همچون رگبار

باران [رها شدند]

ادهم همچون شیر نر

شعر بلوچی

گپتی وتی تیغ و سپر
چو رستمی کرتگ ظفر
با ضرب و شمشیر و تبر
مرداری کت دگر چارصد نفر

گاربتی بازی چک و سر

ادهم من دریایی تنها

اشناگت بورو واجها
بازی پرینت من سبچین چهار

زانتی که اتکگ ای قضا
بوتگ به تقدیر ارضا
وسی کتگ جنگ و غزا

تریت مناگردپ بزا

هنچو که شیرین مرتضی
دنت کافرا ناترگزا

گڈا که ساعت بیت تمام

برگردان فارسی

شمشیر و سپرش را به دست گرفت
[و] همچون رستم پیروزی آفرید
با ضرب و شمشیر و تبر
[و] چهارصد نفر دیگر را به
هلاکت رساند،

شانه و سرهای بسیاری را
شکافت

ادهم در دریایی از خون
[کفار]

با رخس خود شنا کرد
[و] گروه زیادی را به جهنم
واصل کرد

[او] دانست که این مقدر بود
[و] به تقدیر الهی رضایت داد
[ادهم] نهایت کوشش را در
جنگ به عمل آورد

[او] در انسبوهی از لشکر
چرخید

مثل علی شیر خدا
کفار را به زمین می اندازد
بعد از ساعتی که کار به اتمام
رسید

شعر بلوچی

اتکنت حد نگانی رگام
گپت هاتفی بوری لگام
ادهم شهید بوتگ په تام

رپتگ بهشتا گام په گام

در روضه‌ی دارالسلام
در جنت‌الفردوس مقام
کافر چو حوکا تر تگ
عقل و شعوری پرتگ
سر پهلوانی پرتگ
من مغربی کوباشتگ
مکید برپتین مغربا

ادهم ترا صد مرجبا
کلین سلح شاهی تبا

اولی بستنت په بانزین مرکبا
بورا به زرتین ماتمی
گوته‌ی په ماتکوهی شمی
رپتگ به تعجیل غمی
برتی مدینه یک دمی

برگردان فارسی

رگبار خدنگ‌ها باریدن گرفت
هاتفی لگام اسب ادهم را گرفت
[زیرا] ادهم با افتخار به
شهادت رسید

[و] به سوی بهشت قدم به
قدم شتافت

در روضه دارالسلام
و در جنت‌الفردوس مقام گرفت
کافر همچون گرازی شد
و مشاعرش را از دست داد
سر پهلوان را از تن جدا کرد
[و] بسوی مغرب زمین روانه شد
[و] مکید به سوی غرب
عزیمت نمود

ادهم! صدها بار آفرین بر تو
کلیه سلاح‌های آن [ادهم]
ذی‌شان را

به مرکب تیز تک بستند
رخش او اندوهناک شد
[و] از شکاف کوه‌ها حرکت کرد
اندوهناک و با شتاب عبور کرد
[و] در یک آن به مدینه رسید

شعر بلوچی

په ذوالجلالی توکالا

گون مصطفی صلو علا

براهیم بیان کن عقده‌هان

شیر خدایی نقده‌هان

یا شاه مردان المدد

خواهم نجات از شر و بد

ده^۱

برگردان فارسی

با توکل به خداوند

[و] حضرت محمد (ص)

ای ابراهیم! آن چه در ضمیر

داری بیان کن

[از] شاهکارهای شیر خدا

ای شاه مردان! از تو مدد

می‌جویم

از مصائب و بدی‌ها نجاتم

پژوهشگران حوزه مردم‌شناسی در مراکز میراث فرهنگی استان‌ها که گزارش پژوهشی آن‌ها در این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است:

میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی	ابوالفتحی، مریم
میراث فرهنگی شهرستان بیرجند	برآبادی، احمد
میراث فرهنگی شهرستان کاشان	تراب‌زاده، عباس
میراث فرهنگی شهرستان شاهرود	حسنی، حمیدرضا
پژوهشکده مردم‌شناسی	حمیدی، علی‌اکبر
میراث فرهنگی استان آذربایجان غربی	سپهرفر، حسن
میراث فرهنگی شهرستان بیرجند	سورگی، علی
میراث فرهنگی شهرستان بیرجند	شعیبی، غلامحسین
میراث فرهنگی استان خوزستان	طلائیان‌پور، پرویز
میراث فرهنگی استان زنجان	عبدالله‌پور، محرم
میراث فرهنگی کهگیلویه و بویراحمد	عزیزی، هجیر
میراث فرهنگی استان آذربایجان غربی	علی‌اکبرزاده، سیروس
میراث فرهنگی استان لرستان	فرزین، علیرضا
میراث فرهنگی استان آذربایجان شرقی	فلسفی‌میاب، علی
میراث فرهنگی استان خراسان	قندهاری‌زاده، فرزاد

مکاری، محمد

میراث فرهنگی استان خراسان

نادری، افشین

پژوهشکده مردم‌شناسی

منابع و مأخذ

- ۱- احمد پناهی، محمد (پناهی سمنانی). ترانه و ترانه‌سرایی در ایران، انتشارات سروش، ۱۳۷۶.
- ۲- برآبادی، سیداحمد؛ غلامحسین شعبی. مردم‌نگاری شهرستان قاین، ۱۳۷۵.
- ۳- جاحظ بصری. المحاسن والاضداد والعجایب و الغرایب، ۱۳۳۴ (ق).
- ۴- جهانگللو، منوچهر. مقدمه کتاب ریتم‌های ورزشی، پارت، ۱۳۷۰.
- ۵- حسنی، حمیدرضا؛ پرویز طلائیان‌پور. مردم‌نگاری شهرستان بهبهان، ۱۳۷۶.
- ۶- حمیدی، علی‌اکبر. پژوهش چاپ نشده، پژوهشکده مردم‌شناسی، ۱۳۷۸.
- ۷- درویشی، محمد رضا. آئینه و آواز، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
- ۸- درویشی، محمد رضا. مقدمه‌ای بر شناخت موسیقی نواحی ایران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۹- درویشی، محمد رضا. نوروزخوانی، نشر آروین، ۱۳۷۶.
- ۱۰- راشد محصل، محمد رضا. کتاب پاز، ویژه بیرجند، مشهد، ۱۳۷۳.

- ۱۱ - ژان دورینگ. موسیقی و عرفان، موسیقی اهل حق، ۱۳۷۸.
- ۱۲ - سپهرفر، حسن؛ محرم عبدالله‌پور. مریم ابوالفتحی. مردم‌نگاری شهرستان زنجان، ۱۳۷۴.
- ۱۳ - شریعت‌زاده، سیدعلی‌اصغر. فرهنگ مردم شاهرود، ۱۳۷۱.
- ۱۴ - شعبی، غلامحسین؛ علی سورگی. مردم‌نگاری شهرستان نهبندان، ۱۳۷۶.
- ۱۵ - شکورزاده، ابراهیم. عقاید و رسوم مردم خراسان، انتشارات سروش، ۱۳۶۲.
- ۱۶ - صدیق‌ایمانی، مصطفی. مجله هنر و مردم، شماره ۱۵۸، سال ۱۳۵۴.
- ۱۷ - صدیق‌ایمانی، مصطفی. مجموعه مقالات مردم‌شناسی، دفتر اول، ۱۳۶۲.
- ۱۸ - علی اکبرزاده، سیروس؛ حسن سپهرفر. مردم‌نگاری شهرستان مهاباد، ۱۳۷۶.
- ۱۹ - علی اکبرزاده، سیروس؛ حسن سپهرفر. مردم‌نگاری شهرستان نقده، ۱۳۷۳.
- ۲۰ - علی اکبرزاده، سیروس؛ علی فلسفی‌میاب. مردم‌نگاری شهرستان قروه، ۱۳۷۴.
- ۲۱ - عناصری، جابر. مجله چیستا، سال اول.
- ۲۲ - عناصری، جابر. فصلنامه موسیقی آهنگ، شماره ۱، سال اول، ۱۳۶۷.
- ۲۳ - فرزین، علی‌رضا؛ محمود اکبری. مشکه و ملال در لرستان، ۱۳۷۴.
- ۲۴ - فرهادی، مرتضی. نامه فرهنگ ایران.

ترانه‌های مذهبی / ۱۹۱

- ۲۵ - قندهاری زاده، فرزاد؛ هجیر عزیزی. مردم‌نگاری شهرستان نیشابور، ۱۳۷۴.
- ۲۶ - مسعودیه، محمدتقی. موسیقی بلوچستان، انتشارات سروش، ۱۳۶۴.
- ۲۷ - مسعودیه، محمدتقی. موسیقی تربت جام، انتشارات سروش، ۱۳۵۹.
- ۲۸ - مکاری، محمد؛ عباس تراب زاده. مردم‌نگاری شهرستان گناباد، ۱۳۷۳.
- ۲۹ - مکاری، محمد؛ فرزاد قندهاری زاده. مردم‌نگاری شهرستان سرخس، ۱۳۷۳.
- ۳۰ - ملاح، حسینعلی. شعر و موسیقی، نشر فضا، ۱۳۶۷.
- ۳۱ - نادری، افشین؛ علی فلسفی میاب. مردم‌نگاری شهرستان هشتروند، ۱۳۷۵.
- ۳۲ - ناصح، محمدمهدی. کتاب شعر دلبر، مشهد، انتشارات محقق، ۱۳۷۳.
- ۳۳ - وکیلان، سیداحمد. رمضان در فرهنگ مردم، انتشارات سروش، ۱۳۷۰.
- ۳۴ - هدایت، صادق. نیرنگستان.
- ۳۵ - همایونی، صادق. ترانه‌های محلی فارس، بنیاد فارس‌شناسی، ۱۳۷۹.
- ۳۶ - هنری، مرتضی. آیین‌نامه‌های نوروزی، مرکز مردم‌شناسی، ۱۳۵۳.

نمایه

۱	آ
ابراهیم (ع) ۱۵۲، ۱۰۰	آب زمزم ۱۲۵
ابراهیم ادهم ۱۷۶، ۱۷۸، ۱۸۰ -	آتون (ملای زن) ۵۴، ۱۴۳
۱۸۴	آدم (ع) ۱۰۰، ۱۵۵، ۱۶۴
ابراهیمی، غلامعلی ۱۷۲	آذربایجان ۲۰، ۱۴۹
ابن سعد ۹۳	آروین (انتشارات) ۱۰۱، ۱۰۲،
ابن یمن، محمود بن یمن الدین	۱۸۹، ۱۰۴
۱۵۷	آسیا (قاره) ۶۳
ابوالفتحی، مریم ۲۱، ۱۸۷، ۱۹۰	آفتاب خوانی (مراسم) ۳۷
ابوبکر بن ابی قحافه ۲۴، ۴۷، ۱۷۷	آقا میر مطلب ۵۷
ابوعطا (دستگاه موسیقی) ۱۴۳	آل عبا ← اهل بیت (ع)
احمد پناهی، محمد ۱۲۸، ۱۸۹	آواهای روح نواز (کتاب) ۱۳۴،
احمد، فضل ۱۷۴	۱۳۵
ادریس (ع) ۱۶۴	آیین های نوروزی (کتاب) ۱۰۸،
اذان ۵۴، ۵۷، ۶۹، ۷۰، ۷۲	۱۹۱
اراک (شهر) ۱۲۱، ۱۲۳	آئینه و آواز (کتاب) ۴۷، ۱۸۹

- اردبیل ۱۰۶
 ۷۶، ۱۰۰، ۱۰۵، ۱۱۴، ۱۱۶
 آردل (شهرستان) ۱۷
 ۱۳۳، ۱۴۹، ۱۵۲
 ارسباران (منطقه) ۱۳۴
 اهلی شیرازی، محمدبن یوسف
 اسپند دود کردن ۳۳
 ۱۵۸
 استاد (روستا) ۳۵
 اهورا مزدا ۱۰۰
 اسحاق آباد (روستا) ۳۶
 ایران ۹، ۱۰، ۱۵، ۵۳، ۹۹، ۱۰۰
 اصحاب کهف ۱۰۵
 ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۱، ۱۳۱، ۱۳۲
 اصفهان ۱۳۸
 ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۶۳، ۱۶۸
 اکبری، محمود ۲۵، ۱۹۰
 ایرانی ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۹۴، ۱۰۰
 البرز (کوه) ۱۰۰
 ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۵۱، ۱۷۶
 الغوث (مراسم) ۶۷، ۶۸
 ایرانیان ۹، ۱۰، ۹۹
 الله رمضونی (مراسم) ۶۲
 ایوب (ع) ۱۶۴
 المحاسن و الاضداد (کتاب) ۹۹
 ب ۱۸۹
 بابل (شهر) ۱۰۱
 الیاس (ع) ۱۶۴
 بازبهای محلّی فارس (کتاب) ←
 امامان معصوم (ع) ← اهل بیت (ع)
 ترانه و ترانه‌سرایی در ایران
 امّ کلثوم ۶۰، ۶۱، ۷۶، ۷۷
 (کتاب)
 امیرکبیر (انتشارات) ۱۷۶
 بجنورد ۶۲
 انجمن ایران‌شناسی فرانسه در
 بخارا (شهر) ۶۳
 ایران ۴۸
 بحر طویل (شعر) ۱۶۶، ۱۶۷
 اوپری (مدّ دریا) ۲۱
 بدر (جنگ) ۷۵
 اهر (منطقه) ۱۳۴
 برآبادی، احمد ۳۶، ۱۸۷، ۱۸۹
 اهل بیت (ع) ۲۲، ۲۷، ۲۹، ۶۹

- برازجان (منطقه) ۱۳۳
 بروجرد ۴۰
 بصری (منطقه) ۱۳۳
 بطحا (شهر) ۹۱، ۸۹
 بغداد ۱۷۸
 بلخ (شهر) ۱۷۶
 بلوچ (قوم) ۱۳۱
 بلوچستان ۱۷۶، ۴۷
 بلوچی ۱۷۷-۱۸۴
 بم (شهرستان) ۶۲، ۶۴
 بنیاد فارس شناسی ۳۴، ۱۱۶
 ۱۲۳، ۱۴۵، ۱۹۱
 بوشهر ۲۲، ۲۶، ۲۷
 بویراحمد (شهر) ۱۱۶
 بیده (روستا) ۸۵
 بیرجند ۲۹، ۶۲، ۱۱۴
 بیرجندی ۱۱۱، ۱۱۲
 بیگ (قوی هیکل) ۱۸، ۱۹
 بیهود (روستا) ۳۶
- ۱۸۹
 پرسش (انتشارات) ۱۶۶
 پژوهشکده مردم شناسی ۱۸،
 ۲۶، ۱۳۹-۱۳۵، ۱۸۹-۱۸۷
 پوریای ولی ۱۵۵
 پهنایی (روستا) ۳۶
 پیر چراغ (مکان زیارتی) ۸۶
 پیمانہ کردن گندم ۱۰، ۲۱
- ت
 تبارک (سوره) ۱۴۴
 تبریز ۱۶۵
 تراب زاده، عباس ۳۶، ۱۸۷، ۱۹۱
 ترانه و ترانه سرایی در ایران
 (کتاب) ۱۲۸، ۱۸۹
 ترانه های محلی فارس (کتاب)
 ۳۴، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۴۵، ۱۹۱
 ترانه های نیمروز (کتاب) ۱۱۷
 تربت جام (منطقه) ۱۱۶، ۱۱۷،
 ۱۳۳، ۱۶۷، ۱۷۲
 تربت حیدریه ۵۴
 ترکمن (قوم) ۱۳۱
 ترکمن صحرا ۴۹
- پ
 پارت (انتشارات) ۱۵۱، ۱۸۹
 پاژ، ویژه بیرجند (کتاب) ۱۱۴،

- تصنیف ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴
 تعزیه (تعزیه خوانی) ۶۹ - ۶۷،
 ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۷، ۸۵، ۸۶
 تعزیه خوانان ۱۰
 تنبره (آواز) ۱۷۷
 تنبور (ساز) ۱۶۳، ۴۸
 تنگستان (منطقه) ۲۱
 تولکی ← نشای برنج
 تهران ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۶۱،
 ۱۷۶
 ۱۳۶، ۱۳۷
 چ
 چاووشی ۲۱، ۲۲، ۵۴
 چاووشی خوانان ۱۰
 چهارپاره (شعر) ۱۱۱
 چهارشنبه سوری (مراسم) ۱۰۸
 چهارگاه (دستگاه موسیقی) ۱۶۳
 چهارم حال و بختیاری ۱۷، ۲۵،
 ۱۳۶، ۱۳۷
 چهل بیتو (مراسم) ۳۸ - ۴۰
 چهل سرو (فال) ۴۰
 چیستا (مجله) ۱۰۶، ۱۹۰
 ح
 حارث خیبری ۹۱
 حالاما (میهمانی) ۲۰
 حالت، ابوالقاسم ۱۵۷
 حبشه ۸۸
 حج ۶۵
 حجاز ۹۱
 حجة بن الحسن (عج)، امام
 جبرئیل (فرشته وحی) ۴۸، ۶۹ -
 ۷۲، ۸۶، ۱۰۷، ۱۴۴، ۱۵۵، ۱۶۴
 جرجانی، موسی ۱۳۴، ۱۳۵
 جشن خرمن ۱۶، ۱۸، ۲۰
 جعفر بن محمد (ع)، امام ششم
 ۲۳
 جمشیدی (نوعی دوییتی) ۱۷۲
 جنگ نامه ۱۵۰

خ

- دوازدهم ۱۰۵
 حرّین یزید ریاحی ۹۲
 حسن بن علی (ع)، امام دوم ۲۳،
 ۳۴، ۴۱، ۵۷، ۶۰، ۶۱، ۷۳-۷۵،
 ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۳، ۸۵، ۱۲۳،
 ۱۳۷
 حسنی، حمیدرضا ۳۸، ۱۸۷،
 ۱۸۹
 حسن بن علی (ع)، امام دوم ۷۹
 حسین بن علی (ع)، امام سوم ۲۳،
 ۳۴، ۴۱، ۵۷، ۶۰، ۶۱، ۶۶، ۷۰،
 ۷۱، ۷۳-۷۶، ۷۸، ۸۰، ۸۳، ۸۵،
 ۹۳، ۱۲۳، ۱۳۷، ۱۵۲، ۱۷۶
 حسینی، رسول ۱۶۸
 حماسی (نغمه) ۱۴۷
 حمیدی، علی اکبر ۱۸، ۲۶، ۱۸۷،
 ۱۸۹
 حنین (جنگ) ۷۵
 حوّا ۱۰۰
 حوزه هنری سازمان تبلیغات
 اسلامی ۲۸، ۴۷، ۱۳۴، ۱۳۵،
 ۱۸۹
 حیاتی، امیر ۱۶۳
- خالقی، روح الله ۱۶۲
 خدیجه بنت خویلد (س) ۱۳۲
 خراسان ۳۷، ۳۸، ۴۰، ۱۱۵،
 ۱۳۲، ۱۴۳
 خرمن جا (محلّ) ۲۲
 خرمن کوبی ۱۰، ۲۲
 خضر (ع) ۲۱، ۱۶۴
 خمین (شهر) ۱۳۸
 خندق (جنگ) ۹۰
 خواجه لرعلیا (روستا) ۱۰۸
 خوزستان ۱۱۶، ۱۳۹
 خیبر (جنگ - قلعه) ۳۴، ۹۰،
 ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۴۴، ۱۵۲، ۱۶۵
- د
 داریه (ساز) ۱۴۵
 داوود (ع) ۱۶۴
 داوودی، مهرباب ۱۷۷
 دایرة المعارف بشر (کتاب) ۱۷۶
 درپور، نورمحمد ۱۶۸
 درو کردن (جشن) ۱۰، ۱۶، ۲۰،
 درویشی، محمدرضا ۲۲، ۲۸،

۱۸۹	۴۷، ۴۸، ۱۰۰ - ۱۰۲، ۱۰۴
رخش (اسب رستم) ۱۷۹، ۱۸۲	۱۵۰، ۱۸۹
۱۸۳	دزفول ۱۳۸
رخشا، معصومه ۱۳۹، ۱۴۶	دشتستان (منطقه) ۲۱، ۱۱۵
رستم (قهرمان شاهنامه) ۹۳	۱۳۳
۱۷۹، ۱۸۲	دشتی (دستگاه موسیقی) ۱۳۲
رفاحی (کتاب) ۱۵۰	دف (ساز) ۴۸، ۹۱، ۱۶۲
رفسنجان ۶۴	دُلْدُل (اسب) ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷
رمضان در فرهنگ مردم (کتاب)	۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۷۷
۵۵، ۶۲، ۶۴، ۶۷، ۸۵، ۸۸، ۱۹۱	دوبیتی (شعر) ۳۹، ۴۰، ۱۰۹
رمضان (ماه) ۵۱، ۵۳، ۵۷، ۶۲	۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۷۲
۱۵۰	دوتار (ساز) ۴۹، ۱۶۶
روح الامین ← جبرئیل (فرشته وحی)	دورینگ، ژان ۴۸، ۱۶۶، ۱۹۰
روح القدس ← جبرئیل	دوزله (ساز) ۴۹
رودخانه (روستا) ۵۴	دهل (ساز) ۹۱، ۱۴۳، ۱۴۹
روزه ۶۴، ۶۸	دیوان محتاج (کتاب) ۱۵۴
روشناوند (روستا) ۳۵	دیوان مردانی (کتاب) ۱۵۳-۱۵۵
روضه (روضه خوانی) ۵۷، ۵۸	ذوالفقار ۱۷، ۸۲، ۱۰۱، ۱۰۴
۸۶، ۸۵، ۶۲	۱۰۵، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۸
روضه خوانان ۱۰	۱۶۶، ۱۷۲، ۱۷۸
ریت‌های ورزشی (کتاب) ۱۵۱	ر
۱۸۹	راشد محصل، محمدرضا ۱۱۴

سراوانی، فیض محمد ۱۷۷
 سرخس (منطقه) ۵۴
 سرگذشت موسیقی ایران (کتاب)

۱۶۲

سروش (انتشارات) ۳۷، ۴۰، ۵۵،
 ۶۲، ۶۴، ۶۷، ۸۵، ۸۸، ۱۲۸،
 ۱۴۵، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۸۴،

۱۸۹ - ۱۹۱

سروش، محمدعلی بن قنبرعلی

۱۵۸

سعدی، مصلح بن عبدالله ۱۵۷

سلیمانی، قربان ۱۶۶

سمیه (روستا) ۲۲

سنج (آلت موسیقی) ۹۱، ۹۲

سنگسر (منطقه) ۱۰۵، ۱۰۶

سورگی، علی ۱۸۷، ۱۹۰

سورنا (ساز) ۴۹، ۹۲، ۱۴۳

سهراب ۹۳

سیستان (منطقه) ۱۱۷

ش

شام (شهر) ۱۷۶

شاه چراغ ۱۳۹

ریگ به کوزه انداختن ←
 چهل بیتو

ز

زاگرس ۴۸

زایمان ۳۵، ۳۷

زنجان ۲۰

زنگ شتر (قطعه موسیقی) ۴۸

زورخانه ۱۰، ۱۵۱، ۱۵۳

زورخانه‌ای (نغمه‌ها)

زورلما (کشتی) ۱۴۹

زورلما، کشتی سنتی آذربایجان

(مقاله) ۱۵۰

زهان (روستا) ۳۶

زینت بنت علی (ع) ۵۵، ۵۶، ۵۸ -

۶۱، ۷۳، ۷۶، ۷۸ - ۸۱، ۸۴، ۹۳،

۱۳۲، ۹۴

س

سبلان (کوه) ۱۰۶

سپهرفر، حسن ۲۰، ۲۱، ۲۴،

۱۸۷، ۱۹۰

سرخوانی ۵۴

شاهرود (شهرستان) ۳۵، ۴۱،	شهریار، محمدحسین ۱۵۶، ۱۵۸
۴۲، ۵۵، ۵۷، ۱۴۵	شیپور (ساز) ۵۴، ۸۸، ۹۰، ۹۳
شاهنامه خوانی ← جنگ‌نامه	شیث (ع) ۱۶۴
شبر ← امام حسن (ع)	شیدا، علی اکبر ۱۶۱
شیر ← امام حسین (ع)	شیردوشی ۱۶، ۲۵
شبیخ خوان ۹۴	شیراز ۱۲۷، ۱۶۱
شبیخ خوانی ۸۸، ۹۴	شیرازی (واسونک) ۱۴۵
شریعت‌زاده، علی اصغر ۴۳، ۵۷،	شیعیان ۵۳، ۷۱، ۸۶، ۱۰۰
۱۴۶، ۱۹۰	شیعه ← شیعیان
شعر دلبر (کتاب) ۱۱۱، ۱۹۱	
شعر و موسیقی (کتاب) ۱۶۲،	ص
۱۹۱	صالح (ع) ۱۶۴
شعیبی، غلامحسین ۲۴، ۳۶،	صدا و سیمای جمهوری اسلامی
۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۰	ایران ۱۶۸
شکورزاده، ابراهیم ۳۷، ۴۰،	صدیق ایمانی، مصطفی ۲۳،
۱۴۵، ۱۹۰	۱۵۳، ۱۹۰
شمرین ذی‌الجوشن ۴۲، ۶۱،	صفیان ثوری ۱۷۶
۹۲، ۹۳	صفی علیشاه (خانقاه) ۱۶۱
شمس اصطهباناتی، محمد ۱۵۵	صفی علیشاه، محمدحسن بن
شمشال (ساز) ۴۹	محمدباقر ۱۶۱
شمع و چراغ (مراسم) ۴۱، ۴۲	صهبا، ابراهیم ۱۵۷
شور (دستگاه موسیقی) ۱۴۳	
شهری، عباس ۱۵۶	

- ط
- عثمان بن عفان ۲۴، ۴۷، ۱۷۷
- عروسی ۱۴۱، ۱۴۳-۱۴۶، ۱۴۹
- عزیزی، هجیر ۳۷، ۱۸۷، ۱۹۱
- عطار، محمد بن ابراهیم ۱۵۷
- عقاید و رسوم مردم خراسان (کتاب) ۳۷، ۴۰، ۱۴۵، ۱۹۰
- علویان (قوم) ۴۸
- علی اکبر (ع) ۱۵۰
- علی اکبرزاده، سیروس ۱۹، ۲۰
- ظ
- ظہیرالدولہ، علی بن محمد ناصر ۱۶۱
- ظہیرالدولہ ای (فرقہ درویشان) ۱۶۱، ۱۶۳
- ع
- عاشورا ۳۶
- عباس بن علی (ع) ۳۹، ۷۴، ۹۴
- عبد الرحمن بن ملجم مرادی ۶۰
- عبد اللہ پور، محرم ۲۱، ۱۸۷، ۱۹۰
- عید اللہ بن زیاد ۹۲
- ۱۸۹
- طالقان (منطقہ) ۱۰۰
- طبل (ساز) ۵۴، ۸۸، ۹۰-۹۴
- ۱۲۲، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۶۲
- طلانیان پور، پرویز ۳۸، ۱۸۷
- طوس (شہر) ۴۲
- طہ (سورہ) ۵۴
- ۱۱، ۱۵-۲۹، ۳۴-۴۲، ۴۷-۴۹
- ۵۳-۶۰، ۶۳-۷۳، ۷۵-۷۷، ۸۶
- ۸۸-۹۱، ۹۹-۱۰۱، ۱۰۸-۱۱۲
- ۱۱۸، ۱۲۱-۱۲۸، ۱۳۲-۱۴۰
- ۱۴۳-۱۴۶، ۱۴۹-۱۵۸، ۱۶۱
- ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۲
- ۱۸۰، ۱۸۴
- علی بن حسین (ع)، امام چہارم ۱۳۷، ۷۷، ۲۳
- علی بن محمد (ع) امام دہم ۲۳
- علی بن موسیٰ (ع)، امام ہشتم ۲۲، ۲۳، ۴۲، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۵۲

عمر بن خطاب ۲۴، ۴۷، ۸۲، ۱۷۷	فرهادی، مرتضی ۲۸، ۱۹۰
عمر بن عبدود ۹۰، ۹۱	فرهنگ مردم شاهرود (کتاب)
عنصری، جابر ۹۰، ۹۴، ۱۰۵	۴۳، ۵۷، ۱۴۶، ۱۹۰
۱۰۶، ۱۹۰	فضا (انتشارات) ۱۶۲، ۱۹۱
عتر ۸۲	فضل بن عیاض ۱۷۶
عید قربان ۳۶	فلسفی میاب، علی ۱۹، ۱۰۸
عیسی (ع) ۱۶۴	۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۱

غ ق

غدیر خم (عید) ۱۵۵	قادری، صابر ۴۷
غزل (شعر) ۱۶۴	قادریه (فرقه) ۱۶۵

قائم شهر ۱۰۲

قاین (شهرستان) ۳۶

ف

فاتحه‌الکتاب (سوره) ۴۱	قرآن (کتاب خدا) ۵۴، ۵۵، ۶۱
فارس (استان) ۶۲، ۶۷، ۶۸	۶۷، ۶۹، ۷۷، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸
۱۱۵، ۱۱۶، ۱۲۱	۱۲۴-۱۲۶، ۱۶۴، ۱۷۲
فاطمه زهرا (س) ۳۳، ۴۱، ۵۷	قروه (شهرستان) ۱۸
۶۱، ۷۷، ۸۲، ۱۲۳-۱۲۵، ۱۳۲	قزوینی، عارف ۱۶۱
۱۴۳، ۱۴۴	قطامه ۷۳
فتاح شاه ۸۸-۹۰	قلخانی (منطقه) ۴۸
فراهان (منطقه) ۱۲۳	قلعه مدرسه (روستا) ۳۷
فردوسی، ابوالقاسم ۱۵۴	قُم (شهر) ۱۳۷
فرزین، علیرضا ۲۵، ۱۸۷، ۱۹۰	قمی، عباس ۱۵۴، ۱۵۵

- قنبر (غلام علی (ع)) ۳۹، ۴۹، ۵۵ - کرمانی، فؤاد ۱۵۶
 ۶۰، ۶۲، ۷۸-۸۴، ۸۶، ۸۸ - کرنا (ساز) ۹۰، ۹۳
 ۱۰۱-۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۴ - کشکوئیه (روستا) ۶۴
 ۱۱۵، ۱۵۳ - کعبه ۱۲۵، ۱۲۷
 قندهاری زاده، فرزاد ۳۷، ۵۴ - کوس ← طبل
 ۱۸۷، ۱۹۱ - کوفیان (اهل کوفه) ۹۳
 قوچان (شهر) ۱۶۶ - کوفه ۵۸، ۶۱، ۹۲
 قوژد (روستا) ۳۵ - کیل (ظرف مسی) ۲۴
 قولچی (نوکر) ۱۸، ۱۹ - کی منش، عباس ۱۵۸
 قیجک (ساز) ۱۷۷

گ

- گرگان ۶۲ - گناباد (شهرستان) ۳۵
 گوران (منطقه) ۴۸ - گوشه‌هایی از زندگی مردم
 دهکده سمیه (مقاله) ۲۳ - گومش (منطقه) ۱۰۰
 گیلان ۱۰۰، ۱۳۱ - کاربرد آلات و ادوات موسیقی در
 نسخ و مجالس شبیه‌خوانی (مقاله) ۹۰، ۹۴
 کازرون ۶۷، ۶۸ - کاظمین (شهر) ۱۱۳
 کر بلا ۱۹، ۲۱، ۴۱، ۴۲، ۶۱، ۷۰ - کربلا ۷۶، ۷۸، ۹۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۷۶
 گرد (قوم) ۱۳۱ - کرمان ۶۴، ۱۳۵، ۱۳۶
 کرمانشاهان (کرمانشاه) ۴۷، ۴۸ - کرمانشاهان ۱۳۸

ل

- لات (تبت) ۱۸۰ - لالایی ۱۰، ۱۱۱، ۱۲۹، ۱۳۱ -
 ۱۴۰

- لای‌روبی ۱۱، ۲۸
 ۶۳-۶۶، ۷۰، ۷۲، ۷۸، ۸۰، ۸۲
 لُر (قوم) ۱۱۶، ۱۳۱
 لُردگان (شهرستان) ۱۷، ۲۵
 لرستان ۴۰، ۱۳۹، ۱۴۶
 لقمان ۱۴۴
 ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۴
 ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۴
 م
 مازندران ۲۲، ۱۰۰-۱۰۲، ۱۰۴
 ۱۳۱
 مالک (شاعر) ۱۵۶
 ماهور (مؤسسه فرهنگی-هنری)
 ۱۶۳
 مَثَل (قصه ترانه) ۱۱۹
 مجموعه لایسی‌های ایران
 (کتاب) ← آواهای روح‌نواز
 (کتاب) ۱۳۴
 مجموعه مقالات مردم‌شناسی
 (کتاب) ۱۵۳، ۱۹۰
 محرم (ماه) ۵۳
 محقق (انتشارات) ۱۱۱، ۱۹۱
 محمدبن عبدالله(ص)، پیامبر
 اسلام ۱۰، ۱۱، ۱۷، ۱۹-۲۴، ۲۷-
 ۲۹، ۳۳-۳۷، ۴۱-۴۳، ۵۳-۵۵،
 ۵۴، ۵۵-۵۷، ۵۹، ۶۱-۶۳، ۶۶-۶۸، ۷۰، ۷۲، ۷۸، ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۸۶، ۹۱، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۴-۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۲-۱۳۷، ۱۴۳-۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۷۸، ۱۳۳، ۹۱، ۴۲، مدینه ۴۲، ۹۱، ۱۳۳، ۱۷۸، ۱۸۳، مدّاحان (مدّاح) ۱۰، ۷۷، مدینه ۴۲، ۹۱، ۱۳۳، ۱۷۸، ۱۸۳، مرحب خیبری ۹۱، مردانی، نصرالله ۱۵۳-۱۵۵، مردم‌نگاری زنجان (کتاب) ۲۰، ۱۹۰، مردم‌نگاری سرخس (کتاب) ۵۴، ۱۹۱، مردم‌نگاری شهرستان بهبهان (کتاب) ۳۸، ۱۸۹، مردم‌نگاری شهرستان قاین

- (کتاب) ۱۸۹، ۳۶
مردم‌نگاری شهرستان گناباد
(کتاب) ۱۹۱، ۳۶
مردم‌نگاری قروه (کتاب) ۱۹، ۱۹۰
مردم‌نگاری مهاباد (کتاب) ۲۴، ۱۹۰
مردم‌نگاری نقده (کتاب) ۲۰، ۱۹۰
مردم‌نگاری نهبندان (کتاب) ۲۴، ۱۹۰
مردم‌نگاری نیشابور (کتاب) ۳۷، ۱۹۱
مردم‌نگاری هشتروند (کتاب) ۱۹۱، ۱۰۸
مرکز مردم‌شناسی ایران
(انتشارات) ۱۹۱، ۱۱۷، ۱۰۸
مروی، حسین ۱۵۷
مسعودیه، محمدتقی ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۸۴، ۱۹۱
مشفق‌کاشانی، کی‌منشی، عباس
مشک‌زنی (مراسم) ۱۰، ۱۶، ۲۵
مشکه و مالاد در لرستان (کتاب)
- ۱۹۰، ۲۵
مشهد ۶۲، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۳۲
۱۸۹، ۱۹۱
معصومه (س) بنت موسی بن جعفر (ع) ۱۳۳
مغان (شهرستان) ۲۰
مقدمه‌ای بر شناخت موسیقی نواحی ایران (کتاب) ۲۲، ۲۸، ۱۵۰، ۱۸۹
مکاری، محمد ۳۶، ۵۴، ۱۸۸، ۱۹۱
مگه ۱۳۳، ۱۷۶
ملاح، حسین علی ۱۶۲، ۱۹۱
ملک‌الموت (فرشته مرگ) ۵۴
ممسنی (منطقه) ۱۱۶، ۱۲۸
منات (ثبت) ۱۸۰
من هاشم (واحد اندازه‌گیری) ۲۲، ۲۳
موسی (ع) ۱۶۴
موسی بن جعفر (ع)، امام هفتم ۲۳، ۱۵۲
موسیقی آهنگ (فصلنامه) ۹۰، ۹۴، ۱۰۵، ۱۶۷، ۱۹۰

موسیقی بلوچستان (کتاب) ۱۷۶،	میراث فرهنگی کهکیلویه و
۱۹۱، ۱۸۴	بویراحمد ۱۸۷
موسیقی تربت جام (کتاب) ۱۷۲،	میراث فرهنگی لرستان ۱۸۷
۱۹۱، ۱۷۶، ۱۷۴	میمنه (منطقه) ۱۷۶
موسیقی رادیو (مجله) ۱۶۱	
موسیقی مقامی ۱۶۶، ۱۶۷	ن
موسیقی و عرفان، موسیقی اهل	نادری، افشین ۱۰۸، ۱۳۵ - ۱۳۹،
حق (کتاب) ۴۸، ۱۶۶، ۱۹۰	۱۹۱، ۱۸۸
مولوی، جلال‌الدین محمدبن	ناصح، محمد مهدی ۱۱۱، ۱۹۱
محمد ۱۵، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۵۷	نامه فرهنگ ایران (کتاب) ۲۸،
مهر (هفته‌نامه) ۱۵۰	۱۹۰
مبید (شهر) ۸۵	نجف ۴۲، ۴۳، ۹۹، ۱۱۲، ۱۱۳،
میراث فرهنگی آذربایجان شرقی	۱۵۸
۱۸۷	نشای برنج ۱۰، ۱۶ - ۱۸
میراث فرهنگی آذربایجان غربی	نظام اراکی ۱۵۵
۱۸۷	نعمان جراح ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۷۴،
میراث فرهنگی بیرجند ۲۹، ۱۸۷	۷۵
میراث فرهنگی خراسان ۱۸۷،	نقاره ۵۴، ۹۱، ۹۲، ۹۴
۱۸۸	نقالی ۱۵۰
میراث فرهنگی خوزستان ۱۸۷	نقده (شهرستان) ۲۰
میراث فرهنگی زنجان ۱۸۷	نل (ساز) ۴۷
میراث فرهنگی شاهرود ۱۸۷	نماز ۲۳، ۳۴، ۶۴، ۶۹ - ۷۲،
میراث فرهنگی کاشان ۱۸۷	۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۳۴

۵

هاتف اصفهانی، احمد ۹۹
 هدایت، صادق ۳۴، ۱۹۱
 هرات (شهر) ۱۷۶
 هفت اورنگ (کتاب) ۴۸
 همایونی، صادق ۳۴، ۱۱۶،
 ۱۲۳، ۱۴۵، ۱۹۱
 همدانی، صابر ۱۶۳
 هنر و مردم (مجله) ۲۳، ۱۹۰
 هنری، مرتضی ۱۰۸، ۱۹۱
 هود(ع) ۱۶۴

ی

یاسین (سوره) ۵۴
 یزد ۶۴، ۸۵
 یزیدبن معاویه ۶۶، ۷۷، ۱۰۷،
 ۱۳۷
 یملیک (گیاه) ۱۰۶
 یوسف(ع) ۱۶۴
 یونس(ع) ۱۶۴

نوح(ع) ۲۷، ۳۷، ۱۰۵

نوحه ۶۸، ۷۲، ۷۷، ۸۶

نوحه خوان ۶۸

نوروز خوانی (کتاب) ۱۰۰ -

۱۰۲، ۱۰۴، ۱۸۹

نوروزخوانی (مراسم) ۱۰۰ -

۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵

نوق (روستا) ۶۴

نوکی، محمد ۲۹

نهبندان (شهرستان) ۲۴، ۱۱۴

نی (ساز) ۹۴، ۱۶۲

نیرنگستان (کتاب) ۳۴، ۱۹۱

نیشابور ۳۶، ۱۱۷

نیکوکار، عیسی ۱۱۷

نیل (رود) ۹۰

نیمه گرگور (نغمه) ۲۷

نیمه نداف (نغمه) ۲۷

نینوا (دشت) ۹۲

و

ورزی، ابوالحسن ۱۵۶

وکیلان، احمد ۵۵، ۶۲، ۶۴، ۶۷،

۸۵، ۸۸، ۱۲۳، ۱۹۱

